

هند در تحت تسلط کوشانیان

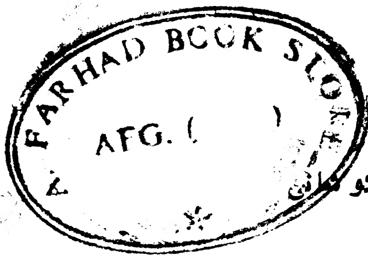
تاریخ سیاسی کو شا نیـــان

وزارت اطلا عات وکلتور

سیمینار بین‌المللی مطالعـات
کوشا نی
کابل ـعقرب ۱۳۵۷

مولف :ب ،ن ، پوری

مترجم :پوهنوال ضمیر صافی



بمناسبت سیمینار بین المللی مطالعات کوشانی

هند تحت تسلط کوشانیان

تاریخ سیاسی کوشانیان

مؤلف:

ب،ن، پوری

مترجم :

پوهنوال ضمیر صافی



مطبعه دولتی

عقرب ۱۳۵۷

پیام وزیر اطلاعات و کلتور

همان گونه که تالیف و نگارش کتابهای سود مند ضروری والزامی است، ترجمه وچاپ آثاردانشمندان برجسته جهان نیز امری است در خور توجه .

امپرا توری پهناور و مدنیت وفرهنگ گسترده کوشا نیان بسا ازدانشمندان کشور های مختلف راسالهای فراوان به تعمق و بررسی واداشته است و کتابی که اینک دردست دارید محصول مطا لعات پیگیردانشمند نامدار هندی (ب.ن. پوری) نیز می تواند از همین شمار باشد.

هر چند که مترجم محترم بخشی ازکتاب (هند تحت تسلط کوشانیان) رابه دری برگردانده است. امـا همین بخش کوچك در بر گیر مسایل ارزشمند وپربهایی است.

امید وارم در شرایط انقلابی جدید وبه پیروی از رهنمود های شایسته آموز گار راستین خلق نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی و صدراعظم مولفان ومترجمان کشور توفیق یابند تا آثارارجمندی بیافرینند وکتابهای سود مندی را ترجمه کنند و بدین سان هنرودانش کشور را بارور سازند .

بارق شفیعی

نکاتی چند

دربارهٔ این کتاب وترجمهٔ آن

کتابیکه اکنون بدسترس خوانندهٔ محترم قرارداره تألیف دانشمند ومحقق مشهور هند ب، ن، پوری (B. N. Puri) میباشد که در سال ۱۹۶۵م - ازطرف موسسهٔ نشراتی (بهاراتیا ویدیا بهاون) (Bharatiya Vidya Bhavan.) واقع در بمبئی در (۱۱) فصل و(۲)ضمیمه که جمله در (۲۶۸) صفحه بطور مصور برای بار اول بطبع رسیده است.

مؤلف در تألیف وتدوین این کتاب از ده ها منبع مختلف اعم از کتب ورسالات ومجلات وکتلاگهای موزیم ها وصحبت ومباحثات مستقیم با متخصصان ومحققان وغیره استفاده کرده ودر اخیر هر

فصل مأخذ ومنابع خودرا نشان داده ونظر ویا داشتهای ارزشمند خودرا نیز برآن افزوده است .

در مورد محتوای این کتاب چیزی گفتنی ندارم ولی نا گزیرم نکات چندی را درباره شکلیات آن خاطرنشان سازم بدینقرار :

۱- اصل کتاب در یک جلد بطبع رسیده است ولی متأسفانه به نسبت ضعف وکمی وقت نتوانستیم همه را ترجمه کنیم وبا افتخار سیصمین ریکه در برج عقرب سال ۱۳۵۷ هش در کابل دایر میگردد بچاپ برسانیم . لذا تا جاییکه ترجمه شده بود بحیث جلد اول بطبع رسید وبقیه در آینده بحیث جلد دوم ترجمه خواهد شد وبطبع خواهد رسید .

تقسیم اصل کتاب در دو جلد لازم نبود ولی خوشبختانه بی مورد هم از آب در نیامده زیرا جلد اول ما کاملا مبحثی است جداگانه و متمایز از جلد دوم وشامل مباحث ملیت ونژاد کوشانیان ووطن اصلی شان واینکه چه وقت ودرکجا وچطور بقدرت رسیدند ودرچند دوره مان تقسیم شده بودند وساحه نفوذ آنها تا چه اندازه بود وغیره میباشد . از این جهت جلد اول را بنام « تاریخ سیاسی کوشانیان » نامگذاری کردیم وجلد دوم آنرا بنام تاریخ اجتماعی کوشانیان نام گذاری نمودیم .

۲- مؤلف این کتاب خودرا به آنعده از خوانندگانیکه در

موضوع چندان وارد نیستند نه نوشته بلکه بسویهٔ خیلی بلند تر و عموماً برای محققان ومتخصصان در رشتهٔ کوشانیان نگاشته است از این جهت آنها یکه در موضوع وارد نیستند برای آنها مشکل است چیزی را از این کتاب به آسانی درك واستنباط کنند . بنا براین اگر بعضی از خوانندگان درك کتاب را مشکل بیابند ما را بحیث مترجم معذورخواهند فرمود .

۳- افاده واصول نگارش مؤلف بزبان انگلیسی خیلی پیچیده است واز سلاست وروانی اثری در آن دیده نمیشود ، جملات خیلی طویل و بعضاً فاقد عنصر مهم خود یعنی « خبر » بوده و بنا براین درامر ترجمه آن بمشکلات زیادی رو برو بوده ایم .

۴- مؤلف اکثراً کوشیده است که از ذکرنام « افغانستان » خودداری کند ودرعوض ، کلمات شمال غرب هند و هندشمالی وغیره را بکار سپرده .

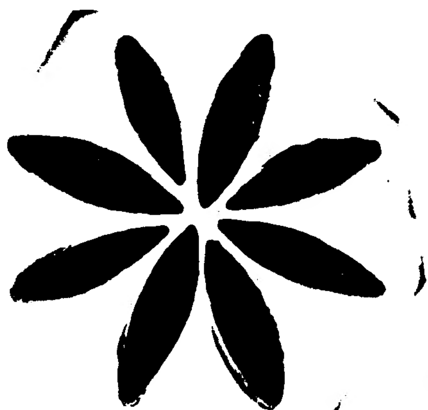
که این یك کار بست ناپسند وبهیچ صورت شایستهٔ یك دانشمند بزرگ چون هاغلی پوری نیست ، مخصوصاً که خود بارها از سه پایتخت ومرکزسیاسی و فرهنگی و هنری کوشانیها یعنی کاپیسا پشاور وماتهوراذکرمیکند که ازآنجمله تنها ماتهورادر هندموقعیت دآرد ودوی دیگرآن درسر زمین افغانها ومیتوان گفت که درعصر فرمانروایی کوشانیها بطوریکه ازنام کتاب « هند در تحت تسلط

کوشانیها » نیز پیداست ، هند در تحت تسلط سیاسی افغانستان بوده و از طرف افغانستان اداره می شده است . این شیوه ایست که نویسندگان غربی خصوصاً انگلیس ها آنرا در نگارشات خود بکار میبرده اند و برای دوستان ما در هند لازم نبود آن شیوهٔ نامطلوب و ناپسند را خود تعقیب و تقلید کنند و بدین ترتیب از ارزش علمی تحقیقات و نگارشات خود بکاهند .

با احترام .

پوهنوال محمدحسن ضمیرصافی

کابل ، برج اسد سال ۱۳۵۷ ه ش



پیش گفتار

مسالهٔ ملیت کوشانیان بیشتر از هرچیز دیگری توجه کسانی را که بمطالعه تاریخ آنان میپردازند بخود جلب میکند. اینکه آنان بنا بر شواهدی که از روی دفترچه های وقایع چینیان بدست می آید منشاء مغلی داشته وجزیی ازطایفه یوچی باشند باریخت و قیافه آنان که برروی سکه های شان کشیده شده توافق نمی کند، من بیست سال قبل فرصت آنرا یافتم که هیکل وقیافه آنان را به گونه که برروی سکه های شان کشیده شده مورد مطالعه قرار بدهم تامگر باینوسیله به منشاء آنان پی ببرم. اکنون شواهد موجود در زمینه رایکبار دیگر مورد توجه قرار داده و به این نتیجه رسیده ام که میتوان کوشانیان را با تخاریها یا تشارها یکی دانست ومنشاء آنانرا به ساك های هرو دوتس که کلاه خود نوك دار به سر می کردند (ساکا تیگراخود) رساند. گزارش های دفترچه های وقایع چینیان مبتنی بر شواهد اقوامی بوده وچنانچه قبلا بوسیله کوابا راجیتزو زونشان داده شده دارای تناقضاتی میباشند از یوچی ها که برآنان مسلط گردیدند فرق داشتند ولی دفترچه های وقایع چینیان آنرا در گزارشات بعدی خود با یوچی ها یکی دانسته اند.

جنبه ٔ اجتماعی مذهبی مسأله مخصوصا تاآنجا که به امتزاج آنان به ساختمان اجتماعی هند ارتباط پیدا میکند و پیوستن انها به مذهب بودایی دریک زمان بسیار پیش نمیتوانند کاملا خالی ازابهام باشد مگراینکه بپذیریم که کوشانیان باید به هند و هندوان نزدیکتر بوده باشند، چنین نظری بیشتر باعقل ومنطق سازگاراست تا پذیرفتن منشاء مغلی برای آنان که با درنظرداشت شکل و قیافه شان برروی سکه ها و مجسمه هاییکه لباس و هیکل آنانرا نمایش میدهد غیرقابل قبول میباشد.

مطالعه تمام جوانب تاریخ حکمروایان کدفیزس ها ((پدروپسر)) موضوع فصل دوم را تشکیل میدهدو قدامت آنها نسبت به کنیشکا و اعضای خانواده او قابل تردید نیست زندگانی وکارنامه های کجولا کادفیزس روابط او با هرمایوس فتوحات تشریکی بودنش با کجولا کارا کادفیزس و ارتباطاتش باجهان غرب به تفصیل مورد مطالعه قرار میگیرد ویما کدفیزس که جای پدر هشتادساله اشرا گرفت خودش برای مدت درازی حکمروایی کرد و بسیار احتمال میرود که درسال ۷۸ - بعدازمیلاد به تخت نشسته باشدومیتوانند به عصرساکا که مورد استفاده کشتاراپاهای او قرارداشت ارتباط داده شود . هویت سوترمیگاس و روابط اوباویما کدفیزس هم مورد مطالعه قرار داده شده است، همچنان روابط خارجی ویما کدفیزس درین فصل مورد توجه قرار گرفته است .

چنان به نظر میآید که فاصله کوتاهی ازنظر زمان بین ویما کدفیزس و کنیشکا موجود باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد که کنیشکا رایك یوچی کوچك بشمار بیاوریم ویا او را بسته به

طایفهٔ اصلی یوچی بدانیم ، روابط کنیشکا باختن قدرت معاصر او مورد تردید قرار گرفته نمیتوانند. نقشهٔ فتوحات او از مارش پیروز مندانه اش تا به سارنات وشاید دور ترازان در سال سوم میلادی حکایت میکند که با منظم شدن پنجاب سفلی و سند شمالی دنبال شده است .

کشمیر برخی از امپراطوری اورا تشکیل میداد که تا به بلخ میرسید وشامل افغانستان شرقی هم میشد ، اسناد این خانواده ، اسناد مربوط به پراسازیتس های (Prasastis) سلطنتی نه بلکه آنهای که مربوط به اعانه ها وموقوفات افراد است ازیك تا ۹۸ قدامت دارند که از آغاز سلطنت تا پایان دوره خاندان او نما یندگی میکند. سال اول این دوره (۱۴۴) بعدازمیلاد پنداشته میشود تا احتمال برخورد این کنیشکا وورود را داماں از بین برود .

این نظر از ویرانی شهر کوشانه در بگرام وجا های دیگر بوسیلهٔ ساسانیان بین سالهای ۲۴۱-۲۴۲ بعد ازمیلاد هم به ثبوت میرسد . این نظر همچنان بیکی بودن واسودیوای این خانواده پوو تیاو (Potiao) در قرن سوم بعدازمیلاد اشاره میکند من این تاریخ آخرین را برای کانیشکا بسیار پیش در سال ۱۴۹ اشاره کرده بودم (رجوع شود بجلد هفتم) وهنوز هم به نظرات دیرینهٔ خودپا برجا میباشم. روابط کنیشکا با قدرت های معاصر او در هند و آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفته است، سهم او بحیث یك بودایی هم مورد ارزیابی قرار داده شده است .

هویشکا و واسودیوا هم بهمان اندازه مورد توجه قرار گرفته اند فصل آخر که درباره تاریخ سیاسی است در اطراف کوشانیان اخیر کنشکو و واسودیو ایا و اسولی و سکه های شان تمرکز می یابد ولی در حقیقت چندین حکمروای دیگر نیز وجود داشتند که از روی اسناد کتیبه به وجود آنها پی میبریم . کنیشکای کتیبه مشهور ا (Mathura) مربوط بسال ۴۱ ، واسیشکا یا واحشکا پدر کنیشکایی که در کتیبه آرا آمده و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل مربوط سال ۳۱ که با کنیشکای کتیبه آرا یکی پنداشته میشود ازین جمله اند کوشانا پوترای کتیبه مات که آغاز دودمان کوشانی را نشان میدهد ممکن است بنیان گذار این خانواده بوده باشد و تاریخ آن با کم کردن صدسال مربوط به تاریخ دورهٔ کنیشکا باشد . ترتیب حوادث تاریخی باین شکل مشکلی را که ازنا حیهٔ گنجاندن کنیشکای کتیبه آرا و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل در دورهٔ زمامداری بلا انقطاع هویشکا از ۶۰ -۲۸ پیش می آید مرفوع میسازد . این امر همچنان تسلط واسیشکا را برما ٹوا مسلم میسازد .

نظام اداری کوشانیان باساس مودل هخامنشیان که امپراتوری را بو لایات یا نایب الحکومگی ها تقسیم نموده بودند طرح ریزی شده بود . نام های کشاترا پاها و مها کشاترا پا ها و همچنان نام های داند انا یا کا ها و مها داند انا کایا ها هندی نیستند و نمایندگی ازین میکنند که والی های ولایات و فیودالان نیرومند آنان خارجی بوده و روسای روستا ها یقینا هندی بوده اند ، همچنان نصب و تقرر براساس

توارث هم بمشاهده میرسد .

اصول بعدی مربوط میشود به‌حیات اجتماعی ، شرایط اقتصادی تعلیم و تربیه ، زندگانی مذهبی ، ادب و معماری . این یک حقیقت مسلم است که اسوا گوشا معاصر کنیشکا بوده است .

دو اثر او — بودا چاریتا و سوندارانا ندا مواد زیادی برای مطالعه زندگی کوشانیها درین دوره بدست میدهد . شواهدی که از آثار دیگر بدست می‌آید از ادبیات سانسکرت بودایی سادارما پوندا ریکا ، ماها وستو ، لالیتا ویتارا و اوندانا ها و مایندا پانها هم مورد توجه قرار داده شده است . تاریخ های این آثار موضوع قابل شک نیست و تمام اینها مربوط به قرن های اول تا سوم بعد از میلاد پنداشته میشوند . اگرچه ممکن است پس و پیشی در تاریخ آنها رخ داده باشد . زندگانی و شرایط حیات هندوان چنان تغییراتی را مخصوصاً در مدت های کوتاه بخود ندیده است که مطالعهٔ جداگانه را ایجاب کند . در واقع شکل کلی ساختمان آن کم و بیش همانست که بود .

کتیبه ها و مجسمه های این دوره در گندهارا و متهورا منبع قابل اطمینان را برای مطالعهٔ هند شمالی درین دوره تشکیل میدهد . بنا برین تلاش به عمل آمده است که تمام جوانب اجتماعی اقتصادی و مذهبی زندگانی درین دوره و شکل تعلیم و تربیه دران مورد مطالعه قرار داده شود و تمام این مطالعات برمبنای مواد موجود کتیبه ها و مجسمه ها همراه با شواهدی که از ادب آن دوره بدست میاید پی ریزی شود .

همچنان لازم دیده شد که ادبیات این دوره که به ادب سانسکریت بودایی معروف است هم مورد توجه قرار داده شود .

بنا بر این آثاری که در بالا از آنها نام گرفته شده قلامت و محتوای آنها واستفاده که از آثار ما قبل در تالیف آنها بعمل آمده وتمام جوانب دیگر آنها مورد توجه قرار گرفته است . اما ارزش هنری این آثار درین کتاب مورد ارزیابی قرار داده نشده است هنر ومعماری در اثر توجه کوشانیان در گندها را ومتهورا هردو پیشرفت زیادی نمود هنرمندان آن عصر مورد توجه والطاف حکمروایان ومردم هردو قرار داشتند .

هنر گندها را کاملا بودایی میباشد حالانکه هنر متهورا بیشتر غیر مذهبی است اختلاف تصاویر بود با وجود اینکه محتملا هر دو تقریباً درعین زمان بروی سنگ کنده شده اند میتوانند به اختلاف روشهای معمولی درین دو مرکز هنری ومعماری ارتباط داده شود . قلامت تاریخی وسهم هریك از این دو مکتب مفصلا مورد توجه قرارگرفته است .

در ضمیمه اخیر لست کاملی از کتیبه های خروشتی ، یونانی و برهمنی همراه با مراجع کامل آن ها درج شده است .شرحی راجع به سکه شناسی عهد کوشانیان که قبل ازین آمده تفصیلی راجع به انواع سکه های این دوره وفلزاتی که درآنها بکار برده شده و نوشته ها واشکالی که روی آنها ضرب زده شده است دربردارد .

دراخیر باید از دینی که بخاطر رهنمایی ها و تشویق ها و مشوره های اشخاص آتی که متاسفانه عده ازآنان دیگر وجود ندارند به گردن دارم یادآوری نمایم : پروفیسور دی، ار، بهاندرکار فقید که در

کتابخانه او در کلکته کارهای مقدماتی این اثر را بپایان رسانده و برای دو ماه از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ هر روز راجع به موضوع مورد بحث این کتاب با او بمذاکره نشسته‌ام. پروفیسور اف. دبلیو تامس فقید و پروفیسور موجوده بادن داکترتی برو که وقتی درسال ۱۹۴۹ در آکسفورد بودم با آنها صحبت های زیادی بعمل آوردم و آنها از دادن پیشنهادات و مشوره های مفید دریغ نکردند پروفیسور ستین کنو فقید که نامه او راجع به نوشته های من منبع مؤثری برای تشجیع و تشویقم بود. پروفیسور ان. ار. سی. ماجومدار، ای. ال. باشام و ار. گیرشمان و لوهویزن دی لیود با فرستادن نسخه های آثارشان مرا مدیون خود ساخته اند، همچنان از پروفیسور لویس انو متشکرم که ازمن دعوت بعمل آورد تا در اپریل سال ۱۹۵۰ راجع به کوشانیان در سوربون سخنرانی کنم و بدین ترتیب زمینه آنرا برایم میسر ساختند که با دانشمندان فرانسوی تبادل نظر نمایم.

نوشتن این اثر را در سال ۱۹۶۱ در میسوری آغاز کرده و باین ترتیب کاری را که خیلی پیشتر ها کرده بودم دو باره ازسر گرفتم. بنا براین ازمقامات اداری اکادمی ملی آنجا بسیار متشکرم که بمن اجازه دادند نوشتن این اثر راشروع نموده و برای چاپ آماده سازم.

همچنان به پوهاند پوهاند پوهاوی بیدا هاریتاوید یا بهاوون بخاطر موافقت شان که اهتمام چاپ این کتاب را بعهده گرفتند مدیون میباشم. تصاویر یکه درین اثر گنجانیده شده مرهون همکاری ادارهٔ باستانشناسی دولت هند موزیم ایالتی لکنهو و بریتیش موزیم میباشد.

فصل اول

کوشانیان

کرونولوجی دوره کوشانیها (۱) در تاریخ افغانستان و هند هنوز بطوریکه معضله لاینحل باقیمانده است. راجع به تاریخ کانیشکا توافقیکه بین دانشمندان بوجود آمده آنهم ماهیت قراردادی دارد زیرا اکثرا با واقعیت سازگاری نمیکنند. تاریخی را که ونسن سمت در سال ۱۹۰۹ فرض کرده بود کاملا غیریقینی است و با اصل واقعیت مدت (۴۰) سال مغایرت دارد.

و اینک ۲۰ سال دیگر بران مغایرت افزوده گشته است. اسناد و شواهد جدیدیکه از زیرخاک بیرون شده بطور مثال در نتیجه کاوشهای گرشمن (Ghirshman) در بگرام (۳) که یک کتیبه جدید کانیشکا بدست آمده در آن تاریخ نگارش کتیبه سال سی ویکم نشان داده شده است و این سنه جدید معضله کرونولوجی کوشانیها را بیش از پیش پیچیده تر ساخت و به مشکلات درین زمینه افزود، بنا بر این کتیبه کانیشکا ایکه در کتیبه آرا (Ara) از آن ذکر رفته و تاریخ نگارش آن سال چهل ویکم نشان داده شده بعد ازین ان کانیشکای نیست که بین هوویشکا و

کانیشکا ازان ذکر رفته است. بلکه عبارت است از کانیشکای کبیر که برای یک مدت طولانی سلطنت کرده است باوجودیکه در ظرف مدت هشتاد سال اخیر و یا بیشتر ازان یکعده زیادی از دانشمندان(م) درین زمینه تحقیق کرده اندولی باز هم معضله کرونولوجی کوشانیها همانطور مغشوش و لاینحل باقی مانده است.

درمورد ملیت کوشانیها قبل ازآنکه کرونولوجی کوشانیها مورد بحث قرار گیرد و تنظیم گردد بائیست چیزی صحبت کنیم.

ملیت کوشانیها

تحقیق درمورد شناخت نژاد و ملیت کوشانیها یک امر تازه نیست، زیرا دانشمندان زیادی قبلا درین زمینه به تحقیقات پرداخته اند.

این دانشمندان ومحققان درپروسه تحقیق خود نامها والقاب و معنی آنها را ولباس وچهره هاییکه برمسکوکات نقش بسته وازمنابع کلاسیک یونانی، چینایی و هندی راجع به شناخت قبایل و غیره فرمانروایان کوشانی بحث مینماید درنظر گرفته اند.

پیش از انکه راجع به ملیت کوشانیها چیزی گفته شود لازم است اسناد و شواهد یکه درین زمینه بدست آمده ازآنها یک بررسی عالمانه صورت بگیرد.

ف، و، توماس (F. W. Thomas) نظر یه میدهد که کوشانیها ترک اند و نه هم منگول بلکه متعلق اند به نژاد آریایی و اگر بصراحت گفته شود یک شاخه ایست از سیتیها (Scythians) یا ساکاها (Sakas).

در اخیر نامهای کادفیزس و کانیسکی (Kanaeski) کانیشکا و اووسکی (Ooeski هوویشکا) که حروف (E.S) یا (I) میاید خیلی شبیه است به نامهای پارتهای قدیم چون موویز (Maues) ازیس (Azes) و پسیگاکیس (Pseigakais) .

نامهای کادفیزس، کانیشکا و هوویشکا را میتوان با (کره) و یا پایز (Pise) آریایی تشبیه وتعبیر نمود مثلیکه درنام سپاوگا پیتیس (Spargapeithes) دیده میشود.

هولتزیچ (Hultzsch) کلمه کجولا را ترکی میپندارد، لقب یاووگا (Yavuga) یا یاووس (Yaoos) و در منابع چینایی کلمه هی هو (Hi—Hou) که با نام کجولا کادفیزس یکجا آمده است.

هرت (Hirth.) آنرا با کلمهٔ ترکی جبغو (Jabgu) عین چیز میداند.

معنی القاب ونامهای شان نیز بدین منوال صورت گرفته است.

هولتزیچ لقب کجولا را گجلو (Gujlu) ترکی که معنی اش ورزیده ونیرومند است وستین کنوآنرا با قزل یعنی (خوبصورت) مقایسه میکند طرفداران ملیت ترکی، کوشانیها به را جاترا نگینی استناد مینمایند که موصوف نام آن عده از سلاطین گندهارا را میبرد که خود را از نسل کانیشکا وسایر اعضای دودمان آنها تورو شکا (Turushka.) یعنی (ترکان) میپندارند.

براي اثبات ملیت ترکی کوشانیها غالبا به چهره های اعتبار میدهند که برروی مسکوکات آنها نقش بسته و شبیه است به چهره های ترکان امروزی.

کنیدی بطور قطع باین عقیده بود (۲) که کوشانیها به قبایل بزرگ ترکها تعلق میگیرند و چهره کانیشکا خیلی به چهره ترکها میماند.

چهره کانیشکا که برروی سکه ها با جمجمه بلند وبینی بزرگ وکشیده ولاشه بزرگ وریش انبوه دیده میشود به تمام معنی از یک چهرهٔ سلطان بربری نمایندگی میکند، روی یک چپن کلان غالبا چکمن ویا کوسی را دربر کرده وبوت های بزرگ بپا نموده که این لباس عام وخاص مردم ترکستان بشمار میرود.

نظر یه ترکی ملیت کوشانیها به استناد چهره هاونام ها و القاب شان که همانند ترکها اند و منابع بعدی که کوشانیها را تور وشکا گفته اند قطعی نیست ونا تکمیل به نظر می آید. زیرا بینی بزرگ وسایر خصوصیات چهره ها که قبلا از آن ذکر رفت اینها از خواص نژاد هومو الپیا نوس (Homo—alpinus) بشمار میرود که اکثر مردم ترکستان چینی از همین نژاد محسوب میگردند.

ازخلال مطالعه تاریخ ونژاد های مردم این سرزمین برمیاید که عناصر ترکی نژاد نسبتا بزمانهای بعدی تعلق میگیرد.

متین کنوازجایس (Joyce) نقل قول میکند که وی درمردم واخی (واخان) اکثریت زیادی را دریافته که با مردم گلچه (Galcha) (گلگت) روابط نژادی دارند که بطور بنیادی متعلق اند به نژاد آریایی.

از اقوام ترکی در آن مناطقی که کوشانیها برآن مسلط بوده اند بعداز کوشانیها اثری از آنها دیده نمیشود واین گفتار کلها ناو

همچندوا را تایید میکند . تا جاییکه بمعنی نامها و القاب تعلق میگیرد مانند (یاووگا) و (کجولا) مشکل است که در مورد لقب اول (یاووگا) در راتیمولوجی (مطالعهٔ اشتقاق کلمات) زبان ترکی کدام اثری از آن سراغ نمود .(۷) ستین کنو میگوید این کلمات در اصل وماهیت خود غالباً آریایی بوده و بعداً از طرف دیگران اقتباس گردیده است .

کوشانیها این کلمات را از ساکاها گرفته اند وغالباً معادل است با کلمهٔ زاوا (Zauva) که از طرف ساکا پتیکا (Saka-Patika) بکار برده شده وتاجاییکه به کلمه (کجولا) ارتباط میگیرد راجع به اهمیت واشتقاق آن فعلا چیزی نمیتوان گفت .

نظریه نژاد ترکی کوشانیها در ارتباط با القاب و خصوصیات نژادی ومنابع ادبی بعدی هندی چندان باوری نبوده ومورد شك وتردید قرار میگیرد .

نظریه منگولی کوشانیان:

این نظریه اکثراً مبتنی است برمنابع تحریری چینایی ، این منابع در مورد یك یوم خاص که آنها را یوچی مینامند سخن میزنند و میگویند که آنها بطرف غرب مهاجرت کردند وبالاخره سر زمین تاهیا (Ta-hia) را که قبلا در دست ساکها بوده اشغال کردند ونیز درباره تقسیم قوم بزرگ یوچی به پنج ریاست واینکه از آنجمله ریاستی بنام کوی شوانگ (Shuang)— Kuei بر سایر ریاست ها غلبه مینماید حرف میزنند .

ازروی تاریخچهٔ دودمان اولی سلطنتی هان (Han) که پان ـ کو (Pan—Kou) آنرا نگاشته ودر آن راجع به کارنامه های چانگ ـ کین (Chank Kien) ازسوماشین (.Ssu—machien) نقل قول میکند (واین نوشته در سال ۹۱ ق، م تکمیل گردیده) بر میاید که یوچی ها بعد از آنکه در تاهیا متوطن گردیدند به پنج ریاست جداگانه تقسیم شدند ودرین وقت آنها دیگر مردم کوچی و بدوی نبودند.

مراکز تا ـ یو ـ چی (Ta—yueh-chi) (کوشانیان بزرگ) شهرهای کین ـ چی (Kien-Chi) یالان ـ چو (Lan-Chuw) و در جنوب آن کی ـ پن (Ki-Pin) بوده ازجملهٔ آن پنج ریاستی که در تاریخچهٔ پان، کو ذکر شده اند پایتخت کوی شوانگ (که کوشا نا هم نامیده شده) شهرهوتساو (Hou-tsao) بود. (موقعیت آن تا کنون تعیین نگردیده است).

درین مورد معلومات دگرا ز هو ـ هان ـ شو ـ (.Hou-Han-Shu) نیزبدست آمده میتواند. این منبع یك تاریخچه ایست ازخاندان سلطنتی بعدی هان که فان ـ یی ـ (Fan-Ye) آنرا در سال ۴۴۵ ـ م به قید تحریر آورده و واقعات بین سالهای ۲۵ را تا به ۱۲۵ م ثبت نموده است.

درین تاریخچه مطالبی که در بارهٔ یوچی و کوی شوانگ نوشته شده است کاملا متفاوت اند. درین نوشته پایتخت یوچی ها شهر لان ـ شی (Lan-Shi) نشان داده شده است که این شهر در بدخشان فعلی مرکز تاهیای قدیم بود که بنا برین یوچیها از تمام ماورا توری

تاهیا نما یندگی میکردند وبه قول چاوانز (Chavanes)(وی آن نوشته راخود ترجمه کرده است) یوچیها عبارت اند از همین تا هیا

درین تاریخچه (هو-هان-شو) چیزهای که در بارهٔ پنج ریاست نوشته شده باسایر منابع متفاوت اند .

تاریخچهٔ تسین- هان-شو (Tsien- Han- Sha.) که بقلم پان کو نوشته شده در تا هیا ازپنج ریاست نام برده شده است که هر ریاست تحت ریاست یکنفر هی-هو (hi- hou =رئیس) بوده که اینهمه به یوچیها متعلق بوده اند از قبیل :

هیو-می (Hiu-mi) پایتخت ان هو-مو (Ho- me =) شوانگ-می (Shuang—mi) پایتخت آن شوانگ-می کوی - شوانگ- (Kuei- Shuang) پایتخت آن هو- تساو (Hu—tsao) هی- تون (Hi—tun) پایتخت آن پو-ماو (Po—mao)-ژ- کاو-فو (Kao—Fo) پایتخت آن همین کاو فو بوده است . هو-هان -شو (تاریخچهٔ دودمان سلطنتی هان) بعوض اینکه در بارهٔ همان پنج ریاستی که درتاهیا وجود داشت چیزی بنویسد، میگوید که یوچیها امورا توری تاهیا را در پنج ریاست تقسیم کردو نیز این تاریخچه درعرض ریاست پنجم (کاو- فو) نام تو- می (Tu- mi) راسی برد مولف آن خود میگوید که مولف تسین هان-شو درین مورد بخطا رفته است .

این منبع (هو-هان-شو) مدت صد سال بعد از آنکه در تاهیا پنج ریاست تشکیل شد از آنجمله راجع به کارنامه های رئیس کوی- شوانگ نیز معلومات ارائه میدارد .

شهزاده (رئیس) کوی شوانگ بنام کیوتسو - کیو (Kieou-tsieou-Kio) برسایر ریاست ها بتاخت و آنها را تابع خود ساخت وخود را پادشاه یك سلطنت که کوی شوانگ نامیده شد اعلام نمود.

سوال عمده ایکه در بارهٔ منابع چینایی مطرح میگردد اینست که آیا کوی شوانگ قسمتی از یوچی ها اند ویا یوچی ها وقتی آنها را شناختند که در سلطنت قدیمی ریاستی را از پنج ریاست تشکیل میدادند و بعداز آنکه تاهیا ازطرف یوچی ها اشغال شد آنها نیز تابع یوچی ها گردیدند.

کوابراجت زوزو (Kuwabara-Jitzuzo) جاپانی اولین کسی بود که تفاوت ها بین منابع چینایی (هوـ هان شو) و (تسین ـ هان ـ شو) رامطرح نمود وی میگوید که مؤلف (هوـ هان ـ شو) از (سین ـ هان ـ شو) درك درستی نداشته است. فعلا چنین گمان میرود که پنج هی هو (رؤسا یا ریاست ها) قبل ازینکه یوچی ها برتاهیا حمله نمایند وجود داشته اند که بنا برین کوشانیها یوچی پنداشته نمیشوند.

این تحلیل وتفسیر کووابارا از طرف هایندا (Haneda) پذیرفته شد و لی تارن (Torn) ستین کنو (Stean Konow) و پال پلیوت (Paul Polliot) یکجا با هالون (Halon) قضاوت کووابارا را بحال خود گذاشته اند و تارن بنظریه قبلی ایستاده است.

منچن هلفن (Maenchen Helfen) دریوچی ها از قبیلهٔ بنام ساکه کوشانا (Saka Kushana.) ذکر میکند.

این مطلب که وی آن پنج ریاست را از یوچی ها مجزا میداند ازین رو مورد بحث است که نوشته شده که (آن ها همه به یوچی ها متعلق اند) درین باره استدلال میشود که جمله « به یوچیها متعلق اند » کدام معنی را افاده نمیکند. اگر آن پنج ریاست یارؤسا (hi— hou) خود یوچی ها باشند ، معلوم میشود که بر تاریخچه ها و سالنامه های چینایی پیش از اندازه استنادو اتکا شده باشد. واقعیت ها وشواهد آشکار دیگر از قبیل لباس , چهره و استعمال القاب (۹) اسما و زبان (۱۰) کوشانیها و علاوه بر آن همه اقوامی که در ان محل سکونت داشتند و بعدا بنام تاهیا یا باختری شناخته شده از نظر افتاده اند اگر تا هیا قبل از ینکه بدست یوچی ها بیافتند سرزمین کوشانیها بوده باشد آیا آنها باسم دیگری نامیده شده اند ویا خیر؟

تجانس وشباهت در کلمات, درحالیکه حقایق وشواهد نمایانی بر آنها اتکا شده نمیتوانند موجود باشد چیزهای نیستند که از روی آنها ملیت کوشانیها منگولی پنداشته شود .

حال ما برای یافتن سردمان (تاهیا ـ باختریا) که با کدام نامهای کوشانی سرمیخورند به منابع یونانی لاتینی, وسانسکریت کلاسیک نظر می اندازیم .

نظریهٔ ساکهای آریایی کوشانیها

مدرك اصل و نسب ساکه های آریایی کوشانی و باز موطن شان درتاهیا این هر دو برتوامیت زبانی یانژادی وخویشاوندی استوار است که از طرف ستین کنو بطور جدی بررسی شده است. وی معانی برخی نامها واصطلاحات را که از طرف کوشانیها استعمال شده است

دریك زبان آریایی که زمانی در ترکستان چینی بدان گفتگو میشد و در ادبیات بکار میرفته است .

لیومن (.Leumann) این زبان را آریایی شمالی دانسته و بعضی خصوصیات این زبان را بیان میکند . پلیوت (Pelliot) آنرا آریایی شرقی میگوید ولو در (Luder) آنرا زبان ساکه ها میداند .

کرتس (Kirtse) انرا ختنی دانسته که بدون شك زبان ساکه ها بوده است عناصر ساکی در سکه ها و کتیبه های کوشانی از طرف ستین کنو بررسی شده بطور مثال نامها و القاب ذیل :

یا ووگا (Yavoga) کجولا (Kujula) ارتونا (Erthuna) موروداً (Muroda) ومجهاکا (Majhaka) درکتیبه زیدا (Zeda) و بالاخره درسکه های کنشکا وجانشینان وی که بزبان خالص ختنی ساکی وبه رسم الخط یونانی نوشته شده مانند (شاونانوشا وکوشانو) وغیره .

شاو (Shau) در زبان ساکی معنی پادشاه را میدهد که بشکل ششاو (Shshau) در اسناد قرن هشتم آمده است واین با (شاهی) همریشه میباشد .

ستین کنو میگوید (۱) درین باره اگرچه انسان باین نتیجه میرسد که بگوید کوشانیها آریایی اند اولا اگر ازحیث زبان ونزدیکی وخویشاوندی آنها باساکه ها مطالعه شود آنها (کوشانیان) حتما قبیله ای ویا خانواده ای ازساکه ها هستند .

اینکه کوشانیها قبیله ای از پنج یاب گو (Yab-gou) یا قبیله نژاد یوچی ها پنداشته شد ویا ازان پنج قبیله یا ریاست ها که بعد

از اشغال تاهیا به تایوچی تعلق پیدا کرده چنین تعلقات ازسالنامه های چینائی پیدا ست .

پایتخت یوچی ها دربدخشان شهر لان شی (Lan—shi) بود که این شهر مرکز تاهیا یی قدیم بوده که تا قرن پنجم میلادی بحیث مرکز ان ها باقیمانده است . (۲۱)

درعصر (هو - هان - شو) یوچی ها تمام تاهیا را گرفته بودند واز زبان چاوانز (Chavannes—) که میگوید ازین به بعد یوچی ها تاهیاشمرده میشوند .

منابع لاتین ویونانی کلاسیک :

در تاریخچه های چینایی ، کوشانیها کوی شوانگ و کـوی شوانگ یو چی پنداشته شده این موضوع ازینکه آنها شهر تاهیا را که پایتخت آن (در باختریا در اسکندریه باختر) شهر لانشـی ، بود گرفته بودند تحقق پیدا کرده میتوانند .

مهاجرت این اقوام بدوی ونیم وحشی به باخترتوجه نویسندگان کلاسیک یونانی ولاتین را نیز بخود جلب کرده است .

سترابو (Strabo) اشغال باختر را توسط ساکه هاجاییکه حکمرانان یونانی ازطرف بادیه نشینان سیتی رانده شدند وهم درباره اخلاق این قبایل بادیه نشین تذکراتی میدهد که از انجمله - اسیوی (Asioi) پازیانوی (Pasianoi) توکاروی (Tocharoi) قابل یادآوریست . تروگوس (Trogus) درکتاب چهل ویکم خویش وقتیکه ازاسیوا توری دیودوتس (Diodotus) درباختر که درسال های میانه قرن سوم قبل المیلاد تأسیس گردید صحبت میکند مینویسد که چگونه

قبایل سیتی مانند ساروکه ـ (Saraucae) واسیانی (Asiani) باختر و سغد یانه را بدست آوردند .

ژوستین (Justin) میگوید که باختری ها آزادی و امپراتوری خود را از دست دادند وزیر تهدید مردم سغدیان ارا کوزیان و در نگانیان واری (Arei) ودراخیر پارتی ها قرار گرفتند .

تروگوس درمقدمه کتاب چهل ودوم خود در باره قبیله اسیانی (Asiani) که حکمروایان تخاریان شدند و اینکه قبیلهٔ سارو که (Saroucae) از بین رفت معلومات دگری هم ارائه میکند .

ستین کنو قبیله ٔ آسیانی را از روی تاریخچه چینایی ها با یوچی یکی میداند . تخاریان قبل ازینکه تحت تسلط یوچی ها درآیند در باختر وشرق آن متمرکز شده بودند .

وی (ستین کنو) از سببی منابع لاتین ویونانی را با منابع چینی یکجا مطالعه نمودتا از جریان وقایع تصویر درستی ترسیم نماید .

منابع کلاسیك میگویند قبل ازین که یوچی ها تا هیا را اشغال نمایند تخاریها حکمرانان باختر بودند آیا ما گفته میتوانیم که تخاریان عبارت ازان یك یا پنج قبیله یاهی هو بودند که قبل از یوچی ها بر باختر مسلط بودند .

این فقط درصورتی قابل قبول است که ما اولا اینرا بپذیریم که این پنج قبیله قبلا تأسیس گردیده بودند واز جمله آنها کوی شوانگ قبل ازیورش یوچی ها مسلط بودنه بعدازان .

انکه تخاریان عبارت بودند ازهمین کوی شوانگ یا کوشان ویاخیر از روی منابع هندی معلوم شده میتوانند .

منابع هندی

ازروی لست دودمان های سلطنتی که در پورا نا ها (Puranas) موجود است حکمرانان توشارا (Tushara) بجای یاوانا ها (Yavanas) نشستند که تعدادشان ۱۴ نفر بود .

ماتسیا (Matsya) دورهٔ آنها را به غلط (هفت‌هزارسال) میداند درحالیکه این دورهٔ از (۱۰۷) سال بیشتر نیست .

وایو (Vayu) وبرهمندا (Brahmanda) آنرا (۱۰) سال میدانند .

نام تخاراد درراما یانا (Ramayana) ومها بهاراتا (Maha-bharata) وهمچنین دردوستن قدیمی بودایی چون سدهار ما -سمر یتو -پشتنه (Sadharma-Smrityu- —Pasthana) ومها ما یوری (Mahamayuri) آمده است .

تخاریان بحیث مردمی مستقل وعلیحده که درآ نطرف هما لیا درسرزمینی کوهستانی برای خود کشوری داشته اند از اواسط قرن هفتم میلادی با ینطرف از طرف هند یها شنا خته شده اند .

بدین ترتیب تمام منابع معلوما تی از تخاری ها وکشور شان

(Tukuras) که آنطرف سرحدات هند واقع بود ذکر بعمل میاوردند. (۱۶)

ازروی منابع بورا تیک شاهان تخاری که هندوستان را از یونانی ها گرفتند چهار ده نفرشان بیشتر ازصدسال بر هند حکومت کرده اند واینها همان حکمروایانی اند که در کتیبه ها ومسکوکات بوضاحت بنام حکمرانان کوشانی یاد شده اند.

بین تخاری ها وساکه ها درمنابع یونانی ازایشان ذکر شده است دربسیاری چیزها دربین شان وجوه مشترك و شباهت ها موجود بوده است ، مانند اسامی والقاب ساکه ها که ازطرف حکمروایان کوهانی استعمال شده است.

استعمال ساکه هادرعصر هخامنشی ها بصورت ضمنی استعمال شده کتیبه نقش رستم ازقبایل ساکه ذکر میکند مثلا : ساکه های تیگراخودا (یعنی کسانیکه کلاه یاخود های نوك تیز بسر دارند) وهوماوارکا (Haumarka) وتارادرایا (Taradraya) (یعنی آنطرف دریا) غالبا تخاریان که درقدیم درهند بنام توخارا (Tukharas) شناخته شده اند ، شعبه ای ازاقوام ساکه بوده اند وبگمان اغلب همین قبیله (تیگراخودا) بوده است واین مسأله ازانجا بیکه حکمرانان کوشانی بالای سکه های آنها سکه زده اند نیز نمایان میگردد.

نکتهٔ مهم دیگر تأثیر مذاهب هندی بالای این حکمروایان میباشد . هونان که غالباء ازسلسله هیوانگ نو (Hiung- nu) بوده اند مدت زیادی گذشت تاباشرایط مذهبی واجتماعی هند آشناومالوف شدند ، درحالیکه مامیدانیم نخستین پادشاه ومؤسس سلطنت کوشانیها

(کجولا کدفیزس) پیرو استوار و محکم ساتیادارما ستهیتاسیا (Satyadarmasthitasia) (قانون راستین) بود وچهره بودا را بر سکه های خویش نقش کرده است .

بهمین ترتیب فرزند وی ویما کدفیزس (Vima Kadphises) که پیرو شیوا ماهیشوارا (Siva Mahisvara) بود و کنشکا که مربی وحامی مذاهب و به (Eclecticim) (کسی که تمام مذاهب را حمایه نماید اما یکی را نسبت بدیگران بیشتر اهمیت دهد) معتقد بود وهوویشکا که به لنگر خویش درمتهورا (Mathura) مشهور و بطور یقین پیرو شیوا بود وهمین گونه واسودیور (Vasudere) از نامش برمیاید که از نظر مذهبی هندو بوده است .

یقیناً این برای یك نژاد بربری و بدوی مشکل است ، که باین زودی باشرایط جدید اجتماعی ومذهبی توافق نماید وباین زودی وآسانی آن را بپذیرد .

بنا برین گفته میتوانیم که این مردم حتماً بامذاهب ومفکوره های هندی ازنزدیك آشنایی وارتباط داشته وازارزش های مذهبی هندی بی‌خبر نبوده اند .

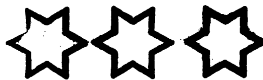
نتیجه

گمان اغلب برین است که کوشانی ها در منطقه ای در نزدیکی باختر ویا درجنوب آن زندگی داشتند وشعبه ازساکه های پیشین بوده اند ا پسنها بنام تخاری ها ویا تخارا شناخته شده اند . درحالیکه حکمروایان کوشانی القاب قبیلوی خویش رااستعمال نمیکردند . منابع هندی آن ها را توشارا (Tushara) می گفتند .

این ها به‌حیث یک یاب-گوی (Yab- gou) مهم موقتاً تحت تسلط یوچی ها بودند وقتیکه تاهیا توسط یوچی ها اشتغال گردید بعداً قدرت بدست این هادرآمد خود را تحکیم بخشیدند وتوانستند راه خود را بسوی شمال شرق بگشایند ودرانجا آخرین حکمروایان یونانی را شکست دهند. رهبر کوشانی ها کجولا کدفیزس برای پسر خود ویما کدفیزس راه فتح هندوستان را بازنمود.

این بحث باوجودیکه نباید فوراً و بصورت قاطع پذیرفته شود اما نسبت به نظریه اصل و نسب مغولی کوشانی که اکثریت اسنا دوشواهد موجود آن را تایید نمیکنند بیشتر ما را به حقیقت نزدیک میسازد ولی تاریخچه هاوسالنامه های چینی را نیز رد نمی کند.





حواله ها ویادداشتهای مربوط به این فصل

(۱) اصطلاح کوشانا ومعنی وکیفیت آن موضوع بحث طولانی وگرمی بین دانشمندان شده است. با کمی فرق بعضی اشکال این اصطلاح قرار ذیل است: در آن عده سکه های کدفیزس اول که به رسم الخط یونانی ضرب زده شده به شکل کوشسانو Kashsanu ویاخوشانسو (Khoshansu) وسکه هاییکه برسم الخط خروشتی (Khasoshti) ضرب خورده اند به شکل کوشانا Khushana یاکهوسانا خوشانا Khushanaمی باشد.

نوټ: تعداد یادداشتهای مربوط این فصل درخود کتاب به (۴۰) میرسد. امامااز آن جمله درین جافقط (۱۶) یادداشت آنرا انتخاب نموديم که بما معلومات دیگری میدهند وخود مولف هم درباره آنها صحبت نموده است واگر کسی میخواهد تمام یادداشت هارا ببینند به صفحات (۷) الی (۱۱) اصل کتاب مراجعه نمایند (مترجم)

در کتیبه های خروشتی هندی یکی هم بشکل گوشانا Gushana یا کهوسانا (Khushana) میباشد . سکه ها ییکه از آسیای مرکزی با همان رسم الخط ها بدست آمده دارای اشکال کوشانا (Kushana) یا کرشانا (Kurshana) می باشند .

در کتیبهٔ مشهور مات (Math) در نزدیکی متهورا کوشانا پوترا (Kushanaputra) آمده است .

تاریخچه های چینی آن را کوی شیوا نگ (Kuei—Shuang) می نویسند .

در کلپانا ماند یتیکا (Kalpanamanditika) شاه کنشکا بشکل کیو-شا (Kiu—Sha) نوشته شده است .

کلمه کوشانا را ستیل هولسین (B.A.V. Steel Holsein) حالت اضافی جمع اسم کوشا (Kusha) میداند .

مانشین هلفن (Manchen Helfen) می گوید اگر کوشانا حالت اضافی جمع و یا طوریکه ستین کنو می پندارد صفت باشد . بهر حال از موجودیت کلمه مختصر کوشا (Kusha) یا کوشی (Kushi) انکار شده نمی تواند این اسمی است که توسط آن کوشانیان از طرف مردمانی که با یشان تماس مستقیم و یا غیر مستقیم داشته اند شناخته شده اند .

ولی (هلفن) چندین شکل کلمه کوشا و بنام کوشا اسامی چندین روستاها وشهرها را جمع آوری نموده است .

این ها در هند بنام کوشانا شناخته می شوند . در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) عبارت گوشناو اساسین وردهاکا (Gushnavasasain Verdhaka)

موجود است از آن برمیاید که شاید شعبه ای از خانواده کوشانا باشد.

جایسوال (K.P. Jayaswal) می گوید کوشانا اسم شخصی کجولا کدفیزس موسس و بانی این سلاله حکمروا بوده است.

۲- «اگر به سنه کنیشکا و اخلاف و اسلاف او از روی واقعیت نظر اندازیم برای جلوس کنشکا چند ین سنه مختلف تعیین شده می توانند یعنی از قبل المیلاد تا سال ۲۷۸ میلادی» (صفحه ۲-۳۰ ۱۹و JARS)

۳- دفتر دوازدهم تحقیقات هیأت باستانشناسی در افغانستان قاهره ۱۹۳۶.

۴- درین باره آوردن ببلیوگرافی جامعی درین جا بی مورد نخواهد بود:

کننگهم (Cunningham) اولین کسی است که درین مورد تحقیق کرده است (راپور تحقیقات باستانشناسی) (ASR) جلد سوم یاد داشت صفحه ۶۸).

از روی تیوری زمان ویکراما (Vikrama) که یک بحث هایی دیگری برآن ترتیب شد برمیاید که کتیبه کوشانا شاید مربوط دوره سلوکی ها باشد وتاریخ جلوس کنشکا را سال ۸۰ میلادی می داند (صفحه ۲۴ کتاب دوره های هند).

سیلوین لیوی (Sylvian Levi) تاریخ شروع سلطنت کنیشکا را سال پنجم قبل المیلاد می داند (جورنال ایشیاتیک پاریس ۱۸۹۶ نوامبر- دسامبر و صفحات ۲-۶۶-۶۲ ۸/۲ جون ۱۸۹۷)

با یر Bayer جلوس کنیشکا را بعد از سال (۹۰) میلادی میداند و بندرکار آنرا سال ۲۷۸ م میپندارد ۱۹۰۰م JBBRAS داکتر بندرکار بعداً نظر خود را تغییر داده و تاریخ تخت نشینی کنیشکا راحوالی سال ۱۲۸ میلادی تعیین کرده است (IC.VII. P. 140 n)
نظریات فرگوسن (Fergussen) واولدنبرگ (Oldenberg) برنظریه ونسنت سمت استوار است که میگوید کنیشکا در سال ۷۸ میلادی موسس سلسله ساکه ها بوده است.

در سال ۱۹۱۳ برای تعیین سنه کنشکا بحث مفصلی در گرفت که دران مورخان بسیاری کشور ها اشتراك کرده بودند که بحث های آن در مجله رویال اشیا تیك سوسا یتی چاپ شده است. دربن اواخر نیز در باره این موضوع مجلی از طرف (School of Oriental and African studies). تشکیل گردید که در آن دانشمندان بسیاری ممالك اشتراك نمودند (امانتایج بحث ها تا هنوز بچاپ نرسیده است).

از جمله طرفداران نظریه جلوس کنشکا در قرن دوم میلادی ونسنت سمت آن را سال ۱۲۰م ستین کنو ۱۲۵م مارشال ۱۲۸ ونگارندهٔ این کتاب سال ۱۴۴ میلادی می دانند. خانم لوهو یزن دی لیوو (Lohuizen de Leevw) می گوید: کنشکا بین سال ۷۱ میلادی و قبل از سال ۸۹ میلادی بر تخت جلوس نموده است. (The Scythian period-p.64) گیرشمن سنه تخت نشینی کنشکا را ۱۴۴ میلادی می داند.

(Cahiers جلد سوم نمبر ۳، ۱۹۵۷ میلادی صفحه ۶۹۸).

نظریات موافق و مخالف دانشمندان در باره سنه کنشکا بعداً در متن و در جای آن ذکر خواهد شد .

۵ - پوزین (Poussain) می گوید این اشکال در سکه های آن ها که برسم الخطیونانی بوده کوزولا Kozoula یا Kozola و در سم الخط خروشتی Kujula نوشته شده .

از روی اسناد ختن ، گسورا Gusura لقب رسمی بوده است تا جاییکه به Yavuga—Yauua (خروشتی (وزا وو Zaoou (یونانی) ارتباط می گیرد گفته میشود که از هی هو hi—hieo چینی که قبلا یا ب کو (Yab-gou) تلفظ می شد ، استنساخ شده است .

ازروی نظریه داشمند فرانسوی (ستین کنو) شاید یاب - گو (Yab-gou) در اسناد ختن یك اسم خاص بوده که بعداً در بین ترکان شرقی به یك لقبی برای بزرگان تبدیل شده باشد .

۶ - (JARS, 1912, P. 670) سیلوین لیوی به بیان هما چند را اشاره می کند که میگوید ترکان ساکی (Sakis) ازد Hemachandra یعنی لقب شاهانه ساکی راا ستعمال می کنندوساکی به معنی شاهی Shahi نوشته شده است .

این لقب ازطرف کنشکاو جانشینان وی برسم الخط برهمی استعمال شده است .

۷ - بر اساس نظریه تارن (Tarn) ازجمله پنج شهزاده یوچی یاب گوی نمبر پنجم (که وی آن را بیغو تلفظ می کند) یك نمبر تیپیك آریائی نه بلکه غالباً یك نمبر چینی بوده است . وی علاوه می کند

یبغو (Yab—Ghu) کلمه ای ترکیست . (یونانی ها در باختر و هند تا لیف تارن چاپ دوم صفحه ۲۸۸) .

۸ - مولف کتاب (یونانی ها در باختر و هند) « چاپ دوم صفحه ۲۸۷ نوت چهارم » میگوید: این نظریه که شهزادهگان یوچی و پنج شهزاده ساکه هایی باختر را که یوچی ها فتح کردند یکی می دانند بیانات هو هان شو را ازکشتی بهدریا می افکند واشتباهی است براشتباهات دیگر که میگوید ساکه های باختر یونانیان را فتح کردند .

۹ - نظریه ای که میگوید دیوا پوترا Devaputra تقلیدی از اقب اسپرا توران چینی است ازجانب توماس F.W. Thomas رد شده است . برای اصلیت چینی این کلمه اگر این عقیده عمومی را که پادشاه واسپرا تور را ازجانب خدامی دانند و برا یش حیثیتی الهی قایل است مدنظر بگیریم دلیلی شده نمیتواند زیرا دیوا پوترا یک اصطلاح هندی است که نه ازطرف کوشانیان ونه برای آن هااختراع شده است این اصطلاح بسیار قبل ازکوشانیان در کتیبه بهار هوت Bharhut آمده است .

۱۰ - هلفن می گوید کوشانی ها بزبان ساکی حرف می زدند و زبان سکه هایشان سال خالص ختن بوده است .

هالسونز (Halsouns) میگوید این که گفته میشود کوشانی ها بخاطری زبان ساکی رااستعمال کرده اند که خود را اخلاف وجانشینان قانونی حکمروایان ساکی شمال غرب هندسی دانستند قابل قبول نیست .

کوشانی ها هیچ وقت در باختر زبان ساکه ها را انتخاب نکرده اند .

۱۱ - ستین کنو چنین میا نگارد که شاه کنشکا زبان ساکی را در نوشته استعمال کرده است آثار بودایی از زبان کوی شانک (Kuishang) بزبان برچوق (Barchuq) در مارل باشی Maralbashi فعلی نزد یك یار کند و به همین ترتیب از (کوی شانك) به تخاری و بعداً به ترکی ترجمه شدند اما این معلوم نیست که زبان کوی شانک در کجا مروج بوده است .

۱۲ - راجع بموقعیت تاهیا شی کی (Shi—Ki) می نویسد تاهیا در دو هزار لی (Li) جنوب غرب تا ـ وان (Ta—wan) (فرغانه) و جنوب رودخانه وی (Wei) (اکسوس) واقعست .

درآنجا دهقانان آبادی ها و شهرها دارند ودر معاشرت ورفتار شبیه مردمان (فرغانه) هستند .

مردم فاقد یك رهبر بزرگ بودند وروستاهای بزرگ برای خویش رهبران محلی انتخاب می کردند سربازان آن ضعیف بودند وازجنگ هراس داشتند اما مردمان آن درمعاملات وتجارت بسیار ماهر وآزموده بودند .

بعد از فتوحات یوچی ها که پایتخت شان در لان ـ شی بود آن پنج ریاست که هر کدام شان تحت تسلط یك هی ـ هو بود به تا یوچی (Ta- Yueh- Chi) مربوط بودند . از روی هو ـ هان ـ شو یوچی ها امپراتوری تاهیا را این پنج هی ـ هو تقسیم نمودند .

به عقیده تارن بعد ازانکه ان ها (یوچی ها) باختر را گرفتند لان ـ شی (یعنی اسکندریه) پای تخت تاهیا (یعنی باختر) بود .

سپکت (Spect) نخستین کسی است که لان - شی را اسکندریه می داند.

گروت (Groot) ان را پان - کوی کان - سی (Kan—si) میداند.

تارن عقیده دارد از لحاظ تاریخی لان - شی غیراز باختر جای دیگر بوده نمی تواند.

۱۳ - به عقیده تارن اشغال تاهیا (باختر) کار یوچی ها بوده است اما اکثریت دانشمندان معاصررا عقیده بر ینست که تاهیا ازطرف ساکه ها اشغال شده و بعدا ساکه ها ازطرف یوچی ها بجانب جنوب رانده شده اند.

این کشور تازمانی دراختیار ساکه ها بود که یو چی ها یا آن ها را تابع خویش نمود ند ویارا ند ند.

چانگ - کین (Chang Kien) درین باره هیچ چیز نمیدانند و ذره ای شواهد وجود ندارد که موجودیت شان را ثابت نماید.

جمله ساده ستر ا واینهمه مغالطه وغلط فهمی را بمیان آوردو نویسنده گان یکی بعد دیگری - باشکال گوناگون ساکا (Saka) وساکارو Sakarau) و (Sak) و سای وانگ (Sai-Wang) وحتی توکاری (Tochari) خویشتن را خسته کرده اند.

سترابو اشغال باختر را توسط ساکه ها میداند اما تارن می گوید که سادگی متن وسطحی گری آن ازین معلوم است که سترابو از قرن دوم و سوم قبل المیلاد صحبت نمی کند. بلکه خیلی پیشتر ازین یعنی در قرن هفتم قبل المیلاد از هخامنشی ها صحبت میکند.

اپولودروس (Apollodrus) اشغال سلطنت را توسط چهار قبیله

چادر نشین می‌دانند مانند اسی (Asii) پاسیانی (Pasiani) توکاری (Tochari) وساکاولی (Sacarauli).

تروگوس اشغال آن را توسط دو قبیله آسیانی (Asiani) وساروکه (Saraucae) می دانند. با وجود ان تروگوس از توکاری نیز ذکر بعمل میاورد.

۳۱ - خانم لیوو (Leeuw) عقیده دارد که یوچی‌ها تخاریان اند و آسیانی (Asiani) الیاس (Alias) اسی (Asii) یا یوچی اندویا حد اقل قشر حاکم آن می باشند. این خانم درجایی دیگر می گوید اسی (Asii) در ماورای مرزهای خویش بنام توکاری - توخارا (Tukhara = Tochuri) شناخته میشدند.

تارن میگوید نام اسی (Asii) همانند (Arsi) میباشد که توسط دانشمندی بنام (Sieg) خیلی بعد تر در اسناد قرن هفتم یافت شده است.

وان وندیکن (Van Windeken) عقیده دارد که کلمه ارسی (Arsi) بمعنی سپید برای حکمروایان تخاری یا مردمانی که بالای شان حکومت میکردند استعمال می‌شده است.

بعضی دانشمندان اسی (Asii) را باووسون (Wu-Sun) یکی می دانند.

مانند کارپنتر دیولین (charpenter Deyulines) و کوریز (Coureas) پروفیسر بایلی (Bailey) معنی ارسی (Arsi) را مأخوذ از کلمه آریا (Arya) سانسکریت می دانند.

اسی (Asii) مردمانی را میدانند که در جنوب رو سیه بنام اوسیتس (Ossetes) یا اس (As) یاد میشوند.

ازجملهٔ سترابو این مساله بوضاحت کامل آشکار میگردد که فتح باختر چنان رویداد تاریخی بود که بموجب آن قبایل داخل باختر و قبایل همجوار آن شروع به مهاجرت نمودند.

از منابع کلاسیك برمیاید که اشغال باختر مرحله ای انتقالی بود که گاهی در دست یکی و گاهی بدست دیگری می افتاد که انکه میترا داتس اول (مهر داد اول) آن را اشغال نموده وحکمرانان دیگرراازآن براند.

شناخت هویت تخاریان هم موضوع بحث است درین بار سیلوین لیولستی از منابع چینی چنین ابراز نظر میکند:

یك منبع چینایی می گوید که همزمان و در یك وقت یونانیان (Yanana) درشمال وپو - لا - پو (Po-La-Po) یعنی پهلواپارتیان در غرب و چی - کیا (Che—Kia) = (Saka-Scythians) در جنوب و تین - چا - لو (Tein—cha-Lo) یعنی توکاریان در شرق حکومت میکردند. پس مقایسه ای که ویباشا (Vibhasha) وناجیو (Nanjoi) کرده اند این نظر به از آن مستفاد می گردد که یو چی و تیو - کیو - لی (Teou—Kiu-Le) باهم یکی اند. روابط تخاری ها یا توکاری و تو هو - لو. Toue-Houo -Low چینی یا یوچی و تا هیا ازطرف دانشمندان بررسی شده است.

ریکتو فن (Richtofen) که لیوی نیز با وی موافق است توکاریان را با یوچی یکی دانسته و مسکن شان راختن میدانند و

مارگوارت (Marguart) میگوید که توکاری‌ها همان تاهیا می باشند که در یك کشور زندگی داشتند که هیون-تسانگ- (Hiuen- Tsang) آن را تو - هو - لو (Tou—hou-Lo) قدیم یا تخارستان میداند که در وسط اکسوس و ۳۰۰ کیلومتری ختن واقعست .

فرانك (Frank) عقیده دارد که ان هانه تاهیا بودند نی هم یوچی بلکه مردمانی بودند که یوچیها آنهارادر تو هو لوی قدیم تابع خود کردند .

ستون کنو چیزی را در مورد رابطه‌ای یوچی هاومهاجرت تو- هو لـو نمیداند .

راست اینست که تخاریان درجهان غرب خیلی پیشتر حتی از زمان آسوری - ها شناخته شده بوده اند. زمانیکه یوچی هارا هیچ کس نمیشناخت . درین باره پوزین Poussain : ببلیوگرافی جامعی را ارائه کرده است .

۱۵ - در کنگره تاریخی هند که در سال ۱۹۴۳ میلادی در علیگر تشکیل شد د ر لی ان بگچی (P.C.Begchi) در نطق افتتاحیه خویش در باره مساله بادیه نشینان آسیای مرکزی د رهند صحبت نمود . ازذکر در بارهٔ تخاریان در منابع قدیمی هندی مانند پورانا ودو کتاب دیگر بودائی هم یاد کرد و بعضی ماخذ آن را نیز تذکر داد .

۱۶ - پلینی (Pliny) و بطلموس آن را به ترتیب بشکل توکاری Thocariو (Tochari) ذکر کرده که در شمال (Caspiri = کشمیر زندگی داشتند .

فصل دوم

کادفیزس ها

دودمان سلطنتی کوشانی کادفیزس ها که شامل دونفر آنهم پدر وپسر میشوند ، بر یک دودمان سلطنتی دیگر کوشانی که موسس آن کانیشکا بوده است پیشی دارد .

نظریه فلیت و کینیدی (۱) که دودمان سلطنتی کانیشکا را قبل از دودمان کادفیزس ها میپنداشت اکنون از نظر افتاده و ارزش خود را کاملا از دست داده است .

اسناد و شواهدیکه بر اثر کاوشهای باستانشناسان از مقام تاکسیلا بدست آمده اند، درمورد اینکه کدام یک ازین دودمانها پیش و پس بوده اند به اندازه کافی روشنی انداخته وجای شک و تردید را باقی نگذاشته است .(۲)

برای درک و تحقیق در باره دودمان اول کوشانی باید به اسناد وشواهد ذیل مراجعه شود :

هو - هان - شو یعنی سالنامه ها یا دفترچه های دودمان دوم سلطنتی هان چین که واقعات وحالات بعدازسال ۲۵ میلادی را باز گو میکنند. (۳) وسه کتیبه خروشتی گاندو فرنس که در سال ۱۰۳ نگاشته شده اند (۴) وهمچنان کتیبه سال ۱۲۲ پنجتر وکتیبهٔ ظرف نقره ئی سال ۱۳۶ تاکسیلا.

علاوه براینها مطالعه و تحلیل همه جانبهٔ مسکوکات دودمان اول کوشانی یعنی کجولا کادفیزس وپسرش ویما کادفیزس از جاها ئیکه بدست آمده اند (۵) وچهره هائیکه بر آنها نقش بسته نیز درباره این دودمان معلومات را ارائه میدارد.

ونیز خصوصیات و مطالب این مسکوکات با واقعاتیکه در آن دو سند از آنها ذکر شده، میتوانند در راه دریافت یك توافـق بما کمك کنند.

تحلیل و تدقیق منابع واسنادومعلوماتیکه ازآنها بدست میآیند میتوانند یك تصویرمکملی از زندگانی وکارنامه هاي فرمانروا کجولا کادفیزس وفاتح هند ویما کادفیزس رادر اختیار ما بگذارند.

چنین برمیآید که این هردوفرمانروا هرکدام شان براي یك مدت درازي سلطنت کرده اند.

ما اکنون درین جا مسایل آتی رامورد بحث قرار خواهیم داد:

سنوات این هردو فرمانروا کارنامه هاو فتوحات کجولا کادفیزس وروابط او با هرمایوس (Hermaeus) وگاندوفرنس وسعت امپراتوری او و بدینمنوال راجع به ویما کادفیزس فتوحات او وگماشتن ساتراپهاو

روابطه او باچین وروم ودرضمن معضلهٔ سوتر میگاس د را خیر فاصله زمانی بین او وکانیشکاو رول جیها نیکا یا زیونیزس (Zeionises) سخن خواهیم گفت .

منابع ومدارك :

این گزارش هو-هان - شوکه میگوید « بعدازجدائی صد ساله آن پنج هی - هو (he-hou) یکی و یکجا شد ند » چیز ها ي زیا دي را بما می آموزاند .

هی -هوي کوي شوانگ (Kuei—Shuang) برچها ر هی - هوي د یگر بتاخت وخودرا پادشاه اعلان نمودو سلطنت او بر اساس تقسیمات قبلی واصلی (کوي شوانگ) نامیده شد .

هو-هان - شو راجع به سایر کارنامه هاو فتوحات درخشان اونیز صحبت میکند ومیگوید که او (کوي شوانگ) بران - سی (An-si) تاخت و کاؤ - فو (Kao-Fu) - را بگرفت وعلاوتاً برپو - تا (Po-ta) و کی - پن (Ki—Pin) (۶) نیز پیروز گشت وآن سلطنت هارا تصاحب نمود . وبیش از (۸۰) سال داشت که پدرودحیات گفت؛ بجا یش پسراوین - کاو - چن (Yen-Kae-Chein) بر تخت سلطنت‌ی نشست واو تین - چو (Tien-Chu) را بار دیگر گرفتو برای ادارهٔ امورآنجا یکی از جنرالهاي خودرا گماشت .

چون هو-هان شو - از عهدکین - وو (Kien-Wu) (۲۵-۵۵م)و بعد ازاوسخن میراند پس فتوحات کجولا کادفیزس نمیشود قبل ازسال ۲۵م صورت گرفته باشد .

کتیبه هائیکه راجع باین دودمان کوشانی سخن میرانند عبارتند از همان سه کتیبه که ما قبلا از آنها ذکر نموده ایم .

کتیبه اول که سنه گذاري آن درسال ۱۰۳ همان عصرصورت گرفته و سال ۲۶ (۷) سلطنت مهاراجا گودوهارا (Guduvhara) (گاندوفرنس) وروز اول ماه وایسا کا (Vausakha) نیز از آن استنباط میشود در آن چنین نوشته شده : « تحفه هاي ميرا (Mira) نجات دهنده و پسر و دختراو به افتخار شهزاده ارجیو نا کاپشا (Erjhuna-Kapsha) و پدرو مادر او تقدیم شده است» ازروي این عبارت چنین استنباط میشود که مقصد از شهزاده کاپشا عبارت از کجولا کادفیزس بوده که درین وقت هنوز به سلطنت نرسیده و یك شهزاده بوده است .

مادر مورد روابط اي با گاندوفرنس بعداً سخن خواهیم گفت .

کتیبه پنجتر (۸) دردره هاي کوه های مترا بان که درسال ۱۲۲ همان عصر نوشته شده و دران عبارت مها یا راسا - گوشانا سا (Mahayarasa Gushanasa) یعنی « فرمانروای بزرگ کوشانی » دیده میشود . و همچنان ۱۴ سال بعد تر کتیبه ظرف نقره ئی (۹) که سنه گذاری آن درسال ۱۳۶ صورت گرفته ودر آن عبارت مها راجاسا راجا تی راجا دیوا پو تراکو شانا سا « یعنی کو شا نا سا شاه شاهان و پسر خدا » دیده میشود .

طوریکه دیدیم درین اسناد در هیچکدام شان ازنام خاص فرمانروا ذکری نرفته و تنها نام خانوادگی آنها (کوشانا) برده شده است. و بنا براین ما نمیتوانیم تصور کنیم که منظور آن کتیبه هایك دودمان دیگر کانیشکای کوشانی بوده باشد . وطوریکه ازسنه گذاری کتیبهٔ

بر میآید که منظور از فرمانروای کوشانی عبارت از کجولا کادفیزس است که درسال ۱۲۲ پادشاه بود.
وبعد از ۴۰ سال سلطنتی راپی ریزی کرده بود که تا به تاکسیلا وسعت داشت و ازهمین رهگذر او با چنین القاب پرطنطنه وبلند بالا یاد شده است.

مسکوکاتی را که کجولا کادفیزس گاهی همراه با هرمایوس (Hermaeus) (۱۰) وگاهی هم بطور مستقل انتشار داده و برروی آنها بعضاً چهره های ازیگان امپراتور روم غالباً اگوست (Augustus) گرچه الن (Allan) (۱۱) آنرا نزد یك به کلودیوس (Claudius) میداند نقش بسته، در راه روشن شدن ونگارش تاریخ کجولا کادفیزس کوشانی خصوصاً در قسمت فتح کابل (کاو-فو (Kae-Fu) در تاریخچه های چینائی) و بیرون ریختن قدرت و تسلط یونانی ها توسط او کمك قابل ملاحظه مینماید. منجمله مسکوکات در راه احیأ ونگارش تاریخ سیاسی آن دوره از اسناد خیلی مهم وغنی بشمار میرود.

سنهٔ کجولا کادفیزس وعهد قدیم ساکا:

سنه کجولا کادفیزس را تنها میتوان در صورت تعیین سال نخستین دوره ساکا که درسه کتیبهٔ خروشتی ذکر شده تعیین نمود. قبلاً اشاره شد که این اسناد تنها متعلق به خود اوست وسند آخرین به پسر او تطابق میکند نه بکدام فامیل دیگر.

اکنون بطورعموم پذیرفته شده تمام اسنادیکه برسم الخط خروشتی نگاشته شده تاریخ آن حدود سال ۵۸ ق م بوده است. (۱۷) و این تاریخ سنه کجولا کادفیزس رادرحدود سالهای بین ۴۰م و۷۸م میدهد.

این سنوات باسنوات اسنادچینائی ودست آوردهای ارکیالوجیکی نیز توافق میکند. قبلاً خاطرنشان شد که تاریخچهٔ دودمان دومهان (هو ـ هان ـ شو) واقعاتی را در بر میگیرد که در طی و بعد از دوره کین ـ وو (Kien-Wa ۲۵ ـ ۵۵ م) بوقوع پیوسته اند. در مورد کاپشا Kapsha که در کتیبه بشقاب مسی سال ۱۰۳ تاکسیلا ذکر شده بحیث کجولا کادفیزس پذیرفته شده، و همچنان کتیبهٔ ۱۲۲ گدوواها را (Guduvhara) (گاندوفرنس) نیز از لحاظ طرح وسنه گذاری با هم توافق میکنند. از روی این اسناد کجولا کادفیزس درین وقت تنها یک شهزاده یا کومارا (Kumara) بوده اگرما اشتقاق ستین کنو را در مورد و کلمات ایرجونا یلیسانای (Erjhuna alysani) پسانها ایسانای Eysanaai یعنی الزنای Alzanai ایزانای Ezanai که در زبان ساکی قدیم به کشورختن بکار برده میشد بپذیریم (۱۸).

در ۱۲۲ عهد قدیم ـ ۱۴ م کجولا کادفیزس بحیث سلطان (مهاراجا) قدم در سرزمین شمال غربی هند قدم میگذارد (+) ودرطی مدت ۱۴ سال دیگر وی موقعیت خود را استحکام و قلمرو خود را توسعه میدهد. واین واقعیت از کتیبه سال ۱۳۶ تاکسیلا آشکار میشود که درطی آن کجولا کادفیزس القاب بزرگ وشانداری چون مهارا جا راجا تی

× منظور نویسنده سرزمین افغانستان بوده ولی ازذکرنام آنخود داري میکندواصطلاح انگلیسمابانه (ولایت شمال غرب) را بکار میبرد.

(مترجم)

را جادیوا پوترا را برای خود بکار میبرد . هنوز نام خود او بنظر نمی خورد و همان لقب خاندانی او چون کوشاناویا خوشانا (Khushana) دیده میشود که در کتیبه های قبلی به القاب مهاراجاسا ـ گوشی ناسا راجعی (۹۱) درآن ذکر شده است . آن عده از دانشمندانیکه می انگارند کانیشکا موسس عهدساکا در ۷۸ م بوده است این اسناد را متعلق به ویماکادفیزس میدانند که پیوسته بعد از کانیشکا بمیان آمده است .

باین ترتیب در طی مدت ۳۳ سال یعنی بین سالهای ۴۵ و ۷۸ م زندگانی کجولا کادفیزس هشتاد ساله بحیث یك شهزاده و بحیث یك فاتح یك فرمانروا و همچنان عهد زمامداری پسرش و تمام واقعات بشمول فتح هند (تین چین Tien-Chian) را در بر میگیرد البته ما بعدا درجای خودش این معضله را مورد بحث مفصل و تحلیل قرار خواهیم داد .

و تنها چیزیکه دراینجا باید خاطر نشان کنیم اینست که چنین سنه گذاری ناممکن نیست ولی نابجا هست . کتیبه خلاتیس Khalates (۲۰) که با ویماکادفیزس سال ۱۸۷ بی ارتباط نیست اگر مطمع نظر قرار گیرد دوره زمامداری ویماکادفیزس را تا به سال ۲۲۹ میرساند و به تعقیب آن کتیبه ظرف نقره ئی جیهونی کا (Jihonika) تاگسیلا (۲۱) سال ۱۹۱ ـ ۱۳۳ م آنرا تائید میکند .

فتوحات کجولا کادفیزس

درمورد فتوحات کجولا کادفیزس تاریخچه دودمان بعدي هان (هو ـ هان ـ شو) تذکراتی دارد . ومسکوکات بدست آمده او و همچنان دو کتیبه خروشتی ۱۲۲ و ۱۳۶ ورود بطاین فرمانروا باهرمایوس بما کمك

میکنند بعد ازانکه کجولا کادفیزس سایرهی ـ هوـاوسا را تابع خود ساخت گفته میشود که بـرآن ـ سی (An-Si) (نام مروج برای پارتیا) حمله برد و به تعقیب ان سرزمین کاوـفورا بدست آوردو به سلطنت های پو تاـو ـ کی ـ پن موفقانه تاخت و آنها را تصاحب نمود.

آن سی بقرار نظریه ستین کنو (۲۲) با دودمان پارتها در شرق که گاندو فرنس از آنجمله است مطابقت میکند. قبلا تذکار داده شد که کجولا کادفیزس درسال ۳۰ ودرسال ۶۲ زمامداری گاندو فرنس یك شهزاده یا کوما را از وی نام برده شده است. گاندوفرنس آخرین سلطان پارتی نبود.

در مسکوکات ابداگاسیس (Abdagases) که در عقب سکه او را بعنوان گدوو هارا بهرادا پوترا ماهوراجاسا اوادگاسا Guduvharabhradaputra Mahurajasa Avadaqasasa (ترا دارسا (Tradarasa) نام میبرد از جنوب غربی بدست آمده است (۲۳)

بروی یك سکه دیگر سلطان القاب مها را جاسا راجاتی راجاسا Maharagasa Rajatiragasa ثبت شده است (۲۴) مسکوکات سلطان پاکوریس (Pacores) از کندهار و از نواحی غربی بهاکر (Bhakar) بدست آمده اند (۲۵) مسکوکات پاکوریس وویما کادفیزس کوشانی و بعضی از مسکوکاتیکه تصویر سمبول گاندوفرنس و رسم الخط یونانی و وخروشتی داشت توسط مارشال ازمقام سرکپ (Sirkap) که در یک مرتبان گلی جای داده شده بود کشف گردید (۲۶) مطابق نظریه اپسن (Apson) حتی در دورهٔ زمامداری گاندوفرنس اطاعت والیها از فرمانروای شان محض بنام بوده است.

وجود هیچ یك زمامدار مستقل پارتی بعد ازگاندوفرنس در نواحی شمال غربی هندازروی مسکو کاتیکه تا کنون بدست آمده تائید نمی گردد.

ازروی این وقایع برمی آید که کجولا کادفیزس امپراتوری گاندوفرنس راسقوط داده و نواحی کابل (Kao—Fo) راجا ئیکه مسکوکات پاکورپس یا آبادا گاسیس ازآنجا تا کنون بدست نیآمده اشغال کرده است. این واقعات ازروی کتیبه تخت باهی (Bahi) درسال ۴۵ م وازروی کتیبه پنجتر درسال ۶۴ م بایست بوقوع پیوسته باشند.

گنجی راکه مارشال از خرابه های سرکپ بیرون آورده دارای مسکوکات گاندوفرنس پاکوریس و کجولا کادفیزس میباشد و از آن برمیاید که کجولا کادفیزس ناحیه تا کسیلا راازجانشین ضعیف پاکورپس گرفته است.

کتیبه طومار نقره یی سال ۱۳۶-۷۸م تاکسیلا که القاب (مهاراجا راجاتی راجا دیوا پوترا کوشانا) بران نگاشته شده است از آن بر می آید که مراد ازان کجولا کادفیزس بوده است.

بنا استنباط میشود که کجولا کادفیزس عملا با اندوـپادیتازور آزمایی کرده است.

نواحی غربی امپراتوری اندوـ پادیتای گاندوفرنس نخست توسط کجولا کادفیزس اشغال شدو این غالباً قبل ازسال ۱۲۲-۱ اتفاق افتاده است. ممکن است بجا نشینان گاندوفرنس یك کمی حق موجودیت مثلا بحیث تیولدار کجولا کادفیزس داده شده باشد.

ولی وقتی ابداگاسیس با بکار بردن القاب شانداری برای خود از قبیل (مهاراجاراجا تی راجا) ابراز کمی استقلال نموده به از دست رفتن تاج وتخت او تمام شدوامپرا توری کوشانیها باین ترتیب تا به تاگسیلا توسعه یافت . این واقعات قبل از سال ۱۳۶-۷۸ م بوقوع پیوسته اند.

مرحله دوم فتوحات کجولا کا دفیزس طوریکه در (هو-هان- تو) تذکاریافته یعنی غلبه او برپو- تا (Pu—ta) و کی- پن (Ki—Pin) میرساندکه او تاگسیلاونواحی شرقی رود اندوس غالباً نواحی شمال شرقی را فتح کرده است .

ونسبت سمت (۲۸) که به سیلوین لیوی (Sylvain Levi) و ستین کنو حواله داده نظر به سابقی دراکه این نواحی راعبارت از کشمیر میدانست ترك داده وحالا آنرا عبارت ازگندهارا بشمول تاگسیلاو تخت باهی میدانند.

کجولاکادفیزس وهرمایوس (Hermaeus) :

روابط این دورا دانشمندان بطریقه های مختلفی ارزیابی و بررسی نموده اند.

چون نامهای هرمایوس وسلطان کوشانی کجولاکادفیزس بروی یك عده سکه ها یکجا ذکر شده (۲۹) این موضوع در بین دانشمندان مورد جرو بحث طولانی قرارگرفته است.

همچو سکوکات مشترکی که قبلا بدست آمده بوده ازخلال مطالعه وتحلیل آنها اپسن چنین انگاشت که هرمایوس زمامدار قبلی بوده که چهره نیم تنه ونام او برسم الخط یونانی برروی اول سکه و

از کجولا کادفیزس یا یاووگای Yavuga کوشان برسم الخط خروشتی درعقب سکه نقش بسته و بعد از هرمایوس متصلا کجولا کادفیزس زمام امور را بدست گرفته است (۳۰)

ازطرف دیگر توماس می انگارد که بین آن دو یك فاصله و یك خلای وجود دارد که توسط خودپهلوا ها که کابل رادرطی این فاصله عملا دردست داشتند پر میشود (۳۱) که این نظر به پسانها مورد تائید اپسن نیز قرارگرفته (۳۲) ومارشال (۳۳) وکنو (۳۴) وتارن (۳۵) نیزآنرا پذیرفته اندوتارن میگوید که کجولا کادفیزس از اخلاف میوز Miaos یاووگای کوشانی (یا «هیروز» (Heraos) این نام حیثیت یقینی ندارد) که وی بروی سکه کات خویش خودرا کوشان نامیده است بشمار میرود (۳۶)وی (میوز) یکی ازخویشاوندان هرمایوس را بهعقدازدواج خود درآورده است وقتی اوپارو پامیزادرامورد هجوم خود قرار داد به یونانی ها اعلام داشت که وی منحیث یك بیگانه برای فتوحات این سرزمین نیامده بلکه بحیث یك زمامدار مستحق وقانونی که این حق را بموجب خویشاوندی باهرمایوس آخرین سلطان یونانی به ارث برده آمده است. سکه کات چنین مطالب بر آن نقش بسته چیزدیگری نبود جزپروپاگند محض ودلجویی یونانیها که هنوز قدرت بزرگی درکابل بشمار میرفتند. (۳۷) این نظر به پیشین اپسن که سخن از روابط نزدیك هرمایوس باکجولا کادفیزس میزد ومیگفت کجولا بلا فاصله و بلاوقفه جانشین هرمایوس گردیده است مورد تائید و تأکید میرمن لیوو (Lohuizen-de-Leeuw) قرار

گرفته (۳۸) وسیرمن مذکور کجولاکاد فیزس را به قرن اول ق م به عقب میبرد.

قبلا تذکار داده شد که کجولاکاد فیزس طوریکه تارن فکر میکند از روی عرق و نژاد نبوده و نه هم چنین تصور شده میتواند که کجولاکاد فیزس متصلا جانشین هرمایوس بوده باشد. بیکهوفر (Bachhofer) می انگارد (۳۹) که هرمایوس شاید هنوز در دهه دوم قرن اول میلادی حکومت میکرده است. دانشمند مذکور این موضوع را که کجولاکاد فیزس را با ین ـ مو ـ فو (Yen-mo-fo) که در شن ـ هان ـ شو (Chien-Han-Shu) از آن ذکر شده یکی میداند و شواهدیکه جلوس او را قبل از ۸۳ ق م تثبیت میکند مردود میشمارد. مطابق کرونولوجی ایکه وی طرح کرده است کجولاکاد فیزس در دهه دوم جلوس خود نه تنها اینکه و نیس (Vones) سپالاهورس (Spalahores) وسپالاگادامیس (Spalagadames) را بلکه سپالیرایزس (Spalirises) واز یس (Azes) دوم را نیز بیرون ریخته و قسمتی از مدت زمامداری هرمایوس را نیز در برگرفته است و مارشال بر این لست نام از یلایسیس (Aziliess) را که برازیس دوم سبقت دارد می افزاید (۴۰)

کجولاکادفیزس و جهان غرب:

فتح آن ـ سی (ـ پارتیا) و کاوـ فو (کابل) این فرمانروای کوشانی را ضرور با رومن ها و جهان غرب در تماس نزدیک قرار داده است. اگر او برروی یک عده از مسکوکات خود مجسمه نیم تنه هرمایوس را باز با ن ورسم الخط یونانی نقش بسته بروی یک عده مسکوکات مشهور دیگر خود (۴۱) مجسمه نیم تنه امپراتور

دوم را تقلید کرده است . شناخت این امپراتور دوم نیز در بین دانشمندان مورد جرو بحث های زیادی گردیده است .

مشاجره برسراین است که گفته میشود طرح این نوع مسکوکات کجولا کادفیزس از مسکوکات اگوست (Augustus) (۴۲) تقلید شده است.

الن (Allan) به استناد شکلیات عقب سکه با این نظریه است که کجولا کادفیزس از کلودیوس ((Claudius)) (۴۳) امپراتور روم (جلوس در ۴۱ م) تقلید کرده است .

پروفیسور باشام ((Basham)) اظهار نظر میکند (۴۴) که مسکوکات کجولا کادفیزس یقیناً با بعضی از دینارهای (denarii) اوگوست شباهت زیادی دارد. گرچه پشت وروی مسکوکات کلودیوس با پشت وروی مسکوکات کجولا در شباهت خود مقدمتر از دیگر است ولی این به هیچ وجه ناممکن نیست که سکه سازان کجولا در ضرب سکه ها ازعناصر انواع مختلف سکه ها استفاده کرده اند. بهرحال چیزیکه در اینجا بیشتر مورد علاقه ما قرار میگیرد همانا روابط بین کوشانی ها و رومن ها است که غالباً درسطح تجارت و تبادلات بر قرار گردیده بود .

مسکوکات رومن پول رایج وقانونی تجاران غربی بوده اندواین نیز درمورد تقلید معیار طلای سکه های اوگوست (۴۵) از طرف ویما کادفیزس بی تاثیر نبوده است .

کجولا کره کادفیزس :

سالنامه ها یا تاریخچه های دودمان آخرین هان برای کجولا کادفیزس عمر درازی را نسبت میدهند. او تا به سن (۸۰) سالگی زندگی

کردو بعد از مرگ او متصلا پسرش وین کوچن (Yen-Kao-Chen) بجایش نشست ودر بین پدر و پسر کدام شخص دیگری بحیث فرما نروا وجود ندارد . ولی یکنوع جدید مسکوکات توسط مرجان مارشال (۴۶) کشف گردیده که بروی ان مجسمه نیم تنه یك پادشاه که شباهت تام باویما کاد فیزس دارد بارسم الخط فاسد شده یونانی نقش شده ودر عقب سکه یك نایك (Nike) را نشان میدهد و برسم الخط خروشتی القابی از قبیل «مهاراجاسا راجاتی راجاسا کهوشانا سایاوو گاسا» Maharajasa rajatirajasa Khushanasa Yavugasa بران نگاشته شده است .

یك عده دیگری از مسکوکات (۴۷) بروی خود نقش یك نرگاو کوهان دار ورسم الخط غیرخوانای یونانی و برعقب خود نقش دواشتر باختری دوکوهانه دارد و برسم الخط خروشتی کلماتی با کمی تغییر بایکدیگر بران نگاشته شده است از قبیل « مهاراجاسارا جاتی راجاسا کویولا کاپاسا (Maharajasa rajatirajasa Kuyula Kupusa) ویا مهاراجاسا مهاتاسا کوشانا کویولا کاپهاسا (Maharajasa Mahatasa Kushana Kuyula Kaphasa) ویا مهاراجا سارا جارایاسا دیوا پوتراسا کویولا کرا کاپهاسا Maharajasa Rajarayasa devaputras Kauraula Kara Kaphasasa ویا مهارا- جاسا رایاتی رایاسا کویولا کرا کاپاسا Maharaja Rayatiyasa Kuyala Kara Kaphasa بر روی همچو مسکوکات (۴۸) از جملهٔ نامهای متعدد و مکرر خصوصا نامهای کویولا کاپهاسا

Kuyulu kara Kaphasa کو یو لا کرا کا پاسا Kuyolakara kapasa
در بین دانشمندان در مورد اینکه آیا این هر دو نام متعلق بیك شخص استو آیا به اشخاص جدا گانه تعلق میگیرد، ایجاد شك و تردید فراونی نموده است. (۴۹-)

ایسن آنها را اشخاص جدا گانه میداند و می انگارد که کجولا کرا کادفیزس و غیره نام شخصی است که جا نشین زیونیزس (Zeionises) ساتراپ درسلطنت پشکلاواتی (Pushkalavati) گردیده وشاید که معاصرویما کادفیزس بوده باشد. ولی مارشال چنین میپندارد (۵۰) که این مسکوکات از طرف ویما کادفیزس انتشار یافته است. وی کلمه کرا (Kara) را با کلمه کلا Kala تعبیر و معنی میکند و میگوید که این کلمه کلا پسانها در ترکستان به معنی شهزاده معمول شده بود و مسکوکا تیکه برروی خود شکل نرگاو کوهاندار سیوا (Siva) و بر پشت خود یك اشتر باختری دارند و کلمات مها را یا سا را یا را سا دیوا پوترا سا کویو لا کرا کا پها سا سا.
Maharayasa rayaruy asa devuputrasa kuyula Kara Kaphasasa
واشکال مختلف آن بر آن نقش بسته غالباً از طرف ویما کادفیزس که هنوز پدرش زنده ووی هنوز یك شهزاده وولیعهد او بود انتشار یافته است.

ستین کنو (۵۱) میگوید که بکار بردن القاب شاندار امپراتوری این فکررا که انتشار دهنده همچو مسکوکات را زیردست یك فرمانروا میپندارد میزداید و از بین میبرد.

کلمه اضافی کرا که معنی اش بسیارهم واضح نیست نمیتو اند

مارا ازین بازدارد که چنین مسکوکات را ازکاد فیزس اول بدانیم یك سکه از کاد فیزس اول که برروی آن مجسمه نیم تنهٔ هرمایوس نقش بسته بارسم الخط خروشتی کلمات جوتا کراد هارماتی Juta Kara dharmati دیده میشود (۵۲) این نمیتواند بجز کجولا کاد فیزس شخص دیگری باشد بعضی اوقات همین کلمه کرا Kara در مسکوکات مورد بحث دیده نمیشود. (۵۳) ممکن است کسی با مارشال در ین مورد موافقه کند که میگوید کجولا کاد فیزس شاید دست از فعالیت های جدی مملکت داری کشیده باشد و آنرا بعد از سال (۶۰ م) در سن شصت و یا هفتاد سالگی به پسر خود واگذار شده باشد ولی این برای یك ولیعهد غیر معمول است که سکه ها را بنام خود انتشار دهد. مارشال خود میپندارد که در آن صورت سکه های دارای مجسمه های نیم تنه هرمایوس و هرقل Heracles و عبارات کجولا کراد هارماتی داسا Kajula Kara dharmatidasa بران شاید از طرف ویما کاد فیزس نیز انتشار یافته باشد (۵۴) این شایسته نیست که یك عدهٔ خاص سکه ها را محض بخاطر تعبیر کلمه کرا Kara که هنوز معنی اش روشن نشده است به ویما کاد فیزس نسبت دهیم وزه هم ما میتوانیم علی الرغم تاریخچه های چینائی که تنها دو کاد فیزس فرمانروا را جداً تائید میکندوجود یك کاد فیزس دیگر را بپذیریم بنابران ما دراین مورد با ستین کنوهمنوا میباشیم که او کجول کادفیزس را با کجولا کرا کاد فیزس یکی وعین شخص میداند.

ویما کاد فیزس (Wima Kadphises)

کاد فیزس دوم بحیث یک امپراتور جانشین پدر هشتاد ساله خود گردید. تاریخچه های دودمان آخرین هان (هو- هان - شو) میگویند (۵۵) که وی هند را بار دیگر فتح نمود و برای اداره امور جنرالی را برآن سر زمین تعیین و مقرر نمود.

میرمن لوهویزن - دی - لیوو به استناد گنجینه ایکه از مقام سرکپ کشف شده و شامل مسکوکات گاندوفرنس (پاکوا یس پوکوارا (Pukura) و کجولا کاد فیزس میباشد مینگارد (۵۶) که سرزمین های مفتوحه هندی کجولا در شرق اندولس از دست رفته بود وپسان بدست ویما کاد فیزس بار دیگر اشغال گردید.

مطابق نظریه ستین کنو (۵۷) از آنجائیکه در هو- هان - شو از اشغال قبلی این سر زمین (شرق اندولس) که پسان توسط ین- کاو- چن- (Yen-Kao- Chen) ویما کاد فیزس) بار دیگر اشغال گردید ذکری نشده است. بنا بر این کلمات «اشغال دوباره» درین عبارت باید به «توسعه مزید» در دوران ویما کادفیزس تعبیر و ترجمه شود.

راجع به فتوحاتیکه در تاریخچه های چینائی از آن ذکر شده وآنرا به ویما کاد فیزس نسبت مید هند طوری معلوم میشود که این فتوحات اشغال دوباره سرزمین های از دست رفته در شمال غرب نبوده ودرین مورد شواهدی نیز موجود نیست بلکه یک توسعه مزید بوده که ویما- کاد فیزس به قلمرو امپراتوری پدر خود افزوده است.

از توصیفی که در هو- هان - شو ازین سرزمین شده است برمیاید که این سر زمین عبارت بوده از حوزه اندولس و منظور از سلطنت

تین ـ شی (Tien-Chi) که شین ـ تو (Shen—tu) نیز نامیده شده است.
همین سرزمین سند (Sindh) بوده که یک وقتی مرکز امپراتوری ساکا در هند نبود (۵۸) موضوع اشغال دو باره ناحیه اند و لس که درکا لاکا چاریا کاتاناکا) (۵۹) (Kalakacharya Kathanaka) نیز از آن بحث شده اگر لفظ به لفظ ترجمه گردد از آن برمیاید که اشغال دو باره این ناحیه توسط ساکا صورت گرفته است. مطابق این منبع ساکاهای سرزمین اندولس کمی قبل از شروع عهد ویکراما (Vikruma) سوراشترا (Surashtra) وملاوا (Malava) را اشغال کردند اما کمی بعد از طرف ویکراماد یتیا (Vikramaditya) بترک این سرزمین مجبور ساخته شدند. ولی بعد از مرور مدت (۱۳۵) سال ساکاهای دیگری آمدند وحکمروائی ساکاها را درین سرزمین بار دیگر مستقر ساختند.

اگر ماسنوات و روابط ویماکادفیزس را باساکا کشاترا پاهای (Ks hatrapas) هند غربی مطمع نظر قرار دهیم خواهیم دید که دوران مدت ۷۸ م از آن ویماکادفیزس میباشد.

درا ینجا باید خاطر نشان نمود که اصطلاح ساکا (Saka) بطور غیر جدی بکار برده نشده است و ما قبلاً تذکار دادیم که کوشانیها شاید از اخلاف یکی از ساکاها طوریکه هرودوت از آن ذکر نموده باشند.

ویماکادفیزس و جلوس او:

در مورد تاریخ جلوس ویماکادفیزس متاسفانه هیچ سند معتبری تا هنوز بدست نیآمده، گرچه بعضی از دانشمندان (۶۰) کتیبه سال ۱۳۶ تاکسیلا را باو نسبت میدهند. درحالیکه ستین کنوس انگارد

که کتیبه کلا تسی (Khalutse) که تاریخ آن سال ۱۸۷ بوده است از مهاراجا یو و یما کاو تی سا- (Mahraja Uvima Kavthisa) یعنی ویما کادفیزس میباشد.

اپسن که خود این کتیبه را مطالعه کرده (۱۹) نظریه ستین کنو را بی بنیاد و یک حدسی که کدام نتیجه درستی بر آن مرتب نمیشود می پندارد، و نیز غیر محتمل پنداشته شده است، که کدام سندی از ویما کادفیزس از ناحیه خلا تسی Khalatse که یک دهکده ایست در لداخ ۵۲ میل در پایان لیه (Leh) بر راه تجارتی یافت شود.

مرگ کجولا کادفیزس وجلوس ویما کادفیزس درسال ۱۳۶-۷۸م پنداشته میشود. ولی آنانیکه کانیشکا را موسس عهدساکا میشمارند درین صورت هردو کادفیزس ها رابین سالهای ۵م و ۷۸ جای میدهند و تنها مدت ۱۳ سال را بهویما کادفیزس باقی میگذارند.

این دانشمندان چنین استنباط میکنند که فرمانروای کوشانی در کتیبه پنجتر کجولا کادفیزس ودرکتیبهٔ تاکسیلا عبارت از ویما کادفیزس میباشند که متصلا بعد از او کانیشکا رویکار آمده است این نظریه مبنی بر این است که میگویند چون کجولا کادفیزس بعمر هشاد سالگی مرده است نمیشود که یك پسر وجانشین جوانی از خود باقی مانده باشد وازهمین جاست که پسراونیز مردسالخورده بوده والبته که نمیتوانست برای مدت درازی زنده بماند. این شاید واقعیت داشته باشد و یاخیر ولی یكچیز یقینی است وآن یك فاصله مدت زمانی است بین ویما کادفیزس وکانیشکا. این موضوع را بعدتر موقعی مورد بحث مفصل قرار خواهیم داد که در بارهٔ معضلهٔ مربوط بهسوترمیگاس

جیهونیکا (Jihonika) بپردازیم اگر کانیشکا بتاریخ ۷۸م جانشین ویما کادفیزس شده باشد پس چرا نبایست و یما کادفیزس را در عوض کانیشکا موسس عهدساکا بشماریم و این امتیاز را باو بدهیم وجلوس او را در آن سنه بدانیم .

هو- هان- شو که تنها واقعات سالهای بین ۲۵-و-۱۲۵م را احتوا میکند درباره واقعات غرب معلومات ارزنده را ارائه میدارد و بصراحت تام راجع بدوره های سلطنت کجولا کادفیزس و ویما کادفیزس گپ میزند ولی راجع به کانیشکا مشهورترین فرمانروای کوشانی چیزی نمیگوید . (۶۲)

وقتی ما فتوحات وسیع ویما کادفیزس را در نظر بگیریم و به فراوانی وانتشار وسیع مسکوکات سوترمیگاس نگاه کنیم ومسکوکات کجولاکادفیزس که بعد از فتح پنجاب هنوز برای چندین سال درچلش ودوران بوده باشد پشیم تعداد سالهائیکه برای ویماکادفیزس داده شده خیلی کم است و بگفته سرجان مارشال برای وی کدام جایی خالی باقی نمی ماند . (۶۳)

روابط باساکا کشاتراپاها :

روابط ویماکادفیزس را با دوخاندان ساکا کشاتراپای هند غربی یعنی نهاپنه (Nahapana) وچشتنه (Chashtana) که اسناد آنها در عهد ساکا سنه گذاری شده است میتوان درپرتو دومنبع از قبیل هو-هان- شووکلاکاچاریا کاتا ناکا (Kalakacharya Kathanaka) و نیز از اسناد خود کشاتراپا ها بطور یقینی دریافت نمود . قبلا خاطر نشان گردید که تاریخچه های چینائی از فتح تین - چی (Tien-chi) یاشین - تو

(Shen-tu) یعنی سند هویا سند (Sindh) بدست ین ـ کو ـ چین (ـ ویما کادفیزس) گپ میزنند .

وا ین ممکن است طوریکه در کلا کاچاریا کاتانا کا ذکر شده فتح دوم ساکا بوده باشد که منجر به تاسیس عهد ساکا گردید .

انتقاد بزرگی که برضد ویما کادفیزس بحیث موسس عهد ساکا وارد میگردد عبارت است از بکار بردن عهد قدیم دراسنادخود او.

چنین استدلال چندان وارد بنظر نمیرسد . ما متیقن نیستیم که فرما نروای کوشانی که دراسناد تاکسیلا ازآن ذکر شده ویما کادفیزس بوده باشد. وغالباً این فرمانروای کوشانی کجولا کادفیزس است که ویگندهارا فتح نموده بود وگذارشات هو ـ هان ـ شو و کشف مسکوکات وافر اوازتاکسیلا مویداین واقعیت است (م ۲) ودرمرحله دوم این یك امرطبیعی است که مهاراجای کوشانی کتیبهٔ پنجتر بائیست القاب شانداری چون مهاراجا راجاتی را جادیواپوترا) را بعد از فتوحات وسیع درشرق اندوس برای خود بکار برد . مطالب یك کتیبه دیگر موسوم به کهلا تسی (واقع در لواخ) بقول اپسن که یکی ازطرفداران جدی نظریه ایست که کانیشکا را موسس عهد ساکامیداند خیلی ایجاد شك وتردید نموده است . بنابرا ین آن استدلال ها به ناکامی روبرو میشوندو جانب ویما کادفیزس کمی تقویه میگردد .

کتیبه ها راجع به دوخاندان هند غربی ایکه عهد ساکارادر اسناد خود بکار میبرند از قبیل نهاپنه و چشتنه سخن میگویند .
اخلاف خاندان دوم یعنی چشتنه راچند راگوپتای دوم ازسال (۳۸۸ م)

تحت تسلط خود درآورد وسرزمین شانرا اشغال نمود .

آخرین ساکاشتراپای این خاندان عبارت بود از رودراسیمهای سوم (Rudrasimha III) که مسکوکات او دارای سنه ٣١٠ - ٣٨٨ م میباشد . (٦٦) دودمان دیگر کشاتراپای هند غربی شامل نهاپنه ودامادا واو شاواداتا (Ushavadata) که او خود راساکا نامیده بود (٦٧) ودر مسکوکات و کتیبه های خود عهد ساکارا بکار برده است . شامل میگردد .

در اینجا سوالیکه وارد میگردد اینست که آیا اینها تابع یک فرمانروای مشترکی که موسس عهد ساکا پنداشته میشد بودند و یا یکی از آنها تابع آن دیگری بوده اند ؟

اینکه یکی از آنها تابع آن دیگری بوده باشد وارد ومنطقی نیست زیرا هردو نهاپنه وچشتنه کشاتراپاهای استند که بعداً وبه مرور زمان برتبه مهاکشاتراپا ارتقاء جسته اند وما درین مورد در آینده به تفصیل سخن خواهیم راند .

نخست خاندان چشتنه راموردبحث قرار میدهیم ، مسکوکات او تاریخ گذاری ندارند واسناد دیگر او نیز عاری ازسنوات میباشند . مسکوکات او نخست اوراکشاتراپا و بعداً مهاکشاتراپا نشان میدهند (٦٨) پسر او جایادامن (Jayadaman) که تنها یک کشاتراپا بود (٦٩) معلوم میشود که پیش ازپدرخود باید مرده باشد وشخص دیگریکه همراه با او یادگردیده عبارتست ازنواسه او رودرادامن (Rudradaman) گذارش کتیبه اندهو (Andhau) (٧٠) وکتیبه جوناگر (Junagarh) (٧١) که دارای سنه (٧٢-١٥٠ م) میباشند برتاریخ سیاسی

این حکمروایان رو شنی قابل ملاحظه میاندازند . رودرادامن که برفتوحات وسیع خود میبالد درمسکوکات وکتیبه ها بحیث مها کاشا ترا پا ازاو ذکر شده است . اواین مقام راخود بدست آورده است .

نهاپنه (Nahapana) نیزمثل چشتنه دراول یک کشاتراپا بوده وپسان به مها کشاتراپا ارتقا جسته است . اختیار کردن القاب شاندار در طی زمان مهم وقابل اعتنا است . زیرا حاکی از آنست که با خود تمایل به استقلال کرده ویا ازطرف فرمانروای بزرگ باین مقام بلند تر (مها کشاتراپا) مرا فراز گردیده است . ودرین هر دو صورت فرمانروای بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار بوده است .

وقتی را کتیبه هاومسکوکات متعلق به نهاپنه واسطا لعه کنیم بریکی ازانها دوکلمه بیشترجلب توجه میکند از قبیل کوسا ناسولا (Kusanamula) وسووارنا (Suvarna) (۷۲) .

سینارت (Senart) کلمه اول رادر ارتباط با کتیبهٔ کانهیری (Kanheri) که بر آن چنین نگاشته شده . (۷۳) چیوا ریکا سولا ساکا و ارا ساکا پادیکو چا ماسی او تکالی (Chivarika Solasaka Varasaka Padiko Cha mase utkale) چنین تعبیر میکند که مدد معاش ماهانه یک سلا برای عاشه او درطی یك زمان معین سال داده شده است .

د . ر . بهندرکار (Bhandarkar) (۷۴) کلمه کوسانا (Kusana) رامثل پادیکو آنرا یك سکه خاص میداند اوفکرمیکند که این نوع سکه نقره ای متعلق به نهاپنه بوده است که خصوصاً تحت هدایت کسی که ممکن است با فامیل کوسانا ـ کوشانا (Kushana) یکی

بوده بضرب رسانیده است. این نیز در آنسند گزارش یافته که ۳۵ کارشاپانا (Karshapana) یا سکه نقره ای معادل است. یک سوورنا (Suvarna) یا مسکوک طلا که برای نخستین بار از طرف ویما کادفیزس انتشار یافته است (۷۵) تعیین ارزش ونرخ این سکه های طلائی و نقره ای درصورتی ممکن است که این هردونوع دریک وقت وهمزمان و دریک ناحیه درجریان و چلش بوده باشند. بگمان اغلب که نهاپنه یک تیولداری از فرمانروای کوشانی بوده که سکه های طلائی او در قلمرو تحت حکومت نهاپنه درچلش وجریان بوده وخود نیز آنقدر صلاحیت و قدرت داشته که بنام خود سکه هائی از نقره انتشار دهد. اختیار کردن القاب شاهنشاه اووپر طنطنه شاید که بمعنی ازدیاد قدرت حکمروا و یا تغیر در وضع سیاسی بوده باشد. درین جا یک نکته قابل ملاحظه هم هست کتیبه ایکه از مقام ناسیک (Nasik) بدست آمده ومتعلق به اوشاواداتا است بر آن نوشته شده که اوبر اثر امر فرمانروا بهاتاراکا (Bhattaraka) ملاوا هارا فتح میکند. استعمال این کلمه (فرمانروا) برای نهاپنه بحیث یک لقب نمیتواند باشد. درصورتیکه از خود وی بنام کشاترا پا ذکررفته است دراینجا منظور از فرمانروا طبعاً کسی است که برنهاپنه از لحاظ مقام و منصب برتری دارد. بهایم بر سرچشتنه بنا بقول بهگوان لال اندراجی (۷۷) وی معاصر نهاپنه میباشد وتحت اثر نهاپنه نبوده است. فلیت (۷۸) معتقد است.

که وی در یوجین (Ujjain) مثلیکه بهوماکا (Bhamaka) و در کاپتاوار بود همراه با نهاپنه یکجا نائب السلطنه بوده است.

اولد نبورگ (Oldenburg) (۷۹) و برگریس (Burgress) (۸۰) چشتنه را کشاترا پای گوتامی پوترا ساتاکارنی (Gautami Putra Satakarni) میدانند تاجائیکه بنظریه اند راجی تعلق میگیرد برآن چیزی گفتنی نداریم برای اینکه درباره روابط آن دو (نهاپنه وچشتنه) اصلا چیزی نگفته است. ونظریه فلیت به هیچ وجه قانع کننده نیست. این از احتمال دور است که یك نایب السلطنه عین القابی را خود بکار برد که سلطان وفرمانروای او آنرا بکار میبرد.

هردو نهاپنه وچشتنه دراول کشاتراپاها وبعد ترمها کشاتراپاها بوده اند. اینکه هردو یکنوع القاب را برگزیده اند مشکل است یکی را بدیگری از لحاظ مقام ومنزلت برتر بدانیم وتاجائیکه بنظریه سوم یعنی از اولد نبورگ وبا گریس تعلق میگیرد، نوشته های یونانی وخروشتی چشتنه برروی مسکوکات او نمایانگر قلمرو حکمرانی او در نواحی شمال که چنین رسم الخط ها در انجام معمول ومروج بوده میبا شد.

اپسن (۸۱) وسمت (۸۲) خاطر نشان میکنند که او (چشتنه) یك کشاترا پای کدام سلطان کوشانی که از آن نام نمی برد بوده است.

روابط بین چشتنه ونهاپنه یعنی فرمانروای مشترك آنها غالباً ویماکادفیزس واسیتوان تابه اسلاف آنها رسانید.

بهوما کاپدر نهاپنه القاب کشاهاراتا کشاتراپا (۸۳) را بکار میبرد حال آنکه بر روی مسکوکات نهاپنه به القاب راجان کشاهاراتا وبر روی کتیبه سال ۴۲ به القاب (راجان کشاهارا

تا کشاترا پا) ودر کتیبه سال ۶۳ (۸۴) به القاب راجان مها-کشاترا پا سوامی (Svami) نامیده شده است. چنین استنباط میگردد که نهاپنه نسبت به پدر خود بهومالی که وی شخصی نخستین از آن دودمان تا کنون شناخته شده کمی مستقل تر بوده است واز طرف دیگر چشتنه پسریسا موتیکا (Ysamotika) میباشد کلمه میسا موریشه ساکی داردو بمعنی زمین است. ستین کنو (۸۵) با سیلون یوی (۸۶) که روی یسامو تیسکارا با بهوما کا یکی میداند همنو است چنین پنداشته میشود که میسا موتیکا بهوماکا نخستین کشاترا پا است که بعداز فتح سجدد توسط ویماکاد فیزس گماشته شده است.

ما درین مورد باستین کنوو سیلون یوی موافق نیستیم که آنها موتیکا را با بهوما کا یکی میدانند زیرا کتیبه بالاسری (Balasri) (۸۷) ازساکا یاوانا پهلوا Saka-Yavana- Pahlavac گپ میزند و کشاهارا تارا چهار واحد جداگانه سیاسی میداند وغالباً چنین استنباط میگردد که چشتنه ونهاپنه تحت اثر کدام فرمانروای کوشانی غالباً ویما کاد فیزس بوده باشد (۸۸) یك نکته دیگری هم هست که ایجاب توضیح مزید مینماید اگر نهاو چشتنه که اسناد آنها بترتیب ۴۲ - ۴۴ - ۴۶ - ۵۲ تاریخ گذاری شده اند تیوادارن ویما کاد فیزس بوده اند آیاما میتوانیم که سال اول این اسناد رابه تاریخ فتح سند (Shen—ten) توسط ویما کاد فیزس به عقب ببریم.

ونیز اگرکجولا کاد فیزس بعمر (۸۰) سالگی مرده باشد این غیر ممکن نیست که اوپسر وجانشین خود رایعنی ویما کاد فیزس رایك

جوانی بعمر ۵۳ سالگی پشت سرگذاشته وأونیز درحدود کمی بیشتر از ۳۰ سال فرمانروائی کرده باشد .

قدرت و نفوذ فرمانروا روی به کاهش بود این واقعیت ازین استنباط میشود که این هردوکشاتراپاها (نایب الحکومه ها) القاب شاهنداوی چون(راجان)را برای خود بکار برده اند .

بگمان غالب چنین بوده که ویماکاد فیزس درابتدا برسرزمین های مفتوحه یکنفر نایب الحکومه ویا نایب السلطنه واگماشته بود چون پسانها سرزمین های وسیعتر وبیشتری درحیطه قدرت اودرامد دامپراتوری اوخیلی وسیع گردید ازین رهگذر ضرورت احساس شد که یك نایب دیگر ویا نایب السلطنه دیگری نیز گماشته شود . ودرحقیقت نایب دیگر عبارت بود ازهمین سوتر - میگاس که بعدأ اورا خواهیم شناخت .

امپراتوری ویماکاد فیزس وسوترمیگاس :

چنین معلوم میشود که ویماکاد فیزس برای یك مدت درازی سلطنت کرده است آن دانشمند انیکه کانیشکا را موسس عهد ساکا میدانند میکوشند ویماکاد فیزس را بین سالهای ۶۴ و ۷۸ م قرار دهند . ولی واقعیت امر اینست که حکومت وی ازسال ۷۸ م آغاز وتابه سال ۱۲۰ م یعنی برای یك مدت کمی بیشتر از ۴۰ سال دوام نموده است . ونهاپنه وچشتنه البته بقدرت بیشتر بحیث نایبان او درقلمرو جنوب غربی هند وسوترمیگاس بحیث نایب او درقسمت های هند شمالی امپراتوری بوده اند .

توسعه امپراتوری ویماکاد فیزس تا بهمدیا دیسا (Madhyadesa)

ازسکوکاتی پیدا است که بعداً ندازه فراوانی از نقاط بسار (Basarh) بهیتا (Bhita) وکاسیا (Kasia) (۸۹) کشف گردیده است.

مجسمه نشسته امپراتور کوشانی (کوشاناپوترا) درماتهورا (Mathura) که واماتاکشاما (Vamatakshama) نامیده شده بقرار نظریهٔ جایاسوال (Jayaswal) (۹۰) متعلق به ویماکاد فیزس میباشد وی (جایاسوال) کلمه کوشانا را رسم خاص برای سلطان اولی کوشانی (کجولاکاد فیزس) پنداشته است. گرچه ماشاید بانظر دانشمند هند (جایاسوال) موافق نباشیم ولی توسعهٔ امپراتوری ویماکاد فیزس راتا متهورا وحتی تا به سرنات می پذیریم باوجوداینکه سکوکات از ناحیه بسار (Basarh) درمظفر پور هم کشف شده اند.

بگمان غالب او برای قسمتی از امپراتوری خود نایبی مقرر کرده است. نام این نایب در هیچ جایی ذکر نشده است وممکن است سوترمیگاس بوده باشد که سکوکات اوبه پیمانه وسیع از پنجاب و گندهارا و نواحی کابل ودر شرق تا به ماتهورا پیدا شده است (۹۱) بقرار نظریه‌ٔ پسن (۹۲) این سکوکات یکسمبولی دارند که از خصوصیت های سکوکات ویماکاد فیزس میباشد و بدون شك در یك وقتی اینها با هم ارتباط داشته اند.

وایت هید (Whitehead) (۹۳) نیز باین واقعیت متوجه شده است که میگوید این سکوکات بتعداد خیلی زیاد و از یك ناحیه وی خیلی وسیع که از پشاور تاماتهورا امتداد داشته بدست آمده اند وحاکی از یك دوره طولانی و پر قدرت فرمانروا بوده است. بقرار نظریه وایت هید طرح سکوکات و آنهم تنها بر روی مس ونداشتن شکل

چهار گوشه دلالت بدوران فتوحات کوشانیها میکند وسوترمیگاس را معاصر یکی از کاه فیزس های فرمانروا میسازد دانشمند مذکور خاطر نشان میکند که این مسکوکات از طرف بیش از یك فرمانروا انتشار یافته وانواع مختلف آنها از نواحی متخلف نمایندگی میکنند. وشاید که چنین حکمروایان تابع یك فرمانروای بزرگ بوده باشند.

ستین کنو (۹۵) نظریه وایت هید را تائید میکند وبا کننگهم درین مورد که او حرف وی را برای بعضی مسکوکات حروف اولی نام حکمروا مید اند موافق است وبنا برین حرف VI غالباً نمایانگر نام ویما کاد فزیس است. مارشال (۹۶) معتقد است آن مسکوکا تیکه حروف VI دارند دلالت بر این میکنند که در دوران فرمانروائی ویما کاد فیزس انتشار یافته اند.

روابط بین این کادفیزس دوم امپراتور وآن حکمروای بی نام از طرف دانشمندان (۹۷) براساس نزدیکی با همي مسکوکات آنها واز طبقا تیکه آنها بدست آمده اند پذیرفته شده است. خصوصیات مشترك بین هر دو نوع مسکوکات دیده میشود وآن عبارت اند از استعمال لقب بر روی سکه به یونانی.

در یك نمونه دیگر منحصر بفرد که مورد توجه کننگهم قرار گرفته (۹۸) عبارت است از دوسر بر یك تنه با علایم مختصهٔ ویما کاد فیزس و پادشاه بی نام واز آن چنین برمیآید که آن دو نفر ضرور باید معاصر همدیگر بوده باشند وبه نحوی از انحا با یکدیگر روابط داشته اند. مثلا یکی از آنها ممکن فرما نروا بوده ودیگري نایب

او ویا یکی از آنها تابع ودیگری مغلوب بوده اند وهمین شخصی مغلوب پسا نها بحیث وابسته وما دون او قرار گرفته باشد در ارتباط باین موضوع دو کتیبهٔ برهمی که از مقام متهورا بدست آمده قابل ملاحظه پنداشته میشود .

لودرز (Luders. H.) دریك مقاله خود بنام «عهد مهاراجا و راجاتی راجا» که درد . ر . بهندرکار طبع کرده بود به دو کتیبه اشاره میکند که سنه آنها ۲۷۰ و ۲۹۲ یا ۲۹۹ تاریخ گذاری شده و اولی ازمقام گردهارپور (Girdharpur) ودومی از مقام کنکالی تیلا (Kankali Tila) بدست آمده اند .

مطابق نظریه همین پروفیسور فقید جرمنی (لودرز) در متهورا پارتها می زیستند ودرعهد زمامداری کشترا پاها از آنجا مهاجرت کردند گرچه بمذهب جاینیزم (Jainism) گرائیده اند ولی عنعنات وطن اصلی خود را حفظ کردند . این حکمروای بی نام او کتیبه متهورا معلوم میشود که جانشین ویما کادفیزس دریك وقتی شده باشد درحالیکه سوتر میکاس طوریکه از مسکوکات او بر میآید ممکن حتی بعد از ویما کادفیزس نیز زنده بوده است .

بنا بر این مشکل خواهد بود که آن دو یعنی حکمروای کتیبه واز مسکوکات یکی پنداشته شود .

مگر بگمان غالب حکمروای دومی پسروجانشین حکمروای اولی است که مطابق عنعنه فامیلی بطور یکه ازدو سند خروشتی بر میآید ناشناس مانده است موافقه کرده که به سلطان کوشانی بعد از فتوحات

او درهند شمالی مطیع وفرمانبردار بماند.

سوترمیکاس حکمروای بی نام برای اینکه مسکوکات انتشارده ازآزادی تامی برخوردار بوده است.

وی در طرح مسکوکات ازمطاع خود پیروی کرده وحرف vi که در مسکوکات اودیده میشود حاکی ازاینست که ازویما کادفیزس فرمانبرداری میکرده است. واین وضع تابه اخیر زندگی مطاع اودوام کرده و بعد از مرگ او آهنگ استقلال تام نموده است. واین واقعیت ازیك عده مسکوکات او که عاری از حرف (وی- vi) اند بر میاید. چنین معلوم میگردد که بین ویما کادفیزس و کانیشکا یك خلای به فاصله چند ین سال حتما وجود داشته است. که در طی آن حکمرانان محلی در نقاط مختلف امپراتوری کوشانی آهنگ استقلال تام نموده وغالبا که هرکدام آنها کوشیده است موقعیت وموقف خود را در ناحیه ایکه قبلا بر آن حکمروائی میکرده مضبوط ومستحکم نموده ودر پهلوی آن برنواحی دیگر امپراتوری فرمانروای شاندست یابند و قلمرو خود را توسعه دهند.

ویما کادفیزس و روابط او باچین وروم:

امپراتوری کوشانی درعهد ویما کادفیزس خیلی وسیع بوده واز بنارس درشرق تابه سرحدات پارتها در غرب امتداد داشته و بنا بقول ونسنت اسمت(...) تمام افغانستان، ترکستان بخارا و قسمتی از ترکستان روسی رادربر میگرفت. وبنا براین یك امر طبیعی بود که این فرمانروای کوشانی بایست باورومنی ها وچینائی ها روابط سیاسی

وتجارتی داشته باشد بقرار قول دیون کاسیوس (Dion Cassius)(۱۰۱) سفیران زیادی بدربار اگوست (Augurtus) می‌آمدند و هندیها که قبلا خواستار یک قرارداد دوستی و همبستگی شده بودند حالا توسط تحفه های خود که شامل پلنگ حیوانیکه رومن ها برای نخستین بار بچشم سر مشاهده میکردند جامه عمل پوشانیدند .

فلوروس (Florus) که درعهد تراجان (Trojan ۹۸-۱۱۷م) مینوشت درباره تعداد زیاد سفیران بزرگیکه بروم وارد میشدند خصوصا ازورود سفارت هندیها صحبت میکند(۱۰۲)روابط تجارتی بر روابط سیاسی علاوه گردیده بود. ویماکادفیزس نخستین فرمانروای کوشانی است که مسکوکات طلائی را بمنظور سهولت در در مبادلات تجارتی انتشار داده است. ووزن معیاری رومی (اوری- AUREI که ۱۲۴ نخود میشد(۱۰۳) اتخاذ نموده بود پلینی (Fliny) (۱۰۴) نیز در طول سالهای متمادی از ریختن وسرازیر شدن مسکوکات رومی در هند صحبت میکند ودر مورد روابط هند وروم بیشتر ازین چیزی نمیدانیم .

باچنین روابطویماکادفیزس چندان خوش آیند نبوده است . تنها جم موفقانه جنرال پان-چاو (Pan—Chao) در آسیای مرکزی وموفقیت های ویماکادفیزس درهند شمالی برا شتیاق و خواسته های آنها افزودو احتمال تصادم بین کوشانیها و چینائیها غالباً قویتر میشد جنرال پان-چاو لشکر خود را از یک جا بجای دیگر

فا تحا نه رهبري میکرد وبقول د و گلاس (Dogulas) (١٠٥) بیر ق کشور خو درا تا بسو احل کسپین پیش بر د .

پا د شاه ختن د ر سا ل (٧٣ م) مطیع سا خته شد و به تعقیب آ ن چند ین شهزا ده دیگر تسلیم گرد یدند. وکنارهای جنو بی د شت را برروی قوای نظا می وتجا رتی چین با ز نمو د وبا اشغا ل کو چه (Kucha) وقره شهر (Karashahr) سر ک شما لی ا فتتاح گردید. این طبعا موجبات تشویش کاد فیزس فر ما نر وا ی کو شا نی را که میخو است شهزا د ه خا نم چینا ئی را به عقد نکاح خود د ر آورد و سر انجام ازطرف جنر ال پا ن-چاوسفیری که برای خوا ستگا ر ی فر ستا ده شده بو د با ز د اشت گر د ید فر اهم میکرد .

فرما نروا ی کو شا نی یک لشکر بز ر گی رامرکب از هفتا د هز ار سو ار تحت رهبر ی سی(= Si)نا یب السلطنه خود بهماوراء کو ه ها ی خو نک لنگ (Tsung—Ling) یا پا میر تا غدو مبا ش (Taghdumbash) بر ا ی حمله بر خا ک چین فر ستا د ه لشکر کوشا نی در اثنایعبور از کوه ها ی صعب العبور متحمل خسا ر ا ت زیا د جا نیوما لیشد ه و از هم متلاشی گر دید ومیدان نبردرا به نفع جنرال پا ن-چاو با خت وسرا نجام فرما نروا ی کو شانی (ویما کا د فیز س) مجبور به پر دا خت باج وخراج گر دید . (١٠٦)

تا ریخچه ها ی دود ما ن بعد ی ها ن ازو رو د هیات ها ئیکه برای تقدیم باج وخراج درآ نعهد آ مد بود ند ثبت کرد ه ا ست.

این ا ها نت درحق فر ما نروای کوشا نی ا زطر ف کا نیشکا جبران

گردید که او یکی از حکمرانان تحت اثر امپراتور چین را در آسیای مرکزی شکست داده وطوریکه هیون تسنگ گزارش میدهد پسران او را بطور یرغمل گرفت و نزد خود نگهداشت (۱۰۷) شواهد یکه برروابط هند و چین روشنی می اندازند گرچه یکجا نبوده ولی قابل تذکر است.

نوواردها در سلسله دودمان کوشانیها :

مرگ ویما کادفیزس غالبا چیزی بیشتر و یا کمتر از سال ۱۲۰ م اتفاق افتاده است. اگر کتیبه کپلا تسی (درانداخ) با و نسبت داده شود پس او برای یک یا دو سال دیگر بزندگی خود ادامه داده است. و گمان نمی رود که او جانشینی از خود باقی گذاشته باشد. تحلیل کتیبه شناسی و سکه شناسی شواهد تاریخچه های چینائی را تائید میکنند

پروفیسور لوهویزن دی لیور (۱۰۸) اظهار عقیده میکنند آنجهو نیکا (بعضی مسکوکات او را زیونیزس (Zeionises) نوشته اند که کتیبه سال ۱۹۱ و مسکوکات او از تاکسیلا بدست آمده برادرزاده وجانشین او بود.

قسمت آخر بیان فوق شاید درست باشد ولی قسمت دیگر آن متکی به شواهد غیر قاطع بوده که ما پسان در باره موقعیت جهو نیکا بتفصیل سخن خواهیم گفت.

چنین معلوم میشود که مرگ ویما کادفیزس یك ابلا غیه بود برای کشا تراپاها در شمال وجنوب غربی و قسمت های مرکزی هند که استقلال خود را اعلان کنند در جنوب غرب همین کار شاید قبلا انجام

یافته بود و در شمال زیونیس یا جیهو نیکا منتظر مرگ و یما کاد فیزس نشسته بود. بر روی مسکوکات او لقب (راجان) دیده میشود و این گواه بر این است که وی خود را مستقل پندا شته بود.

تزلزل امپراتوری کوشانیها در ین مرحله تمایل تجزیه طلبان را قوت و شدت بخشید.

کشاتراپا های ساکای هند و ستان غربی مجبور بودند. که در تصادم با اندهارا ها (Andhras) بزور بازوی خود متکی باشند.

اینکه در کتیبه های اندهو (Andhau) وجوناگر (Junagarh) از کدام فرمانروای کوشانی ذکری نرفته و نیز اینکه رادراد امان (Rudradaman) بغرور تمام میگوید که چگونه وی به زور بازوی خود بمقام مهاکشتراپا Mahakshtrapa namana Svayam = adhigata— رسیده دال بر اینست که کوشانیها انضباط و نفوذ خود را در هند شمالی بعد از ویما کاد فیزس و پیش از کانیشکا از دست داده بودند.

جهو نیکا درسال ۱۹۱ -۱۳۳ م در تاکسیلا حکم میراند. متن کتیبه (۱۱۰) چنین آغاز میگردد:

(Maharja "Ka ۱۱۰۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۱

(Bhra) ta mah (ni) gula) asa putrasa Jihonikasa

این کتیبه که بر یك ظرف نقره ئی نقش بسته درسال ۷-۱۹۲۶ از طرف مارشال در طی کاوشهای او از مقام سرکپ Sirkop بدست آمده است.

پروفیسو لوهویز-دی- لیوو (۱۱۱) معتقد است که ظرف مذکور طوریکه از استعمال حالت اضافی در کتیبه بر میآید از طرف جهو نیکا

بکدام حکمروا اطلاق گردیده است. وحکمروا عبارت از همان (مهاراجا راجا تی راجا) بوده است و ستین کنو آن حکمروا را شخصی میداند که بعد ازمرگ ویما کادفیزس عرض وجود نموده است .
(۱۱۲) ومقام وموقعیت آن شبیه موقعیت کسی بود که بعدازمرگ موگا ((Moga بمیان آمده ولی کاملا بها ی زیادی نصیب او نشده بود .

بقرار نظریه ایسن (۱۱۳) کجولا کره کادفیزس معلوم میشود که بعدازساتراپ زیونیزس در سلطنت پشکلا واتی (Pushkalavati) یعنی پشاور جانشین اوگردیده است. وآن حکمروا شاید که معاصر ویما کادفیزس بوده باشد .
وایت هید (۱۱۴) جهونیکا را متعلق به دودمان گاندوفرنس میپندارد و بنا بر این یك پاتی است مین لوهو یزن دی یو (۱۱۵) جهونیکا را پسر مانیگولا (Manigula) که برادرمهاراجا راجا تی راجا بود میداند و بدین نحو جهونیکا وارث احتمالی ویما کادفیزس پنداشته میشود. میرمن مذکور میگوید که محمدقاسم فرشته در مقدمهٔ تاریخ خود (۱۱۶) وهمچنان مجمع التواریخ نیز این موضوع واتائید نموده اند .

ولی ما متن کتیبه راخیلی مشکوك و مغشوش یافتیم و تنها چیزیکه میتوانیم بگوئیم اینست که جهونیکا بکدام دودمان سلطنتی ای تعلق داشته است .

کلمه اول در (مهاراجا)واضح است واین منطقی نخواهد بود که

ما بروی این اسناد یکه پیش ازیك هزار سال بعد بمیان آمده اند نظریه ایکه غیر قطعی است قایم نما ئیم و باید بگوئیم که یك خلای چندین ساله شاید یك ده ویا بیشتر از آن وجود داشته که در طی آن کدام حکمروای مقتدری که برصحنه سیاسی هندرولی بازی کرده باشد نبوده است .

عوامل تضعیف قدرت سیاسی به پیمانهٔ وسیع دست اندرکار بوده است . ساترا پهایکه یك وقت فرما نبردا رویما کادفیزس بودند بعد از او مستقل گردیده بودند . زیرویمزس از تاکسیلا غالباً شیوا سینا (Sivasena) ی ابهی سارا (Abhisara) (۱۱۸)وسوتر میگاس درمتر او کشاترا پا های ساکا در هند غربی از فامیل های چشتنه وروددرادامن هر کدام بهرای وراه خود میرفتند و چنین پنداشته میشود که کوشانیها در تاکسیلا منتظر وروخویشاوندان خودازتر کستان بهـ رهبری کانیشکا بوده اند . وبدین نحویك باردیگر تمایلات تجزیه طلبانه و استقلال خواهانه درهندعرض وجود میکند و آهنگ اوج میگیرد و بنا برین مرحله اول از تاریخ کوشانیها چنین بسر میرسد وفصل دیگرما بهتاسیس امپراتوری جدید کوشانیها بهرهبری کانیشکا وقف گردیده است .



یادداشت‌های این فصل

۱ ـ نظریات این هردو دانشمند در جوانان « رایل ایشیاتیک سوسیایتی » (۱۹۱۳م) بمشاهده میرسد . فلیت طوریکه یك وقت کننگهم نیز معتقد بوده میگوید که کانیشکا سلطنت خود را در (۵۸) ق‌م آغاز وعهدی بنام (ویکراما) را افتتاح کرده است (Ibid P. 914)

نظریهٔ کنیدی که در اثرخود بنام « مطالعهٔ هیلینیزم درشرق » ارائه نموده در ین مورد که کانیشکا بایست درقرن‌اول ق . م قرارداده شود موجب قناعت ما گردید . ماعموماً در ین مورد که ویما کادفیزس در حدود سالهای (۷۰و۵۰) دراوج قدرت خود بود . و بعداز فاصلهٔ سهٔ صد ساله کانیشکا ضرور باید روی‌کارآمده باشد موافق میباشم (JRAS ۱۹۱۳،۹۳۲) .

نظریهٔ سابق و فراموش شده که کانیشکا را مؤسس عهدویکراما ـ ساموات میدانست کنیدی وفلیت آنراتائید میکرد باردیگر آزادی محاسبه استرونومیکی توسط موکرجی (D. N. Mukherji) احیاً گردید . (I.C.I. 1935 p. 477) ما این نکته رادرفصل دیگر تحت

عنوان کانیشکا بررسی خواهیم کرد .

۲ـ طبقه بندی آرکیالوجیکی در تاکسیلا نشان میدهد که کوشانیها متصلا جانشین دودمان گودوهاراها (Gudavharas) شده اند واین یك واقعیتی است که کتیبه های خروشتی نیز با آنها همنوائی دارد وآنها را تائید میکند . سوری شدن حکمروائی پهلواها درکندهارای شرقی تکشاسیلا (Takshsila) توسط ۱۲ سکهٔ کوچك نقره ئی که در یك مرتبان گلین جادا ده شده بود وسرجان مارشال آنرا از مقام سرکپ از توده های خاك بیرون آورده خوبتر درك شده میتواند سکه ها به چهار دسته یی از هم متمایز تقسیم میشود که روی آن به عهد یکاروس و و یماکادفیزس تعلق میگیرد(۵۸۰ CHT. Vol. Ip .... سرجان مارشال نتایج تمام مسکوکات یافت شده را فهرست وار میدهد (ASI An. 1928 P. 64) .

۳ ـ هوـهان ـ شو یا تاریخچه های هانهای بعدی توسط فان‌ـیی (Fan—Ye)(وفات ۴۴۵ م) نوشته شده است او میگوید « نوتها یکه پان که (Pan—ku) بر طرز و ترکیب ممالك مختلفه غربی نگاشته در کتاب هان های قدیم خیلی مفصل است حالا من چیزی را که انتخاب نموده ام واقعاتیست که در عهد کین‌ـ وو (Kien—wu) (۲۵‌ـ۵۵م)ویا بعد تر بوقوع پیوسته اند وبا آنچه که قبلا گفته شده فرق دارد ومن فصلها یکه برممالك غربی نوشته شده اند و یا تمام واقعیت ها یکه در اخیر عهد امپراطوری نگام (Nagam) ازطرف پان ینگك (Pan—Yung) (۱۰۷ ‌ـ ۱۲۵ م) نقل کرده مقایسه

کرده ام ».

این تاریخچه ها ویا سالنامه ها توسط چاوانس (M. Chavaunes) ترجمه شده اند.

(Tourg — Pao. 11, Viii, pp. 187 ff. quoted from carpus Vol. II (1) P. L.r).

۴ - کتیبه (تخت باهی) که در سال ۱۰۳ تاریخ گذاری شده است از ایرجهوناکاپا (Erijhunakapa) ذکر میکند (۱۵ ۷۰ ۶ P II c) بقرار نظریه اپسن هرسیلاب این نوشته ایجاب سوالی را میکند ودر چنین حالات این مشکل است که شهزاده کاپا را یك موجود خیالی ندانیم. بدین نحو درین سند گندوفرنس درمورد کجولا کادفیزس هرنوع اشاره از بین میرود (JRAS. Jan. 1935 p. 195) اسناد دیگر عبارت اند از کتیبه پنجر (CII pp. 67 ff) وکتیبه طومار نقره ئی تاکسیلا (Ibid. pp. 70 ff) که بترتیب سال ۱۲۲ و ۱۳۶ تاریخ گذاری شده اند.

۵ - وایت هید (کتلاك مسکوکات درموزیم پنجاب) جلد اول و گاردنر «کتلاك سلاطین یونانی وسیتی در برتیش موزیم»

۶ - بقرار نظریهٔ هرث (Hirth) (ان - سی) از لقطهٔ نظر فیلالوجی درست است اگر باانتی اوش Antioch یعنی مرو یکی پنداشته شود.

(An. Si) اینکه نام آن‌سی (Dikshit, ABORI. XXVIII P. 134 انتیوش بود یاارسوك Arsok خیلی مورد بحث قرار گرفته است. بقرار نظریه تارن تمام ممالك درین راپور عبارت ازنام مردمان

بوده است وکدام دلیلی وجود ندارد که فرض شود دریك مورد نام یك پادشاه استعمال شده است خصوصاً که راپور راجع به ارستوکراسی پارتیها چیزی نمیداند .

در نزد پان‌کوان = سی‌اصلاً عبارت بود از انتی‌اوس = مرو وپارتین معنی‌ایست که آز ان منشاء گرفته است واین توسط مرو تائید میشود . مو- لو Mou—Lou درهو-هان شوان-سی کوچك پنداشته شده Tarn P. 281. Chavannes, Toung Pao, VIII P. 177) پوتا pu-ta به شکل پوك - دات Puk-d-at تلفظ شده است . در عهد تانگ Tang نوتهای کارلگرین Karlgren ۶۵ ۹-۰ ۷۶) تا هنوز شناخته نشده است .

تا جاییکه به کی - پن تعلق میگیرد اپسن میگوید این اصطلاح جغرافیائی از طرف نویسندگان چینایی به مفاهیم مختلف بکار برده شده است (Chip p. 565) لیوی خیلی پیش چنین نتیجه یی را استنباط نموده است JA 1915, P. 162 که چینائی ها در کی- پن خودشان کاپیسا و کشمیر را باهم خلط کرده اند . تارن اظهار عقیده میکند که شامل کاپیسا وکشمیر میشد ولی چینائی ها این کلمه را خیلی پیشتر از دورهٔ کوشانی میشناختند وبرای خود پان- کو(کی- پن) به معنی قلمرو ساکا در هند بوده است . مراجعه شود به «ساکستان» از هرز فیلد Herzfeld صفحه ۳۲

پان - کو نام کی - پن کابل زمین را به سلطنت ساکا Saca انتقال داده وبرای کابل نام کاو- فو Kao—fu, Kau—Phou, Ko-ha را بکاربرده وبه غلط این ناحیه را یکی از قلمروها یا به فوهای پنجگانه

یوچیها پنداشته است هوهان- شو باین اشتباه او اشاره کرده است
. (Tarn. Op. cit p. 473 n)

۷ - تعلق کپه Kapa یا کجولا کادفیزس با گاندوفرنس بر همین سند است که بیانات آن طوریکه قبلاً بآن اشاره شد مورد سوال قرار گرفته است (Rapson—JRAS) (1932, pp. 188—190

بقرار قول س-ك-دکشت ((S. K. Dikshit)) دو کتیبه سالهای ۱۰۳ و ۱۲۲ (چون هرد و از مها راجا (Maharaya) ذکر میکنند این را ممکن میسازد که گودووها را (Guduvhara) و گوشانا (Gushana) متعلق بیك ویه همان دودمان پنداشته شود (۱۲۸ (ABORI. xxxiii P. 128) این نظریه جانشین های گاندوفرنس را طوریکه از تاریخچه های چینائی هم برمیآید نادیده میگیرد. بنابر آن این مشکل است که حضور کجولا کادفیزس در دربار گاندوفرنس تشریح و توضیح گردد.

اگرما تعبیر کلمه ای اپرجونا کپه ((Erjhuna Kapa) را از زبان کنوپذیرفته باشیم.

سال ۲۹ شاید که سال سلطنت مهاراجا گودووها را با بعضی ازدوره های شناخته ناشده بوده باشد.

۸- (CII. P. 67) این کتیبه برای نخستین بار از طرف کننگهم بچاپ رسید (JASB.XXiii, 1854, P. 705 - با ردیگر از طرف داسن (Dowson) نشرشد و مورد بحث ومطالعه قرار گرفت. ۲۳۳-۲۴۲ (JRAS. XX 1868 PP.) و از طرف توماس E. Thomas مورد توجه قرار گرفته و ارائه شده

است (JRAS, new series, IX, 1877. P. 9)

و نیز این کتیبه طرف مراجعه سمت وسنارت (Senart) و بوهلر (Buhler) و بانرجی و فلیت و هولسین (Holsein) و کنو ر قرار گرفته است .

کلمه ء کوشانا سا را بحیث حالت اضافی مفرد کوشانا پنداشتن خیلی دلچسپ است . این کلمه درسنگ نوشته مانیکیالا سال ۸ راجا کانیشکا نیز تذکار یافته است .

داندانایاکا لالا (Dandanayaka Lala) به کوشانا و انش مواد هاکا (Gushanvusas mvardhaka) « ازدیاد بخشا پنده خاندان کوشانا یا کوشان » تعبیر شده است و (لالا) غالبا که یك شاخچه یی ازنژاد کوشانیها بوده باشد .

بصطوما رنقره ای که این کتیبه خروشتی را در بردارد براثر کاوشهای مارشال در تاکسیلا ازتهء چیر (Chir) متعلق به یکی از دهلیزهای غربی ستوپه بیی دهارمارجیکا (Dharmarajika) کشف شده است .

این کتیبه ازطرف مارشال بچاپ رسیده است . و ازطرف توماس ـ فلیت بهندر کاروولنر (Woolner) چند ادب (Deb) ایسن واووا تعبیرهای مختلفی ازآن شده است .

موقعیت جائیکه این کتیبه ازآنجا پیدا شده وتاریخ گذاری ایکه برآن نقش بسته اینکه به حکمروا کادفیزس غالبا کجو لا نسبت داده شده بطور قطع پذیرفته شده است گرچه بعضی ها آنرا به ویما کاد

فیزس نسبت داده اند .

• و یک مطالعه جامعی از مسکوکات هرمایوس - کجولا کادفیزس ها که خیلی به سویه پائین بوده بدو حصه طبقه بندی میشود . دسته اول برای خود مجسمه نیم تنه هرمایوس و تاج شاهی دارد و با خطوط یونانی که اکثراً مغشوش گردیده کلمات بازیلیوس سو تیروس هرمایوس (Basileos Soteros Hermaeus) نگاشته شده است .

و عقب سکه دارای چهرهٔ هرکویس بوده که در دستانش گرز و پوست شیر قرار دارد و بخط خروشتی کجو لا کاسا سا کوشانا یاووگاسا (Kujula Kasasa Kushana Yavugasa) نوشته شده است . این دسته از مسکوکات شکل چهارگوشه دارند . . .

دسته دوم بروی خود مجسمه نیم تنه هرمایوس وتاج شاهی دارد و کلمات کجولا- کادفیزس کوشان (Kujula Kadphises Kushan با رسم الخط یونانی معمولا از هم گسیخته و قطع شده و غیر خوانا بر آن نوشته شده است ودرعقب این دسته از مسکوکات عین آن چیزی نوشته شده که در دسته اول مسکوکات دیده میشود

و دسته سوم شامل مسکوکات مسی عجیب و غریب دیگر دد .
این نوع مسکوکات برای خود مجسمه نیم تنه هرمایوس را با خطوط یونانی دارد وشبیه دسته اول میباشد وبرعقب آن نایکک (Nike) با حلقهٔ گل در دست او بخط خروشتی کلمات مهاراجاس راجا راجاسا مهاتاسا - هرمایاسا (Maharajas Rajarajasa Mahatasa Hermayasa) نقش بسته است .

مسکوکات هرمایوس که از مقام سرکپ بدست آمده مارشال آنرا به سه دسته تقسیم میکند از قبیل:

(۱) ۲۸ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه و زیوس (Zeus) بر تخت نشسته دارد.

(۲) دو عدد آن تقلید خشنی است از نوع قبلی.

(۳) ۲۶۳ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه و نایکه را دارد.

مارشال میگوید که دسته اول بدون شک از طرف خود هرمایوس انتشار یافته اند. دسته دوم شاید که از طرف کدام تقلب کاری ساخته شده باشد. و تا جائیکه بدسته سوم ارتباط میگیرد تارن آنرا به کجولا کادفیزس نسبت میدهد وآنها را از نوعی مسکوکات پروپاگندی میپندارد.

بچهوفر (Bachhofer) میگوید که این نوع متعلق به روز های آخر هرمایوس بوده که وی را به شکل یک مرد سالخورده نشان میدهد (JAOS. Dec. 1941) قرار نظریه مارشال هیچ کدام ازین نظریات درست نیست. زیرا طرح وساختمان و نقاط دریافت ومتعلقات این مسکوکات همه نمایانگر اینست که آنها از طرف زمامدار یکه یا ساکی ویا پارتی بوده ودرپاروپامیزاد بعد از هرمایوس رویکار آمده انتشار یافته است.

(JRAS April, 1947, P. 25)

Cambridg e Shorter History of India, 1934, P. 47.

(The Scythian Period PP.FF)

۱۲ - پرابلم های دوره ها در تالیف و بطور مفصل مورد بحث قرارگرفته است وما قبلاً بآن اشاره کرده ایم و اکنون بطورعمومی پذیرفته شده که اسناد خروشتی درسنه ۸۰ (۵۸ ق.م) تاریخ گذاری شده و بنام عهد ویکرا ما شناخته شده است.

Tarn Op. cit P. 348
Konow JRAS. 1932, PP.1950—2;
JIH. Xii, 1933th, pp. IFF.

مارشال وا پسن معتقد اند که این عهدعبارت است ازعهد ازیس (Azes)
. (CII. PP. 70—1)

۱۳ - این مفکوره نخست از بایر (Boyer) طرح ومورد بحث و مداقه قرار گرفته است و از طرف بهندر کار تعقیب شده .

۱۴ The Aya months. JBORS, Vol. 23, 1937, PP. 261 FF.

۱۵ - (CII. P. Xi) در بارهٔ تعبیر های مختلف به ایاسا (Ayasa) حالت اضافی از یس (Azes) مارشال مراجعه شود .

ASIAR. 1912—13 PP. 23ff

JRAS 1914. PP. 973FF

ر، پ، چندا (R.P. Chanda) وستون کنوهر دونظریهٔ مارشال را پذیرفته اند .

وفلیت این کلمه را به آسیا (Asya) معنی میکند .

قبلا او اظهار نموده بود که آیا سا یك شکلی از اشادها (Ashadha) که نام یك ماه است میباشد دیو (Deo) اظهار عقیده میکند که این کلمه عبارت است از اما نتا (Amanta) (IHQ. XIV P.411 FF)

۱۶ - (Op. Cit. P. 50) خانم اوهویزن معتقد است، عهد یکی از کتیبه های قبل از کانیشکا در شمال غربی هند بکار برده شده در آنها فتح با ختر ثبت گردیده است .

۱۷ - (Re. No. 12) .

۱۸ - تعبیر آن که از طرف ستین کنو صورت گرفته از طرف اپسن دودسوال واقع شده است (OP. Cit. ref. 7) .

۱۹ - سنگ نوشته مانیکیا لا کلمهٔ لالا (Lala) را عبارت از گوشانا واساسام وردهاکا (Gushana Vasa Samvardhaka) دیده اند (Cll P. 145 FF) .

۲۰ - CII, 79FF تعبیر و تفسیر کنو از ین سند نیز از طرف اپسن دوردسوال قرار گرفته است یگانه چیزیکه فعلا باید گفته شود این است که تعبیر و تفسیر واستنباط پروفیسور کنو از یقین خیلی دور بوده و اینکه او این مهاراجا راعبارت از ویما کدفیزس دیده اند از واقعیت خیلی فاصله دارد (JRAS. Jan. 1930, P. 191) .

۲۱ (CLL PP. 81 FF)

۲۲ - مراجعه کنید به نوت نمبر (۹) .

۲۳ - گاردنر (BMC. P. XIV (Gardner) .

۲۴ - وایت هید (CPMP. 154 (Whitehead)

۲۵ - کننگهم (Cunningham)

۲۶ - (Asi. An. Rep. 1912-13 P.144) .

۲۷ - بقرار نظریهٔ هرزفیلد نام فراوتس Phraotes

کلمه اپراتی ها تا (Apratihata) بوده باشد که بروی مسکوکات گاندوفرنس آمده است وعاقبت الامر اراوونس که در اردان فیلاستراتوس (Philostratus) ذکرشده عبارت ازهمان گاندوفرنس است .

تارن درین مورد با هرزفیلد هم عقیده است . . . حال آنکه خانم لوهویزن از نگاه زبانشناسی آن راموردسوال قرارداده واظهارعقیده میکند که نام فراونس یکی ازهمان نام های کثیرالاستعمال پارتی است .

۲۸ - (EHI P. 267)

۲۹ - (Ref. note, 150)

۳۰ - ایسن (Indian Coins, P. 16) •

درین موارد مشترك مثال مهمتر ازهمه عبارت اند از ازیس (Azes) وازیلیسس Azilises وازیس دوم . چندین حکمروا در مسکوکات خود از حکمروایان خیلی پیشین تقلید کرده اند . بطور مثال مسکوکات دیمتریوس (Demetrius) توسط مویس (Maues) و از ایوکراتید (Eucratid) توسط ایایی کوسولاکا (Liaka Kusulaka) و زستراتوس (Stratos) توسط رانجوولا (Ranjuvula) •

۳۱ - (JRAS, 1966, P. 1948)

۳۲ - (CHI P. 561—2)

۳۳ - (Tanila P. 52)

۳۴ - (JIH P. 29)

۳۵ - (OP vit. P. 338)

۳۶ - تارن به افسانه ین ـ مو ـ فو (Yen-mo-fu) که درچین ـ هان شو Chien-Han-Shu- آمده به کمال وجد وخوشی اشاره میکند

که این با طرح وی کاملا سازگاری دارد. او (تارن) فکر میکند که هرمایوس تحت اثر وین چونگ (Wen Chung) بود که سکه های کابل را به کمک میاوس (Miaos) رئیس کوشانها بیجا کرده است. وهمین هرمایوس به کوشانیها یکی از خویشاوندان غالباً خواهر نه دختر خود را نیز بعقد ازدواج او در آورد وهرمایوس بدین ترتیب در حالیکه تحت اثر چینائی ها بوده که پان خود را مستقل ساخت تمام پاروپامیزادرا تصاحب نمود حکمروای کوشانی کادفیزس اول خلف میاوس Miaos که بحیث وارث خونی هرمایوس بر پاروپامیزاداد های آنرا فتح کرد. (Op.. cit P. 343)

تارا ین فکر میکند که غالباً هرمایوس در سالهای اول سلطنت خود سرزمین شمال هندوکش را بنفع یوچیها شاید به یکی از اجداد کجولا کادفیزس وشاید هم هراوس (Heraus) از دست داده باشد. وقتیکه کجولا وادی کابل را از دست پهلواها گرفت او مسکوکاتی مانند تیپ مسکوکات هراکلس (Hercles) را که قبلا از طرف پادشاهان پهلوا تقلید وا قتباس شده بود تقلید وضرب زده است.

بکهوفر (Bachhofer) معتقد است که کجولا آن مسکوکاتی را تقلید نموده که خیلی رایج ومشهور بوده وبنا براین بزودی سکه های را انتشار داده که بر آن کله اگوست (Augustus) نقش بسته بود. (JAOS, 1941, P. 240)

۳۷- (Tarn Op. Cit. P. 507)

۳۸- (op. Cit P. 364)

۳۹- (JAOS, 1941, P.34)

۴۰- (JRAS, April, 1947, P. 24)

۴۱- (Whitehead PMC Pl. XVII 24)

۴۲- Whitehead op. cit. قرار نظریهٔ گرشمن تبادلات مونسونی درعهد اوگوست کشف گردید (Begram, P. 123) این نظریه مورد سوال پروفیسور خانم لوهویزن قرار گرفته است. او به حواله تیل (Thiel) میگوید که کشفیات مهم یك قرن بیشتر صورت گرفته است (Op. cit. P. 366 note 155)

۴۳- (Whitehead, PMC Pl. XVII 24, ref. No 11)

نظریهٔ الن (Allan) که میگوید تاجائیکه به نوع سکه ارتباط دارد مدیون یك سکهٔ از کلودیوس میباشد (op. cit. P. 160 note 7)

۴۴- BSOAS, 1953, XVI, P. 89

۴۵- عیار طلای ویماکادفیزس وپادشاهان بعد از او ازاوریوس (aureus) رومی که ازطرف اوگوست تعیین ومقرر شده بود تقلید گردیده است.

کنیدی قبلا تردید داشت که اگرعیار طلای مسکوکات هندی واقعاً ازاوگوست بوده باشد (JRAS,) 1912. pp 665 ff) خانم لوهویزن میگوید که این یك امر واضح است، انگیزه ایکه در دورهٔ فرمانروایی ویماکادفیزس مسکوکات طلایی را بوجود آورده ازدیاد ووفرت مسکوکات طلایی روم بوده که این سالهای ۲۵ق.م تا به ۶۸م سرازیرشده است (غالباً ازعهداوگوست به بعد بشمول نیرو (Nero)

یک سکهٔ مسی کجولا کادفیزس با نمایش یک کلهٔ از پادشاه برروی آن نشان میدهد که در عهد همین پادشاه جریان طلای رومن سرازیر شده بود (Seythian Period, pp. 365—66)

۴۶ـ (ASI, An. Rep. 1912—43)

۴۷ـ (Whitehead PMC. P. 180 No 5. 16. 23)

۴۸ـ (CII P. 1XV)

۴۹ـ (CHI P. 582; Indian Coins, P 17 of Gardner BMC, P.XLIX)

۵۰ـ (JRAS. April, 1947, P. 48)

۵۱ـ (CII P. LXV)

۵۲ـ (ASIAN Rep. 1912—13 P. 52, No 49)

۵۳ـ (Cunningham N. C. 3rd Series Xii)

۵۴ـ (OP. cit P. 28)

۵۵ـ (Hou—han-shu, chap. 118, Chavannes)

۵۶ـ (OP. cit P. 375—6)

۵۷ـ op. cit. p Lxvii

۵۸ـ تلفظ تا نگک (Tang) سین ـ دوك (Sien—duuk) (Karlgram No. 864, 645) تعریفیکه ازین نا حیه (کشور) در هو ـ هان شو داده شده چنین است :

سلطنت تین ـ چو (Tien—Chu) بنام شین ـ تو (Shen—tu) نامیده میشود .

این سلطنت در کنار یک رودخانه بزرگ واقع است . باشندگان

آن در هنگام جنگ بر فیلها سوار میشوند. آنها نسبت به یوچی ها ضعیف تراند. آنها مذهب بودا را میپرستند. این عادت آنها گردیده که چیزی را نکشند و بـه جنگ دست نیازند. کسی اگر از کاو - فو (Kao— Fu) که متعلق به یوچیها است عزیمت کند و بطرف جنوب غرب دور بخورد به بحیرهٔ غرب، و اگر بطرف شرق برود به سلطنت پا ن - کی (Pan—Ki) میرسد.

تمام آن سرزمین ها قسمتی از شین - تو را تشکیل میدهند. شین تو چندین صد شهر ها و قصبات دیگری هم دارد. (به غیر از پایتخت) در هر شهریك والی گماشته شده است در آنجا ده ها سلطنت دیگر نیز قرار دارند. (بغیر از سلطنت اصلی) و در هر سلطنت یك پادشاه حکم میرانند. گرچه تفاوت های جزئی در بین آن سلطنت ها وجود دارد ولی با آنهم اینهمه بنام شین - تو نامیده میشود. در آن زمان (غالباً زمانیکه پا ن - ینگ ((Pan—Young)) مینوشته است ویا درحدود سال ۱۲۵ م) اینها همه متعلق به یو چیها بودند. یوچی پادشاه را بکشت و برای ادارهٔ مردم یك جنرل را گماشت (Konow; op cit. P. LXVII).

۵۹ - Jacobi-Das Kalakacharya—Kathanakam. ZDMG, 34, PP 247 ff; Bhaudaji; The inroad of the Scy thians into India andthe story of the Kalakacha rya, JBBORS, IX 1872, pp. 139 ff; Jayaswal: JBORS, XVI, 1930 PP. 233 FF; Raychaudhari Vikrama Volum, Ujjain, 1948, pp. 483 ff.

۶۰ - CHI p. 481; Comprehensive History of India (Co. Hl. P. 231)

۶۱ - (JRAS, Jan. 1930, p. 198)

۶۲ (Konow: op. cit. P. LXXV.) قرار نظریهٔ ستین کنو که میگوید این یک امر مسلم است که از کنیشکا در منابع تاریخی چنین ذکری نشده است. با آنکه چینائی ها از واقعات و حالات تا به سنهٔ ۱۲۵ م خبر میدهند ولی نه بعد از آن.

(Chavannes: Toung—Pao.II. Viii P. 150 ff)

۶۳ - JRAS. April, 1947 p. 30)

۶۴ - (ASI: An Rep. 1912—13 pp.42. 44,52; 1914—15 pp. 22 27 etc. 1915 -16, p. 20-34 Ancient India, No 4. p. 83)

قرار نظریهٔ مارشال که میگوید مسکوکات کجولا کادفیزس که از مقام سرکپ به اندازه خیلی زیاد بدست آمده (بیش از (۲۵۰۰) عدد بشمول (۲۱۳) از سلسله کادفیزس) این یک امر طبیعی است که بگوییم او گندارا و تاکسیلا را بر سایر فتوحات خود افزوده است.

(JRAS, April, 1947, p. 27)

۶۵ - (Flect: Corpus Iscription um. Indicarum. Vol. III pp. 65 ff).

۶۶ - (Catalogue of Coins of the Western Kshatrapas) P. 192

۶۷ - (EI. Vii. P. 86)

۶۸ - (Rapson, op. cit. pp. 65, 72 73; Luder's No. 1099, 1131 1134, 1174).

جاییکه از نهاپنه بحیث مها کشاترا پا ذکر شده است.

(Rajan mahkhatapa) Sami (Svami) Nahapana Ibid. Nos. 963. 965. 967

وچشتنه نیز بحیث یك مها کشا تراپا ذکر یافته است.

ودر کتیبهٔ اندهو (Andhau) از او تنها بنام راجان ذکر شده است.

۶۹ - (E.I Xvi, pp. 10 ff)

۷۰ - (Rapson—Catalogue, op citP. 76 Luder's List Nos. 963, 964, 966, 967)

۷۱ - (E.I. Vol. VIII, P. 36 ff. Luder's List Nos 965).

۷۲ - (E. I. Viii, P. 82) .

۷۳ - (A.S.W.I. iv, P. 79).

۷۴ - (JA 1918 P. 69) بهندر کار اظهار نظر میکند که کلمهٔ کوسانا (Kusana) شاید با کلمهٔ کهوشانسا (Khushanasa) که در کتیبهٔ طومار نقره یی تاکسیلا آمده یکی باشد و نهایتنه نخست نایب السلطنه کجولا کادفیزس و بعدتر از ویما کادفیزس بوده است. این مشکل است اگر کجولا کا دفیزس را در اینجا بپذیریم زیرا که امپراتوری او هیچگاه باینطرف گسترش نیافته است. در اینجا یك نکته دیگری هم هست وآن اینکه اسناد نهاپنه در عهدساکا تاریخ گذاری شده و بعد از او بهوما کا (Bhumoka) رویکار آمده است. هردوی آنها بحیث کشاهاراتا (Kshaharata) کشا تراپ (Kshatrap) ذکر شده اند و چنین برمیآید که هردو تحت اثر و تابع ویما کادفیزس بوده اند قرار نظریه سنتین کنوسا نداینس (Sandanes) متعلق به مقام پیری پلس (Periplus) طوریکه لیوی پنداشته ممکن است با چین تا ن

(Chen-tan) یکی بوده باشد این را او میبوند برد ولی سنگ - چاو (Seng—Chao) شاگرد کوماراجیوا (Kumarajiva) اورا با وانگ (Wang) پادشاه یوچی یاشهزاده ایکه عبارت از ویما کادفیزس بوده تعویض میکند (CIHQ. Xiv P. 150) .

۷۵ - (Whitehead: PMC p. 183) .

۷۶ - او شاوا داتا (Ushavadata) واما درنها پنه هیچگاه اصطلاح بهاتارکا (Bhatarka) را برای خسر خود بکار نبرده است و این مخالف روابط خویشاوندی میشد. ساختمان اجتماعی - مذهبی و سلسله مراتب برهمی ها که او به آن خیلی اعتنا میکرد او قاف بهزیادی را برای شان بوجود آورد واما بصورت پائین مقام و منزلت محترمی داشت و گفت که بکار بردن این اصطلاح به فرمانروایی خسرش قابل قبول است .

۷۷ - Bombay Gazetteer, I, p. 32

۷۸ - JRAS, 1913, P. 993, Notei

۷۹ - I. A. X, P. 226

۸۰ - ASWI; iv P. 37, ny

۸۱ - Catalogue—P. cvi

۸۲ - EHI. P. 222

۸۳ - Rapson: Catalogue, P. 96

۸۴ - Ref. 68

۸۵ - CII P. IXXX; EL, xvi ff. 19ff

۸۶ - JAXi. V. 1915, P. 191

۸۷ - El, Vol Vill, pp. 60ff, Lude r's List o 1123

۸۸ - در طی یك مقالهٔ خیلی دلچسپ درباره نهاپنه، چشتنه وکانیشکا توماس اظهار عقیده میکند که چیزی وجود ندارد که ویما کادفیزس را با هند شرقی ویا با دورهٔ ساکا ارتباط دهد. بقرار نظریهٔ او مسکوکات دودمان نهاپنه درشکل (S) نمایانگر سه مرحلهٔ انکشافی خود میباشد ومدت زمان طولانی را در بر میگیرد. مرحلهٔ نخستین کم وبیش معاصر ونونیس (Vonones) وازیس (Azes) میباشد.

اومیگوید که بهومکا ونهاپنه اول متعلق به همانعهدی میباشند که ساتراپهای تاکسیلا متهورا با ان تعلق میگیرند (Neo India AnNtiguary (NIA, Vol Nos 5 and 6pp 85—86) مادرین مورد با پروفیسور فقید که براساس خطوط عتیقه‌شناسی نهاپنه را بیش از یك نفر میداند ویك دوره طولانی زمامداری را برای انها قایل است وبالاخره باانکار از معاصر بودن گوگامی پوترا ساتاکارنی با نهاپنه همنوا میباشیم.

درین مورد کتیبه های بالاسری (Balasri) ناسك (Nasik) بسیار قاطع است.

۸۹- Cunningham, ASR, 11. P. P. 186—

۹۰- JBORS, Vi, PP. 12ff

۹۱- Cunningham, NC. X. 1890 ff 115 ff

۹۲- Indian Coins, pp. 16 ff

۹۳- PMC. P. 160ff

۹۴- Ibid

۹۵- CII, P.Lxix

۹٦- ASI. An. Rep. 1912-13P.8

۹۷- بقرار نظریه ي پکهور فرسکه ها ییکه از یکسو ترمیکا س وا قعی ذکر میکنند درعهد زمامداري ویما کاد فیزیس بضرب رسیده اند . وي سو ترمیگاس را باخود ویما کا دفیزس یکی میداند .

لوهویزسا ـدي ـليوو با ستین کنو (OZ IV 1927—28 P. 21.ff) درین مورد که سوترمیگاس قراریکه در (هوـهان شو) تذکار یافته وایسراي ویما کاد فیزس درهند بوده موافق است (OPCIP. P. 375)

۹۸ - سکـه منحصر به فردیـکه از طـرف کننگهم نشر یح شده (NC. 1892 P. 77 pl. xv, Fig.14) یك مجسمه نیم تنه را بادو روي نشان میدهد که روي چپ داراي ریش ودر مقابل ان سمبول ویما کا دفیزس بوده درحالیکه روي راست بی موي و لشم ودرمقابل سمبول یك پادشاه بی نام قرار داده شده و بصورت قاطع وواضح حاکی از ین است که دوشهزاده معاصر همدیگر خود بوده اند. کننگهم مواردیرا که با هم دیگر موافق اند تعیین نموده است (Smith. JRAS. Jan 1903.p13

۹۹ P. 288 لوهویزن دي نیووعدد ۱۲۹ را طو یقین و رمیداند خانم نامبرده مهاراجا را جانی این کتیبه را با و یما کا د فیزس یکی وجا نشین او میداند . (op. C.t. P. 373)

۱۰۰- (JRAS. Jan, 1903 P. 13) کاوشهاي اخیر باستانشناسان روسی این را که کوشانیها بر ترکستان چینی حکم میراندند روشن ساخته است.

۱۰۱ - (Mc. Crindle. Ancient India P. 212) دیون کاسیوس (Dion Cassius) در حدود سال ۱۵۵ م از مقام نیکاسا (Nicasa) در بیتی نیا (Bithynia) پا بعرصه ای وجود گذاشته است هنوز درحدود ۲۵ سال داشت که بروم آمد دو مراتبه بمقام کنسولگری نایل شد. بزرگترین اثر او (تاریخ روم) است که شامل ۸۰ جلد بوده و تمام تاریخ را به سال ۲۲۹ م در برمیگیرد.

۱۰۲ Ibid P. 213.

۱۰۳ - برای اوزان وعیارگیری مسکوکات کوشانیها مراجعه کنید به کننگهم (Coins of Medival India P.16) وا پسن : (Indian Coins. P. 14,69, 123) وسمت از صفحه ۲۷ به بعد.

برای مطالعه مسکوکات یافت شده از هند به سی ویل (Sewell) مراجعه کنید. (JRAS. 1904 P. 591)

((Hist. Not XII.C. 10 (14) MC. Crindle, op. cit. P. 125. and Cunningham, "Cains of Ancien India " P. 50))

اگر این را بپذیریم که ویما کادفیزس بعداز ۷۸ م سلطنت کرده است دیگر این مشکل نیست که این واقعیت رادریابیم که مسکوکات طلایی اواز لحاظ وزن عیناً با (Araura) امپراطوری پیشین روم مطابقت داشته است. که بقرار گذارش پلینی (Plyni) و شواهدزیادی که بدست آمده تعدادزیادي از آنها برای یك مدت زمان طولانی در خاك هند سرازیر شده است.

Smith, TRAS, Jan. 1903 P. 34

۱۰۵ - (China Story of Nations, p.18) به قرار نظر یه لیوی
شکر یان- چاو تا به سرحدات امپراتوری روم رسیده بود-

(JA. IX 1897, P. 50 Smith. EHI PP. 268—89)

۱۰۶- اینکه در راپور یان- یو نگ گفته شده که ویماکاد فیزس شاید که تا به سال ۱۲۷م زنده بوده است و همچنان که میگویند مهاجم یوچی ترکستان چینی که در سال ۹۰م از طرف پان- چاو شکست داده شده عبارت بود از ویماکادفیزس - توماس آنرا غیرممکن میداند ومیگوید چطور- تاریخچه ها ودودمان قبلی هان میتوانندراجع به کجولاکادفیزس وویماکاد فیزس وهچنین- سال ۹۰م بدون اینکه به یکی از آنها نسبت داده شود گزارش دهند.

NIA. August—spt. 1944,P.100)
(Beali "Budhist Records" I P. 57

۱۰۷- بعد ازمرگ پان- چاو کانیشکا هندوکشمیررا به اطمینان ودرکمال امنیت بدست آورده و بخاطر آسوده وموقعیت مستحکم با دشواریها غالب آمدوتوانست لشکري را به ماورأ تاغدومباش - (Taghdumbash) وپامیر سوق دهد درنتیجه اسلاف او در آنجام آن ناکام ماندندونه تنها اینکه خودرا از پرداخت باج وخراج به چین آزادومستقل سازد بلکه ازشهزادگان امپراتوری چین یرغمل هم گرفت

(Smith. EHI P. 278)

۱۰۸- (Op. Cit. P. 379)

۱۰۹- (Whitehead, PMC, P. 95)

۱۱۰- (CII, P. 81 FF)

۱۱۱- (Op. Cit. P. 377)

۱۱۲- (CII, P. 82)

۱۱۳- (CHI, P. 582)

۱۱۴- (PMC. P. 95)

۱۱۵- (OP. Cit P. 379)

۱۱۶- Eliot: The History of India,I, PP. 106—110
و به جاپاسوال نیزمراجعه کنید (JBORS, XVIII, 1932, PP7—16)

۱۱۷- بقرار نظریه مارشال دوره فرمانروایی ویما کادفیزس شاید که تا به سال های نخست قرن دوم میلادی دوام کرده باشد که بعد از و یک وقفه تقریباً برای مدت دوده تا اینکه کانیشکا روی کارمی آید دیده میشود. درطی این وقفه چنین برمی آید که قدرت ـ کوشانیها ضعیف و تجزیه رخنه کرده ولی این یقینی است که یک و یا بیشتر نایب السلطنه های بنام سوترمیگاس بوده اند که درغیاب فرمانروای کوشانی پنجاب وشمال غرب هندرا اداره میکردند گذشته ازسایر ملاحظات تغییر در رسم الخط و زبان و تغییر در طرح مسکوکات فرمانروا (ویما و کانیشکا) دربین شان دلالت بریک وقفه میکند (JRAS, April, 1974, P.32)

۱۱۸- نام کشاترا سیوانسینا (Sivansena) درخط یک مهرانگشتری مسی که از طرف بیلال (Baylal) از پنجاب بدست آمده تذکار یافته وازطرف کننگهم نیز تشریح شده است. ولی بعد ازان تا کنون اثری از آن در دست نیست ومفقودالاثر گردیده است. (CII. No, XXXVIII. P.103)

فصل سوم

کانیشکا وجانشینان او

با آمدن کانیشکا یک مرحله دیگری در تاریخ کوشانیها آغاز یافت. او و جانشینان او که نامهای شان با آهنگ کلمات شکا (Shka) ishka—Eshka انجام مییابد متعلق به قوم کوشانیها بوده واینها نیزچون اسلاف خود لقب دیواپوترا را بکار برده اند (۱)

۱ ـ در فصل گذشته توضیح گردید که بین ویما کادفیزس و کانیشکا یک فاصله زمانی وجود داشته است. واین یک جا نشین محض نبوده طوریکه طرفداران نظریه کانیشکا وعهد ساکامی پندارند.

(۲) آمدن این دسته از فرمانروایان کوشانی توسط یک سلسله ممیزات ومشخصات جدیدی تشخیص و تمیز میگردد. مثلا کتیبه ها از شروع عهدی تاریخ گذاری شده، که سال اول آن از (ز) (؟) یا ۳ آغاز گردیده ازین اسناد توسعه فرمانروای آنها نمودار میگردد.

ضرب مسکوکات طلائی تازه آغاز و با صورت خدایان مختلف یکجا منقوش گردیده ورسم الخط خروشتی و یونانی بطور قابل ملاحظه تقلیل یافته است مشابهت خیلی نزدیکی که از لحاظ چهره و لباس در بین ویماکدفیزس و کانیشکا دیده میشود همخونی و همنژادی آنها را ثابت میسازد . متاسفانه تاریخچه های چینی وقتی سخن از ویماکادفیزس میزنند در باره کانیشکاچیزی نمیگویند ولی شواهد بعدی از منابع تبت وچین که بعضی از آنها مبنی بر عنعنات قدیمه بوده و قرنها بعد ثبت گردیده اند در مورد قدامت کانیشکا وروابط او با حکمروایان معاصر ختن وسایر نقاط در آسیای مرکزی و بالاخره در باره فتوحات او در هند شمالی چیزی از آنها استنباط شده میتواند .

کانیشکا بحیث یک یوچی خورد:

مطابق یک منبع تبتی بنام لی - یول - گی (li-yul-gye) لورگیاس پا (lo-rgyas-pa) دختر پادشاه گا - هجای ((Ga—hjay) که ملکه و یجا یا سمها (Vijayasimha) پادشاه ختن بود در اثنای بودیزم درشو لیك (Shu-lik) یعنی کاشغر سهم قابل ملاحظه داشت.

منابع تبتی راجع به ویجایا کرتی (Vijayakirti) پسرویجایاسیمها میگویند که در جمله برهند او با کانیکا (Kanika) پادشاه وپادشاه گوزان (Gozan) پیوست واز ین گیرود ار شهر ساکید (Soked) ساکیتا (Saketa) سقوط نمود .

م - از ترجمه چینائی کلپنامانڈیتکا (Kalpanamanditika) اثر کومارالتا که بعد از دوره فرمانروائی کانیشکا تالیف شد، در یک

عبارت چنین خوانده میشود .(درخاندان کیوشا (Kiu-sha) یک پادشاهی بود که چین تان کیانی چا (Chen-tan-kia-ni-cha) نامیده میشد وی تونگ- تن - چو (Tung-Tien-chu) بقول هوبر (Huber) و لیوی (Levi) هند شرقی را گشود و کشور را مطیع و تابع خود ساخت. قدرت او ترس و خوف را بدلها انداخت و او تماما خوش بخت وخوش اقبال بود. او برای باز گشت به سلطنت خود رهسپار گردید. راه از یک سرزمین فراخ و هموار میگذاشت . بقرار نظریه پری چین تان عبارت است ه

از چندانا (chandana) بنا بقول (scdas) (۹) گفته میشود که این یک تسمیه قدیم بود برای ختن چین - تان (chin-than) اصلی شاید که کاشغریه (Kashgaria) وچین تان کیانی (chen-tan-kia-ni-cha) ممکن کانیشکا پادشاه ختن بوده باشد .

ستین کنو باقلیت همنوا است که (۷) کانیشکا متعلق به یک تیره و قبیله ویا یک خاندان حکمروایی جداگانه از قوم کوشانیها بوده که راه خود را از ختن به کشمیر و بعد از آن به هند باز نموده است .

(۸) - وی (کنو) پیش میرود و میگوید اگرما نپذیریم که کانیشکا از ختن آمده در آنصورت لازم است نظریه هولستین (holstein) را که میگوید کانیشکا به بخش بزرگ یوچی (تایوچی) متعلق نیست بلکه به بخش کوچک سیا یوچی (siao) یوچی متعلق میباشد نیز بپذیریم .

و این واقعیت ازما منگ - پوسا - چون (Ma-ming-pu-sa-chuan) ۱۰ - که یک تاریخچه ایست از حیات اسواگوشا (Asvaghosha) و

قبل از سال ۲۰۶ بزبان چینائی ترجمه شده بخوبی آشکار میگردد در آنجا گفته شده که کانیشکا حامی و ولی نعمت اسواگهوشا یك پادشاهی بوده از یوچی های کوچك سیاویوچی (siao-yach-chi) در باره تشریح سلطنت یوچیهای کوچك در وقت وزمان خود وی شو (Wei-shu) اطلاع میدهد که پایتخت آن پوروشاپورا (Purhapura) یعنی پیشاور بوده و بهمین سبب آنها بنام یوچیهای کوچك نامیده شده اند بقرارنظریه ستین کنو (۱۱) که میگوید وی بطور یقین کانیشکا بوده که نخست پشاور را پایتخت امورا توری یوچی قرار داد و دراین مورد گزارش وی شونیز این نظریه را که کانیشکا متعلق به یوچیهای کوچك بوده است تائید و تقویه مینماید.

ازمنابع تبتی وچینائی درمورد ختن آشکار میگردد که کانیشکا برای حمله خود بر هند شمالی از ویجایا کیرتی پسر و یجا یاسیمها کمك خواسته و بعدا عودت نموده است.

و بهو گرافی رسوا گوشا اورا پادشاه یوچیهای کوچك وانمود میکنند.

دربرابر این مشاجره باگچی (P.C Bagchi) اظهار نظر میکند و میگوید ۲۱ دلیلی وجود ندارد که بموجب آن کانیشکا را از یوچیهای کوچك بدانیم یوچیی های کوچك هویت خود را در میان بربریان جنوب شرقی چین ازدست دادند همانطوریکه یوچیهای بزرگ هویت خودرا دربین تخارها ازدست داده بودند علاوه براینها یوچیهای کوچك ته یا (Ta—hia) (تخارها) ونه با کوشوانگ (کوشانیها) کدام تعلق وارتباطی دارند.

۳۱- ولی باید گفت که این یك امر مشکل است که کانیشکا را یکی از تایوچی های یا سیا و یی چها بشماریم .

در واقع طوریکه ما قبلا بان اشاره کردیم کوشانیها (کوی‌شوانگ) ویوچی ها در هر کدامشان نمایندگی از یك قبیله نژاد دای مختلف می کنند اولی یعنی کوشانیها از آریاهای ساکی و دومی یعنی یوچی ها از نژاد منگولی بشمار میروند . تمام این معضله بدور تعبیر و تغییر لفظی دور میخورد که در تاریخچه های چینائی ثبت شده است چنین بر می آید که کوابارا (Kuwabara) درین مورد بخطا نرفته است .

۳۲- وما قبلا آنرا تذکار داده و تائید نموده ایم .

تعلقات کانیشکا باختم قدرت های معاصر او قبل از کشودن هند شمالی وروابط بعدی اورا نباید از چشم دور داشت از روی اسناد وشواهد موجود فعلا یگانه چیزی را که میتوان گفت اینست که کانیشکا به همان نژادی متعلق است که کادفیزس ها بودند واو از فرصت مساعدی که بعد از مرگ ویما کادفیزس تا به اخیر زمامداری مشخص ماپینی (موتر میگاس) بوجود آمد استفاده اعظمی کرد.

فتح هند شمالی او تا به پوتالی پر تواد رطی یك زمان کوتاه و محدودی صورت گرفت زیرا درین وقت کدام قدرت نیرومندی و نه هم بجز خود از کدام وارثی برای امپراتوری کوشانی در مقابل او وجود داشت.

طرح ها برای فتوحات:

فتوحات کانیشکا یك واقعهٔ پیوسته وپلان شده یکنواخت نبوده است کتیبه ها ئیکه ازنقاط مختلف بدست آمده ودرسال های متفاوت

تاریخ گذاری شده اند مثلا در سال ۲ کتیبه کوسام (Kosam)

۱۵ - در اله آباد درسال ۳ کتیبه سرنات (sarnath) از سال ۴ به بعد کتیبه های ماتورا (۱۷) درسال ۱۱ کتیبه های سوویهار (Suivihar) (۱۸) بهاولپور) و (زیدا) (zeda) (und) ۱۹ ودرسال ۱۸ کتیبه مانیکیلا (Manikiala) راولپندی (۲۰) این همه گواه بر اینست که فتوحات کانیشکا درشرق و تا به وارا ناسی (varanasi) بنارس درجنوب غربی تا به بهاولپور رسیده بود.

منابع ادبی راجا ترا نگینی (Rajatrangini) (۲۱) وکلپنامانڈیتیکا (Kalpanamandi-tika) (۲۲) و تاریخچه های دودمان بعدی هان (۲۳) مؤید و گواه بر این اند که کانیشکای کوشانی برسر زمین های ختن و کشمیر (تونگ - لی (Tung-Li)) و پان - چی (Pan-chi) که بقرار نظر یه توماس نقاطی بودند درنواحی مرکزی وجنوب غرب هند فرمانروایی میکرده است

۲۴ - ساندانس (Sandanes) بخشی از پیری پلیس (Periplus) حاکی برانست که کنشکا برجنوب غرب هند فرمانروایی داشته است.
فرمانروایی کانیشکا برجنوب غربی هند مبتنی برشواهدیست که از شناسائی وهویت ساندانیس (Sandanes) از ناحیه ئی پیری پلس (Periplus) بر میاید.

۲۵ پهلوهای مختلف فتوحات کانیشکا ایجاب بحث و مطالعه جداگانه را میکند وهمچنان تسلط کانیشکا بر بهار که غالبا ازمسکوکات کشف شده استنباط میشود ونیزصفحه بوده گایا (Badh—Gaya) هوونیشکا

از پتنه وگزارش در سری دها رما - پی تا کا نی دا نا سوترا (Sridharma—Pitaknidanasutra) (که درسال ۴۷۲ م بزبان چینائی ترجمه شده) مبنی برشکست پادشاه پوتالی پوترا بدست کازیل و تقاضای (Chen- Tan- Kia- ni- Cha) کانیشکا از وی خواستار غرامت گردید واو حاضر شد درعوض این غرامت کاسه قربانی بودا (کچکول بودا) را باشواگوسا که یك راهب بزرگ بود ائی و در عین زمان طبیعتاً یك رهبر دلسوز بود قبول نماید .

پرواینهمه بر فتوحات کانیشکا درین نقاط روشنی میاندازند .

معاصرت اسواگوشا با کانیشکا یك واقعیت آشکارو شناخته شده است این فتوحات کانیشکا که درطی یك زمان طولانی شاید در حدود ۳۰ سال صورت گرفته مرحله بمرحله انجام شده است .

مرحله نخست عبارت است از کشودن هند و برتخت نشستن او بحیث یك فرمانروای قانونی کوشانی واین واقعه تاسیس یك دوره که بنام خود اوشهرت یافته وازطرف جانشینان او ادامه یافته از لحاظزمانی باهمدیگر توافق و تطابق میکنند .

فتح هند مرکزی یا مادهیا دیسا (Madhyadesa) معلوم میشود که در اولین دم صورت گرفته است .

از مرحله دوم فتوحات امپراتوری کانیشکا معلوم میشود که بطرف پنجاب جنوبی وسند توسعه یافته درحالیکه مرحله سوم منحصر میشد به فتح کشمیر وختن مرحله آخرین نشان میدهد که به تمامیت و استحکام قدرت او به آسیای مرکزی که قبلاً چندان مستحکم نبود آنجا میده است .

او برای فتح هند شاید از همکاری یك یا بیشتر چنان قدرتهائی استفاده کرده که منابع تبتی از آنها سخت گفته وما نیز قبلا از آن تذکر داده ایم .

این واقعه یك طرح مشابه به چندین قرن گذشته ئی چند راگو پستا- سورن را به یاد میدهد که بروایت مدرا راکشاسا (Mudrarakshasa) وی ازپارا واتاکا (Paravataka) برای فتوحات خود کمك گرفت و سرانجام متحدان وکمك دهندگان نیز جان بسلامت نبردند .

این مراحل فتوحات کانیشکا را بعد از آنکه معضله پیچیده تعیین آغاز سال عهد کانیشکا را بررسی کردیم مورد بحث قرار خواهیم داد

عهد کانیشکا :

تعیین سنهٔ آغاز فرمانروایی کانیشکا و تاسیس عهد یکه بنام خود او شهرت یافته موضوعیست که برای مدت سه ربع یك قرن در بین دانشمندان مورد بحث و مشاجره قرار گرفته است .

در پیچ وخم گیج کننده حدسیات و گمان ها وامکانات واحتمالات جائیکه یك نقطه مستحکم برای اتکاوجود نداشته انسان درا ندیشه میافتد . خصوصا وقتی دیده میشود که به عوض اینکه این فرضیات معدود گردد دامنه پیدا میکند نظریات متعددی یکي بعدگر بخاطر حمایت از فرضیات سایرین ارائه میگردد - تلاش بخرچ داده میشود تا مثلا به کرونولوژیکه بر کتیبه شناسی استوار است و به شواهدیکه از مسکوکات و گنجینه های یافت شده مبتنی بوده و همچنین به برداشت

های که از انواع وتیپ های گونا گون صورت گرفته ویا به (پالیوگرافی) نقاط کاوش شده وآثار از خاك بیرون آورده شده هند وماورای هند - منابع چینائی روایات ومعنعنات شان با لاخره اطلاعات نجوم و هیئت وبسا مطالب ومدارك مشابه به مراجعه واستفاده میگردد لازم می افتد تا تمام این منابع ومأخذ را بدون اینکه قبلاً چیزی را به ارتباط آن درکدام مورد خاص در ذهن خود پذیرفته باشیم بصورت بیطرفانه سر از نو همه را مورد تجدید نظر وارزیابی قرار دهیم

مدارك کرونولوجیکی وکتیبه شناسی :

مدارك ایپی گرافیك توسط اسناد یکه مربوط وراجع به این فرمانروایی کوشانی وجانیشنان او بند تدارك وتهیه گردیده است .

تاریخ گذاری این کتیبه ها درعهدی نشده که بنام خود کانیشکا شهرت دارد .

نکته ایکه قابل ملاحظه است اینست که ماه ها وسنوات شکل همگون دارند تقسیم سال بر اساس موسم ها و همچنان سنوات به نصف روشن ویا تاریك ماه نسبت داده نشده بلکه درحالات تمدد واستدامت مبیا شد که این خیلی حایز اهمیت است .

۷۲-طرفداران نظر به عهدساکا درحالیکه ادعای مبنی بر کانیشکا بحیث موسس یك دوره رامی پذیرند نظریه مید هند که این همان عهد مشهور سال ۷۸ م بوده است به تاسی ازان نظریه خود آنها فرمانروایی کوشانیها ئیکه در کتیبه سال ۳۱ مشهور-تا کسیلا ازآن ذکر شده با کانیشکا یکی میدانند . ناحیه یکه این کتیبه ازانجا بدست آمده

وطرح سنه گذاری آن خصوصا قابل ملاحظه است .

طومار نقره ایکه دارای کتیبه خروشتی است از طرف مار شال دریکی از دهلیز های سمت غربی ستوپه Dharmarajika ز تهه چیر Chir بدست آمده است. برروی آن ظرف (کتیبه طومار نقره ای) سمبولی بنظر میخورد که بروی مسکوکات - کجولا کره کادفیزس وهما کادفیزس وزیو نیزوس Zeionises دیده شده اند .

۲۸- سنه گذاری این کتیبه در عهد قدیم صورت گرفته واگر کانیشکا موسس یک عهدی باشد که از سال یکم تخت نشینی اوآغاز یافته پس دلیلی وجود ندارد که کتیبه تا کسیلا وچندین اسناد دیگریکه بعداز کتیبه سال ۱۳۶ در موزیم پشاور بوجود آمده اند چون در (۲۹) کتیبه ئی سال ۱۸۷ (؟) خلاتیس (Khalatse) (۳۰) کتیبه ظرف نقره ئی سال ۱۹۱ تاکسیلا (۳۱) وکتیبه ئی سال ۲۰۰ دیوای Dewai (۳۲) از عهد قدیم بشمار می‌آیند ودراینها برعکس اسناد وکتیبه هائیکه به کانیشکا وخاندان او تعلق میگیرند نامهای هر ماه بصورت جداگانه داده شده است . هیچ سندیکه در عهد قدیم سنه گذاری شده باشد بین سال ۲۰۰ کتیبه دیوائی وسال ۳۰۸ کتیبه لوریان تنگی Loriyan—Tangai بدست نیامده است وبقرار نظریه خانم لوهوـ یزن وـ وی ـ لیو (۳۳) این دوره بود که کتیبه های عهد کانیشکا وجانشینان او وادور بر میگرفت .

این شاید قابل قبول باشدولی در باره اینکه این عهد قدیم بایست با عهد مشهور ۵۷-۵۸ ق م که ایشان بنام عهدو یکراما یا کریتا

شهرت یافت توافق کنند دانشمندان همنوایی دارند. Krita
اگر ما فرمانروایی کوشانی کتیبه طوماری تاکسیلا را با کانیشکا
یکی وعهد اورا با عهد ۷۸ میلادی سا کا یکی بدانیم مشکلات کرونولوجیکی بحدی خواهد رسید که از ارائه آن غیرممکن خواهد شد کتیبه
مورخه ۱۹(۳۵) ۱۳۳ جیهونیکا Jihanika که از تاکسیلا بدست آمده
بذات خود درباره اینکه اویك فرمانراوی مستقل و پر قدرت بوده
وبا لقب راجا ن ازاو نام برده شدو مسکوکاتی را بنام انتشار داد د
تما ماحمایت وتا ئید میکند ـ بنا برا ین ا ین سوا لیکه او (کانیشکا)
بر تاکسیلا و نواحی و دوروبر آن حکومت رانده تماماحل گردیده است.

ازطرف دیگر کتیبه مورخه سال ۵۱ هوو یشکا (۳۹) ازوردك دال
براینست که این فرمانروای کوشانی حتی تا به (۳۰) میلی غرب کابل
نیزحکومت کرده است واگراین را بتاریخ ۷۸ م عهدسا کا بدانیم پس
امپراتوری هوو یشکا درسال ۱۲۹ تا به افغانستان توسعه یافته بود
بنا برا ین جیهونیکا بحیث ما دون کوشانیها حکومت میکرد
و قسمت های غربی امپراتوری کوشانیها را خود تصاحب کرده بود.

متاسفانه هیچ یکی از این دو احتمالات قابل قبول نیست از
عهد کانیشکاو جانشینان او ما چندین نفر کشاترا پاها
و مهاکشاترا پاهای کوشانی را میشناسیم
که نامهای آنها عبارت اند از خراپالانا (Khrapallana)
وانا شپارا (Vanash para) از کتیبه سرنات (Sarnoth) ۳۷ لایکا
(Liaka) درکتیبه زیدا (Zade) (۳۸) و پسهاسی

(Vespasi) در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۹۳۲) کشاتراپای کاپیسا (۰۴) پسر کشاتراپا واناوپاکا (G (r) anavhryaka) که نام او در کتیبه ئی صندوقچه برنجی زیورات مانیکیالا ذکر شده است .

اینها هیچکدام سکه انتشار نداده اند گرچه در دو مورد نام فرمانروا نیز ذکر شده است .

علاوه بر این سکوکات زینوس (Zeionises) (۱۴) که بدست ما رسیده موقعیت او را بعد از ویما کادفیزس پیش از کانیشکا قرار میدهند . و برای اینکه از سر هم افتادن ها (تیرو بیر) جلوگیری شده باشد کانیشکا را بایست در قرن دوم میلادی جای دهیم یك مثالی از سر هم افتادهای کرونولوجیکی (زمانی) از آنجا نشئت کرده است که کانیشکا را درحالیکه در قرن دوم میلادی جای داده اند آنرا معاصر رودرادمان (Rudradaman) هم دانسته اند . کتیبه بزرگ که از مقام جرنار (Girnar) بدست آمده (۲۴) و در سال (۷۲) (۱۵۰م) تاریخ گذاری شده در آنجا نه نامی از کدام حکمروای مافوق برده شده و نه عهدی را که بکار برده به قرن دوم تطابق میکند بلکه به عهد ساکا در ۷۸ م .

گرچه لقب راجان مهاکشاتراپا را که او خود این مقام را بدست آورده بود بکار میبرد . ساوایام ادهی گاتا مهاکشاتراپا نامنا (Svayam—adhigata Mahakshatrapanamna) ولی او تحت اثر و یا تیولدار کدام فرمانروای بزرگ دیگر نبوده بلکه خود یك پادشاه کاملا مستقل و خیلی مقتدر بود . او نیز ادعا میکند که بریهو دیها

(Yahudheyes) که برسواحل جنوب رود ستلج می زیستند و این ناحیه تقریباً در مرکز قلمرو وسیع کانیشکا موقعیت داشت پیروز گشته است علاوتاً در سال ۲۸ عهد کانیشکا واسیشکا (Vasishka) در یک کتیبه که از مقام سانچی (Sanchi) ۳۳ بدست آمده بحیث یک امپراتور ازو ذکر شده است. درین صورت برای بدست آوردن یوجن ((Ujjain)) ضرورت مصادماتی با ساکاها صورت گرفته است.

برای اینکه مشکلات را از سر راه برطرف کرده باشیم باید بپنداریم که کانیشکا بعد از رودبار ادامن آمده است کتیبه سوی ویهار (Sui—Vihar) درسال یازدهم عهد سلطنت او تاریخ گذاری شده است. اگر تخت نشینی کانیشکا را درسال ۷۸ ام بدانیم گمان غالب او باید ناحیه بهاولپور را در وقتیکه رود را دامن زده نبوده وجانشینان او یارای مقاومت را در برابر او نداشته اند گشوده باشد. عین مسئله را میتوان در تصرف سانچی بدست واسیشکا درست پنداشت گرچه ما معتقد یم که او و جیشکا Vajheshka ر پدر کانیشکای کتیبه آرا بود ه مان کوشانیهای بعدی تعلق میگیرد. گزارش کتیبه سانچی سال ۲۲ در باره اسکوشانا Vaskushana (۳۴) که او یک راجان و نیز قابل ملاحظه است ما در باره این مشکل بعدا درجای خود ش صحبت خواهیم کرد

شواهد سکه شناسی:

این شواهد اکثراً منحصر است به گنجینه مسکوکات حکمروایان کوشانی که بدست آمده اند (۳۵) و نیز یک عده مسکوکات تیکه

سنوات آنها یا روشن ویا نزدیک به روشن شدن است . تیپ طرح سکه هائیکه از طرف حکمروایان انتشار یافته و تقلید هائیکه دران صورت گرفته وارزش و وزن آنها که تا کدام اندازه در تجارت وتبادلات رول داشته واستعمال خط شکسته یونانی بررسی مسکوکات این همه مهم قابل ملاحظه است.

گنجینه ایکه استوپه آهن پوش Ahinposh (۹۶م) بدست آمده گر چه آنقدر بزرگ نیست ولی در مورد تعین سنوات دوره کانشکا کمک شایانی مینماید . این سکه ها شامل ۶ عدد از ویما کادفیزس (۱۵) عدد از کانیشکا ویک عدد از هوویشکا میگردند که وضع خیلی ها خوب دارند و ۳ عدد سکه های رومن که یک یک آن باین سه نفر امپراتور ازقبیل دومیتین Domitian (۸۱-۹۶)م تراجان Trajan (۹۸-۱۱۷)و سابینا Sabina (۱۳۸-۱۳۷) تعلق میگرند نیز قابل تذکراند .

این سکه ها غالبا توسط تجاران با اینجا آورده شده اند وچنین پنداشته میشود که بعد ازسال ۱۳۷ م درزمان هوویشکا دفن شده باشند. این مسکوکات قبل از آنکه دفن گردند برای یک مدت زمانی شاید بین ۲۵ و ۵۰ سال ویا کمتر از آن را در بر گرفته که تا باینجا رسیده اند . این موضوع کانیشکا پدرو سلف هوویشکارا در قرن دوم میلادی چیزی بعداز سال ۱۲۰ قرار میدهد وا زطرف دیگر کنیدی میهند اود (۷۸م) که این یک تضاد محض است که هوویشکا درستوپه آهن پوش دیده میشود این مسکوکات مانند مسکوکات رومن ها یا جواهرات

یادگارها وسایر اشیای قیمتی و یک مجموعه از تحفه ها درستوپه جای داده شده اند . این استدلال کنیدی ازطرف توماس (۸ م) چنین تعبیر شد که او خواسته است واقعات روشن را در ابهام و تاریکی بگذارد وجود سه عدد نسه رومن باسکه های هوویشکا و اسلاف اودر ستوپه آهن پوش خواه بطور تحفه ویا غیر از آن بوده این را یقینی میسازد که ستوپه مذکور یا در وقت حیات و یا بعد از مرگ هوو یشکا تعمیر گردیده است .

عوامل دیگر یکه از مطالعه مسکوکات کانیکشا وجانشینان او استنباط کرده اند عبارت اند از القا بیکه برسم الخط یونانی نگاشته شده اند وزن مسکوکات ونفوذ خارجی برآنها این عوامل ازطرف کسانیکه از تیوری عهد ساکا و ویکراماجا نبداری میکنند به تفصیل مورد ملاحظه قرار گرفته است وزن مسکوکات طلایی گروپ کانیشکا به معیاری تطابق میکند که در روم پذیرفته نشده بود در مسکوکات هوو یشکا که حرف (H) دیده نمیشود گرچه در دیگر مسکوکات او وجود دارد هردو نوع آن تحت تاثیر رومن ها قرار گرفته اند .

۹م - استعمال خط والفبای یونانی ازطرف کانیکشا واخلاف او برروی مسکوکات نیز ازطرف این عده از دانشمندان مورد توجه وملاحظه قرار گرفته است .

۰ ۵- برای تعیین سنوات کانیشکا به استدلال مبنی بر مطالعه مسکوکات آندوره اکنون کهنه شده وازمورد افتاده است . از

لحاظ سکه شناسی درین مورد نکات دیگری وجود دارد که بایست به آن اعتنا گردد مثلاً تقلید مسکوکات کوشانیها از طرف ساسانیها و از حکمروایان گوپتا های پیشین و از طرف دیگر میتوانیم فرض کنیم که فاصله زمان بین کوشانیها و گوپتا ها آنقدر وسیع نبوده طوریکه آنعده از مورخانیکه فکر میکنند که آن دوره یك دوره تاریکی از تاریخ قدیم هند بوده است .

درمورد شواهد سکه شناسی لازم است به تفصیل سخن گوییم جی ا تیلا G. Botailla در یکی از مقاله های خود (۲۵) دوره مسکوکات واسو دیوا را در حدود ۲۲۰م میپندارد (۵۳) وعلاوه میکند که این سهل است گفته شود که بین مسکوکات واسو دیوا و ساسانیها تفاوت زیادی وجود ندارد ودرنتیجه مشکل است که این دو نوع مسکوکات را به دو گروپ تقسیم کنیم . فرق بین آنها در خصوصیات عمومی است شاه طرف راست وشیوا Siva درعقب سکه قرار دارند موهای مجعد از تیپ ایرانی ریش وموهای دراز سر افتاده برگردن وشاه با خود ویا تاج ساسانی بر سر نهاده است .

وتمام مسکوکات واسودیوا شاه و شیوا را نشان میدهد که ریش دارند و بر پشت سرخود موی انبوه وافتاده ندارند .

مؤلف خاطر نشان میکند که سلسله مسکوکات واسودیوا همگونی خود را با مسکوکات کانیشکا وهویشکا حفظ کرده اند . اویك سکه را مورد توجه قرار میدهد که بمشکل فرق میکند باسکه های واسو دیوا خیلی با هم شبیه است به استثنای رسم الخطی که نشان میدهد باید از

هورمزدای اول بوده باشد که قبل از ۲۷۳ یعنی قبل از تاریخ جلوس او بر تخت ساسانی پادشاه خراسان بوده است. و این خراسان در اوایل سال ۲۳۰ بدست اردشیر فتح گردیده بود سلطانی را که اردشیر مغلوب ساخت آخرین سلطان این کشور بوده که اردشیر در مسکوکات خود چهره و اسودی وارا بطور آشکارا تقلید کرده است. هرزفلید (Herzfeld) که مسکوکات اندو ساسانی را خصوصاً بدقت مطالعه کرده است مینویسد که شهزاده گان لقب (کوشانا - شاهنشاه) را از تاریخ ۲۳۰ تا به ۲۸۴ م در مسکوکات خود بکار برده اند (۵۴) نایب السلطنه های ساسانی در خراسان که مسکوکات کوشانی را تقلید و کاپی نموده اند شامل پرویز برادر شاهپور اول میگردد که او مسکوکات نقره ای و برنجی نوع ساسانی را ضرب نموده در بعضی از آنها چهره بودا را نقش بسته است.

از سال ۲۹۳ تا به حدود سال ۳۷۲ هرمزد از انواع مختلف فلزات سکه ضرب زده که قسمتی از آنها مخصوص نوع ساسانی و قسمت دیگر آنها از مسکوکات نوع کوشانیهای محلی بشمار میروند. ضرب چهره های کوشانی ها بر مسکوکات بعد از ۲۷۳ توسط ورهران (Varharan) اول دوم وسوم دوام نمود. (۵۵) بقرار قول گرشمن (Ghrishman) مسکوکات واسودیوا آخرین مسکوکاتی بود که از بگرام بدست آمده اند (۵۶) این شهر را شاهپور اول بین سالهای ۲۴۱ و ۲۵۰ با ر دیگر بدست آورد.

گرشمن میگوید که اگر واسودیوا بین سالهای ۸۷ و ۹۷ حکومت کرده تا سیس - عهد کانیشکا در حدود سال ۱۴۴ م واقع شده است

، و ادعا میکنند که منابع تاریخی بکمال دقت و سهولت واقعیت های سکه شناسی و باستان شناسی را تائید میکنند. یک متن چینائی سان ـ کود تی ـ چی (San—kouo—teche) از یک پادشاهی بنام پوتیو (Po—tio) ذکر میکنند که شاید واسودیوا بوده باشد که او در سال ۲۳۰ سفیری را به چین فرستاد و اقبال لقب (پادشاه یو چیهای بزرگ) را دریافت گاهی این پو تیو تصور میشود که با ویهسادان (Vehsadjon) یاویهادجن (Vehsadjan) یکی بوده باشد که وی بکانقرانس خسروی اول ارمنی درمقابل اردشیر که بر اربا تان Arbatan پیروز گشته بود پیوسته است. این مبحث رادرطی صحبت از کاوشهای باستان شناسی گرشمن دربگرام دنبال خواهیم کرد شواهد سکه شناسی تاجائیکه به هندارتباط میگیرند اکثرا مبنی برمسکوکات حکمروایان دودمان گوپتا میباشند که آنها در مسکوکات معیاری خود از نوع سکه های کوشانی تقلید کرده اند. بقرار نظریه سمت (۷۵) مسکوکات طلایی پادشاهان اولین گوپتا مبنی برمسکوکات کوشانیها وسرانجام مبتنی برپول رومن ها بوده است.

آنها به پیروی کوشانیها دروزن ومعیارسکه های خود از Aurei رومنها تقلید کرده اند.

این تقلید ازشکل نمایان شاه که در یك قربانگاه هدیه تقدیم میکند و بالاپوش وشلوار چسپ و دراز در بر دارد طوریکه در مسکوکات کوشانیها دیده میشود کله شاه با هاله احاطه شده و بطرف چپ هلال بنظرمیخورد تعقیب ودرك شده میتواند نام بشکل راست و

عمودی نوشته شده ودردست چپ شاه بیرقی قرار دارد که بایك فیته ونوار طوریکه درمسکوکات کوشانی دیده میشود بسته شده است ودرعقب مسکوکات معیاری تقلید روشنی ازنوع مسکوکات اردوکسو (Ardoxo) بنظر میخورد. (۵۸) پس اگرحکمروایان گوپتا دروزن و نوع سکه های خود از کوشانیها تقلید کرده با شندطبعا خلا وفاصله زمانی بین حکمروایان آخرین دودمان پیشین و موسس دودمان بعدی بایست بسیار طولانی نبا شد.

ما نمونه های داریم که حکمروایان جانشین بعدی حتی نام خود را بر مسکوکات سلف خود و یا بر مسکوکات کدام دودمان سلطنتی دیگر نقش بسته اند بطورمثال گوتا می پوترا سا تا کا رانی (GautamiputraSatakarani) که نام خود را بر مسکوکات نهاپنه نگاشته ودرین صورت از احتمال بعید نیست که کسی از مسکوکات دودمان قدیم وکهنه تقلید کند که (۱۵۰) سال قبل حکومت میکرده است ما معتقدیم که شواهد سکه شناسی بکوشانیها وگوپتا ها راطوریکه تاکنون تصورمیشد برعکس آنها با هم نزدیك میسازند .

سمودراگوپتا (Samudragupta) اشاره میکند بهدایوپوترا شاها نوشاهی (۵۹) Daivaputra shahani shahi یك لقبی که حکمروایان کوشانی خصوصاً بقایای کوشانیها آنرا برای خود بکار برده اند .

ولی ما نمیتوانیم بگوئیم که دودمان سلطنتی بدون نام ونشانی برای مدت ۱۵۰ سال وجودداشته است .

بنا بر این خیلی محتمل است که خاندان کانیشکا از میان قرن

دوم تا پایان قرن سوم میلادی حکومت کرده باشند و به تعقیب آن کوشانیهای بعدی که آنها نیز در حدود ۵۰ سال حکمروایی نموده اند و همچنین معاصر بودن حکمروایان کوشانی با سودرا گوپتا صرف نظر ازاینکه سلطنت آنها چقدر خرد نیز بوده تائید میگردد.

باستانشناسی هندی و هنر گندهارا:

باستانشناسی هندی خصوصاً کاوشهای مارشال در تاکسیلا (۲۰) عاقبت الامر مشاجره ای را که بر سر قدامت کانیشکا بر خاندان کادفیزس ها نخست از طرف کننگهم و بعد از کنیدی و فلیت براه انداخته شده بود و آنها کانیشکا را در سال ۵۸ ق م قرار میداد حل و فصل گردانید. گزارش سرجان مارشال شایستگی آنرا دارد مدار اعتبار قرار گیرد و منحیث یك فیصله آخرین شناخته شود. سرجان مارشال میگوید مواد اولی وعمده ایکه در تعمیر ستوپه پیشوا متعلق به کانیشکا بکار برده شده همانند تاکسیلا میباشد در هرصورت درعهد ساکا پهلوانا آشنا بوده ولی در تعمیرات قرن دوم میلادی آنجا نمونه های همگون آن دیده میشود و علاوه میکند در مانیکیالا ستوپه بزرگی که در عصر هوویشکا بنا گردیده از هرلحاظ بان شباهت دارد.

ستون های چهار گوشه قد کوتاه وسرستونهای فاسد شده کورنتین corinthion وطبق هموار گچی در زیر ستونها و خشتهای دندانه دار هندی واشباهم که از تعمیرات قرن دوم وسوم میلادی در تاکسیلا نمایندگی میکند (۲۱) مارشال میگوید که طبقه بندی

و نوع مصالح تعمیراتی گواه براینست که این ستوپه ها را متعلق به قرن دوم میلادی بپنداریم. روابط و تعلقات کانیشکا با هنر گندها را (۲ ۶) نیز میتوانند در تاریخ گذاری کنیشکا بما کمک قابل ملاحظه برسانند.

قرار نظریه مارشال یک بار دیگر جعبه جواهر یادگاری با یک کتیبه از کانیشکا که از طرف کنو (۳ ۶) در سال یک تاریخ گذاری شده گرچه یقینی است ولی بایست به زوال و یا حتی بدوره اخیر هنر گندها را ارتباط داده شود.

مارشال باین عقیده است که هنر گندها را تحت امپراتوری کوشانیان انکشاف و توسعه نکرده است بارنت (Barnett) هم ۶ معتقد است که کانیشکا با شروع هنر گندها را پیوستگی دارد.

درحالیکه سمت (۵ ۶) میگوید که هنر گندها را در عهد کانیشکا به اوج کمال خود رسید.

سپونر (spooner) ووگل (Vogel) می انگارند که دوران شگوفانی این هنر بیش از اینکه کانیشکا روی کار بیاید سپری شده بود فوجر (Foucher) (۶ ۶) میگوید که کانیشکا درمیان دوره این هنر قرار داشت حال آنکه وادل (Waddel) ۷ ۶ بران متیقن نیست و برای این شک دارد که اگر طرح نا پخته داشت و کار خام کاریگر سکه ها و جعبه و جواهرات کانیشکا قرار یکه سمت دریافته در نظر گرفته شود.

ما نمیتوانیم پایه ستون هشت نفرو پایه ستون لوریان

(Loriyan) و مجسمه هریتی (Hariti) را در شکر دره که این همه کتیبه های دارند که بترتیب در سالهای ۸۱-۳-۳۸۳ و ۳۹۹ عهد قدیم تاریخ گذاری شده در نظر بگیریم اینها همه د رطرح و سبک خود خوب اند. ما میتوانیم فرض کنیم که براساس جواهرات یکه از لحاظ هنر در سطح خیلی پائین قرار دارد ومسکوکات کوشانی که نسبت به دودمان های حاکمه یونانی وپارتی قبلی شمال غربی بد تر انه این هنر در حال انحطاط و بعد از کوشانیها بار دیگر احیا گردیده ماست. این مشکل است که سنه کانیشکا و تعلق اورا با هنر گند ها را بطور یقینی وصریح تعیین کنیم نمیتوانیم که راجع به جعبه ای جوهرات یکه از اشیای مختلف ساخته شده قضاوت نماییم. چنین برمی آید که کانیشکا در دوران شگوفانی هنر گند ها را قرار داشته نه در دوران زوال وانحطاط آن

کاوشهادر بگرام وسایر نقاط :

کاوشها در بگرام (۸۶) کاپیسای قدیم در افغانستان در سال های ۱۹۳۷- ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ م توسط ها کن Hackin آغاز گردید و پسان درسالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۲ حقایقیکه در نتیجه کاوشهای گرشمن ghirshman بدست آمده برای تعیین سنه کانیشکا ارزش زیادی دارد.

این دانشمند فرانسوی از سه طبقه گزارش میدهد. طبقه اول یا قدیمترین متعلق به دوره ای قبل از کوشانیها میگردد زیرا مسکوکاتیکه درین مرحله بدست آمده شامل مسکوکات فرمانروایان شاخهٔ سپالیریزس spalirises گریکو باختری میگردد از قبیل

یوکراتیدس (Eucratides) منا ندر (Menander) هلیو کلس (Heliocls) اپولودوتس Apollodotus و هرمایوس (Hermaeus).

و نیز شامل مسکوکات شاهان از گروه سیتی پارتی Scytho—Parthion ازیس (Azes) گاندوفرنس و اباداگاسیس (Abadagasis) میشود و همچنان مسکوکات دو فرمانروای اول کوشان کجولاکادفیزس وویما کادفیزس را نیز در بر میگیرد.

طبقه دوم حاوی مسکوکات کانیشکا هوویشکا و واسودیوا میباشد مسکوکات فرمانروای آخر این مرحله با فتوحات شاهپور که کتیبه او بر دیوار کعبه زردشت یا مقبره زردشت نزد یک پرسیپولس در نقش رستم نقر شده همزمان میباشد.

این کتیبه بقرار نظریه مؤلف اجازه میدهد که بدون شبهه پایان شهر دوم کاپیسا بگرام دودمان دوم کوشانی تعیین گردد.

شاهپور اول سلطنت کوشانیها را فتح کرد و شهر پشاور و همچنان قلمرو کوشانیها را در گندوغیره اشغال نمود.

گرشمن مینویسد که بدون شبه و بطور یقین استنباط شده میتواند که شهر دوم بگرام در این گیرودار تخریب گردیده و سنه آنرا میتوان بین سال جلوس شاهپور اول (۲۴۱م) و جنگ دوم بر ضد رومن ها در (۲۵۲-۲۵۱م) پنداشته رشته سوم و آخرین مرحله مسکوکات که از شهر دوم بگرام بدست آمده اند متعلق به واسودیوا آخرین فرمانروای خاندان کانیشکا میباشد.

بقرار نظریه ساوانت (Sarvant) فرانسوی (۹۶) این موضوع را یك

متن چینائی بنام سان‌ـ کوتوـ چی San—kouo—teche نیز تائید میکند که نامی از یك سلطانی بنام پوـ تیاو (Po—tiao) میبرد که چینائی شناسان او را باواسودیوا ـ که در سال ۲۳۰ سفیری به چین فرستاده بود یکی میدانند و این همان شخصی است کـه از طرف موسس Moses ارمنی بنام ویهسادجان Vehsadjan سلطان کوشانیها ذکر شده است .

و درین جای شك و شبه نمی ماند که تمام این همـه سه منبع از یك نفر یعنی ازواسودیوا گپ میزنند بنا بر این انجـام وپایان کار این خاندان کوشانی کانیشکا رامیتوان بین ۲۴۱ و ۲۵۰ میلادی قرار داد . چون سند اخرین واسودیوا در سال ۹۸ سنه‌گذاری شده پس جلوس کانیشکا را میتوان بین سالهای ۱۴۴م و ۱۵۲م دانست . دریك مقاله بعدی خود گرشمن درین مورد کمی بصراحت گپ میزند (۷۰) و میگوید که جلوس کانیشکا را سال ۲۰۱ عهد قدیم که از ۵۷ ق.م) آغاز یافته باید بشمرد . واگر اینطور شود پس این سنه به سال ۱۴۴ م تصادف وانطباق میکند .

گرشمن اظهار نظر میکند (۷۱) که اگر کسی از پارو پامیزاد به باختر و ناسغد پا نهد بر دو از شش نقطه مهم تاریخی عبور میکند که بلا شك از لحاظ باستانشناسی وسکه شناسی یك وحدتی بین آنها محسوس خواهد کرد آن نقاط از ین قبیل اند .

بگرام سرخ کوتل قلعهٔ سرکی کوبد kai—kobeed شاهنامکی قباد) ایرتام ترمز (Airtam—termez و تالی برزو (Tali—Barzuu نزد یك سمرقند درهریکی ازین نقاط تاریخی شهر (یا معبد) کوشانیهای بزرگ

یا تخریب گردیده و یا در زیر توده های خاکستر مدفون ناپدید گشته اند. ولی بعد از سپری شدن مدت زمان کوتاهی شهر بار دیگر احیا گردیده و شهر دیگری بر خرابه های آن (بجز دژ زیر تا امروز که در عهد دودمان سوم و یا آخرین کوشانی ترک داده شد) سر برافراشته اند اگر شکست و ریخت و سقوط معبد سرخ کوتل و گرد و نواح آن در نتیجه فتوحات اردشیر اول پنداشته شود تخریب نقاط دیگر در جنوب هندوکش چون بگرام و در شمال (اکسوس - درسغدیانا) بایست از درك واقعیات تاریخی ای که در کتیبه کعبه زردشت شاهپور اول داده شده استنباط نمود.

امپراتوری کوشانیها را اثر فشار ساسانیها که در دوران اردشیر اول آغاز و در زمان شاهپور اول پایان یافت یعنی در مدت (۲۰) سال سقوط نمود راجع به سقوط امپراتوری کوشانیها و توسعه نفوذ ساسانیها معلومات منابع کتیبه شناسی ایران نیز از طرف اسناد ارکیالوجیکی در تمام ساحات تائید میگردد. بعضی از دانشمندان بر گزارش گرشمن که میگوید بگرام از طرف شاهپور گشوده شده است انتقاد میکنند و میگویند که او شاهپور نبوده بلکه اردشیر بوده است (۷۲) و دوم اینکه پوتیو (Po—tiao) سال ۲۳ منابع چینی شاید که با واسودیوای دوم ازخاندان کوشانی های بعدی یکی بوده باشد.

اینها دو نکته مهم مشاجره است بین دانشمندان اگر نظریه گرشمن پذیرفته شود پس کانیشکا بتاریخ سال ۱۴۴ م بر تخت جلوس کرده است.

ما قبلاً ذکر داده ایم ۷۳ برای آنکه از یك تصادم بین کانیشکا وورود اردامن جلوگیری کرده باشیم وروداردامن که سال ۷ ۲ عهد ساکا ۰ ۵ ۱ میلا شد یقینی بوده و دراینصورت کانیشکا بعد تر در ربع دوم قرن دوم میلادی قرار میگیرد.

وموقعیت واسیشکا (Vasishka) که ما اورا متعلق به خاندان بعدی کوشانیها میدانیم نیز واضح خواهد شد بدون اینکه تصادم او با حکمرانان ساکا بر سر نواحی ملو امکن پیدا شته شود.

این نکته را ما بعدا بتفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد و برای فعلا باید بگوییم که دانشمندان غربی توافق نظر دارند که کانیشکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند حالا نکه مورخان هندی بطورعموم درین مورد از احتیاط زیاد کار میگیرند. مشکل است کسی بتواند باصور خشك متکی وپابرجا باشد. ولی پهلوی هم قرار دادن حقایق و شواهد وارزیابی آنها ممکن است انسان را درین مورد به حقایق برساند و یا نزدیك سازد. ما هنوز معلومات نجومی دانشمندان را درین مورد وهمچنان عنعنات چینائی و تذکرات منابع بعدی راجع به کانیشکا را قابل اعتنا وملاحظه میپنداریم.

اطلاعات نجومی:

اطلاعات نجومی از بعضی از اسناد زمان کانیشکا از طرف بعضی از دانشمندان چه هندی وچه غربی مورد مداقه قرار گرفته است (۷۴) ولی بدون اینکه بکدام نتیجه برسند.

سن گوپتا P.C. Sengupta نیز سعی خود را باین محاسبات وقف نمود

بقرار نظریه او عهد کانیشکا (۷۵) از ۲۵ دسامبرسال ۷۹ . ویا از سال دوم عهدساکا آغازگردیده که این نظریه تمام شرایطو حالا تیکه از اطلاعات کتیبه های خروشتی گروپ بی ستین کنو بیرون آمده قانع کننده میباشند .

اوعلاوه میکند که کانیشکا در آغاز عهدساکا میزیست و امید وارست که تمام مؤرخان خوب آنرا تائید خواهند کرد .

همان اطلاعات قبلا ازطرف موکرجی D. N. Mukharjee (۷۶) نیز بکاررفته و باین نتیجه رسیده بود که عهد کوشانی یا کانیشکا آغاز یافته بایست باسال ۷۵ ق م عهد ویکرا ما یکی پیوند شته شود طوریکه میبینیم این هردوعین اطلاعات را بکار برده اند و درین صورت چگونه میتوانیم این دونظریه متفاوت ومتضاد را باهم آشتی دهیم این شایسته نیست که کسی یك نظریه را برروی اطلاعات محض نجومی ارائه دهد وهمچنین این حادثه عجیب بعد از چندین سال دوبرزدن باردیگر بوقوع پیوسته است .

درین مورد بدنیست چندی از شوترا های Sutras پانینی را از اشتادهیائی Ashtadhayayi در اینجا نقل کنیم .

شوترا اول چنین میگوید « سامین پورنا ماسی ایتی ۲۹ - ۲ - ۴ Sasmin Paurnamasiti این جمله چنین شرح میدهد که ماه پوشا Pousha آنست که در آن پوشیا نا کشاترا Pushya Nakshtra برما کامل حتما می افتد این حادثه هرسال بوقوع می پیوندد. نامگذاری ماه براساس نا کشاترا بالای ماه کامل نیز درمورد چیا ترا Chaitra

کاملا صدق میکند ولی بهرحال اطلاعات نجومی به سختی میتوانند درین مورد اندك کمکی برسانند.

ستین کنو به همکاری وان ـ وجك Vanwijk بمحاسبات نجومی پرداخت و کوشید که سال اول عهد قدیم ساکا را تعیین کند ولی نتیجه قانع کننده نگرفت و این کار در مورد تعیین سال اول کانیشکا بر اساس اطلاعات نجومی اسناد عهد کانیشکا نیز خیلی دشوار و بی نتیجه است زیرا شواهد غیر قابل اعتماد اند.

منابع چینائی :

در باره کانیشک مستر لیوی M. Levi اطلاعات ارزشمندی را از متون چینائی جمع آوری کرده است (۷۷) کلپنا ماندیتی کا Kalpanamanditika کومارالتا (Kumaralata) در ترجمه چینائی آن که محتملا بعد از فرمانروائی کانیشکا تالیف شده باشد درخاندان کیوشا (Kiu—sha) اشاره میکند به چن تان نی چا (Chen—tan—ni—cha) که او تونگ تین چو (Tung—Tien—cho) را فتح کرده و مملکت را مطیع خود ساخته بود بقرار نظریه هوبر (Huber) ولیوی این کشور عبارت بود از هندشرقی شهرت فرمانروائی به پیمانه وسیع بهرطرف پخش بود و عاقبت الامر او از راهیکه از سرزمین وسیع و هموار میگذشت به کشور خود مراجعت نمود. ما قبلا راجع به یکی بودن چین تان (chen—tan) با چاندانا (chandana) که یك نام قدیمی است برای ختن بر اساس نظریات سارات چندداس (sarat chand das) صحبت کرده ایم.

ستین کنو این گذارش را با گذارش مهاراجا کانی کا لی کا

کانیشکا را از نژاد کوسا (Kusa) میداند مقایسه میکند واظهار نظر مینماید که کانیشکا از ختن برخاسته است (۷۸) بقرار نظریه پروفیسور فقید ناروبژی این مطلب ازدو منبع استنباط شده است که گفته میشود کوشانیهای هندی کمی بعد از مرگ ویما کادفیزس تلاش کردند که برای استحکام موقف وموقعیت خود دست اتحاد پسران عموی خودرا دورماندراء پامیر بفشارند ودرنتیجه قدرت کوشانی به پیمانه وسیع بزرگ ومستحکم گردید.

وعهدجدیدی را بمیان آوردند که ممکن در ترکستان وهند هردو بکار برده شده باشد.

۷۹) سیلوین لوی (sylvainlevi) یک ماخذ دیگری را راجع به کانیشکاو امپراتوری و سیع او از تاریکی بروشنی کشید.

سنگهارا کشا (sangharaksha) یک ملا امام سلطان کوشانی که از باشندگان اصلی سوراشترا (surashtra) سولی یا سولی نا Sio—Lai (siu-lai-na) بود. ۷۰سال بعد از بودا زندگی میکرد به گندهارا (kien-to-yue) رفت تا نیشکا را ببیند. ولی دید که او (کانیشکا) به شمال غرب رفته و با امپراتور چین در پیکار است.

تصادم کوشانیها باچینایی ها نیز از روی ماخذ فتوحات نمایان پان چاو (pan—chao) و پان یونگ (pan-young) استنباط شده است.

پیشنهاد ازدواج سلطان کوشانی ازشهزاده خانم چینایی توسط یک سفیر وبازداشت سفیر وا ینکه در قبال آن (sei) با قدامات جنگی پرداخت وعاقبت الامر شکست خورد و بالاخره پیشنهاد باج وخراج بدربار چین اینهمه واقعات از طرف بعضی از دانشمندان تصور میشود که این سلطان

کوشانی عبارت بوده از کانیشکا و تمام این واقعات در سال ۹۰م بوقوع پیوسته اند.

۸۲) ولی ما این پهلوی از روابط کوشانی چینائی را به ویما کادفیزس نسبت داده ایم و این پاره از شواهد نه بر سنوات کانیشکا روشنی می‌اندازد ونه اهانتی به امپراتور کوشانی از آن استنباط میشود اینکه میشنویم (۸۳) که کانیشکا تمام ولایات همسایه خود را تحت قیادت خود در آورد ومردمان ممالك دور را به اطاعت خود وا داشت و از نقاطیکه او بر اثر توجه استثنائی ومهربانی ودلجوئی خود آنهارا بخود جلب کرده بود از آنجاها تحفه ها وپرغمل ها بدربارش میرسید اینهمه‌عکس آن گزارشها یست که قبلا شنیده بودیم گزارشهای هیون تسنگ Hiven—Tsang درمورد قدرت ووسعت امپراتوری کانیشکا نسبتا معتبر پنداشته میشود.

ولی حتی او هم نمیتواند در باره تعیین سنه کانیشکا بصراحت چیزی بگوید لیوی از یك منبع چینائی بنام (Fa-tsang-yinyuan-chuan) نقل قول میکند که در آن یك روایاتی گزارش یافته که میگوید کانیشکا در ضمن یك لشکر کشی بطرف شمال بقتل رسید.

۸٤ - پروفیسور لوهویزن - دی - لیوو (۸۵) میپندارد که این لشکر کشی همان است که از طرف پان - چاوگزارش داده شده و چنین یك افسانه از طرف هیون تسانگ نیز گزارش یافته است.

اچ سی گهوش (H.C.ghesh) توجه ما را بیك گزارش معطوف میدارد که درمتون دوازده گانه چینائی ثبت شده وتوسط ماسپرو (Maspero) ترجمه گردیده است در این گزارش گفته میشود که امپراتورمینگ

(Ming) بود اورا در خواب دید و متعاقباً سفیری به هند فرستاد که این واقعه ضروراً باید بین سالهای ۶۲ و ۷۵ رخ داده باشد.
کانیشکا درین متون بنظر نمیخورد بقرار نظریه او منظور از پادشاهی تا - یوچی (Ta-yueh-Chi) یقیناً کانیشکا نیست:

متون بودائی هیچگاه این فرصت را از دست نداده بود که نام امپراتور بزرگ را در مورد ورود رسمی بودیزم در چین ذکر کنند یعنی آن متون حتماً نام آن امپراتور بزرگ را ثبت میکرد اشاره آخرین در سان - کو - چی (san-kuo-chih) بخش وی - چی (wei—chi) فصل سوم صفحه سوم راجع به پو تیو (Fo—tiao) است که او سفیری را در سال ۲۳۰ به امپراتور چین فرستاد و در قبال آن لقب پادشاه تا - یوچی را دریافت بقرار نظریه چاوانیس (۸۷) پو - تیا او بوجه احسن به واسودیوا - تعبیر شده میتواند و اگر چنین باشد این ممکن خواهد شد که شروع سنه عهد کانشکا درحدود سالهای بین ۱۳۰ و ۱۷۰ م یقین شود (۸۸) گرشمن این پاره ازشواهد را در تعیین عهد کانیشکا در سال ۱۴۴ م خیلی معتبر میشمارد (۸۹) آنها یك کانیشکا را باعهد ساکا در سال ۷۸ م مربوط میدانند این حکمروا را عبارت ازواسودیوا دوم از خاندان بعدی کوشانی می پندارند.

۹ - با نکات این نکته ممکن است قدرت وشجاعت ووسعت امپراتوری کوشانیهای بعدی تائید گردد.

به استثنائی تائید یك عده مسکوکات موجودیت این حکمروا مورد شك و تردید قرار میگیرد. بقرار نظریه گرشمن آخرین سکه ها ئیکه

از بگرام بدست آمده متعلق به واسودیوای اول میباشد ۹۱ ما معتقد هستیم که این حکمروا از سلسله حکمروایان کوشانی خاندان کانیشکا شخص سوم بوده که بین ۹۷ و ۹۸ حکومت کرده است.

۹۲- اودرین منبع چینائی بنام تانه یوجی ذکر شده زیرا تمام قبایل بشمول کوی‌شوانگ که خود از نژادیوجی محسوب نمیگردید بعد از آنکه با اقوام تایوجی بطرف غرب شبیه همدیگر گردیدند باین اسم نامیده میشدند.

یک مرور مختصر :

ما اطلاعاتی را که به کوشانیها وخصوصاً بسنه کانیشکا ارتباط میگرفت از تمام منابع دردست داشته مورد بحث و توجه قرار دادیم دانشمندان نتوانستند براین نکته بکدام توافقی برسند. متاسفانه چیزی تازه بدست نیامد واین تنها یک ارزیابی وآزمایش مجددی بود که از منابع معلوم کردیم اکثر دانشمندان غربی به استثنای بعضی ها متمایل اند که کانیشکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند.

واکثر دانشمندان هندی البته به استثنای چند نفر، متمایل اند که درین مورد محتاط باشند و با (کانیشکا) کریدت بدهند بدین مفهوم که عهد ۷۸ م را او تاسیس نموده است.

استدلال مهم آنها حاکی بر اینست که مادر قرن دوم میلادی کدام عهدی راسراغ نداریم وهکذا تصادم کانیشکا باوجود رادامن که در کتیبه جوناگاه (Junagah) ثبت شده یک حقیقتی بود که از آن چشم پوشیده شود.

هرگاه چنین پنداشته شود که هردوی شان کم و بیش معاصر همدیگر بوده اند. ووِیما کادفیزس که جانشین پدر هشتاد ساله خود شده ممکن نیست برای یک مدت درازی حکمروایی کرده باشد ویک دوره بین سالهای ۷۸ و ۳۰ م برای او کافیست و کانیشکا متصلا جانشین او گردیده است (تاجائیکه به «پو-تیاو (Po—Tiao» ارتباط میگیرد توضیح داده شده که او از واسو دیوای دوم یک حکمروای بعدی کوشانی مجزا شد.

ازطرف دیگر بخوبی فرض شده میتواند که عهد کانیشکا شاید که تنها یک عهد سلطنتی بوده است و غالبا درصورت وجود صدها سال واین که از طرف حکمروایان بعدی کوشانی ادامه یافته است. ما کدام گزارشی ازاسناد کانیشکا وجانشینان او در این سه رقم نیافته‌ایم علاوتاً یک دوره ۹۰ سال برای ویما کادفیزس خیلی ناچیز است. درحقیقت بجز گزارش غیرمستقیم کتیبه سال ۱۰۳ تاکسیلا شواهد دیگری در دست نیست که به موجب آن حکمروای کوشانی را با القاب مهاراجا - راجا تی راجا - دیوا پوترا تنها عبارت از ویما بدانیم نه پدر او کجولا را گذشته از آن این غیر ممکن نیست که پسر این مرد هشتاد ساله یک مرد جوانی بین سنین ۳۰ و ۴۰ بوده باشد که او نیز مانند پدر خود مدت درازی عمر کرده است.

تصادم کانیشکا با رودرا دامن ضرور نیست یک واقعیت باشد اگر کانیشکا در حدود سال ۱۴۴ م قرار داده شود، درآنصورت ارسنه علیا را بعد از مرگ حکمروای ساکا فتح نموده است.

تسلط کوشانیها بر مالوا خصوصاً در پرتو کتیبه سال ۲۸ سانچی متعلق به واسیشکا شاید یك واقعه باشد مربوط به کوشانیهای بعدی در منابع چینائی اشاره به پوتیا و باواسو دیوای اول که مسکوکات او از بگرام بدست آمده تطابق میکند حکمروایان بعدی کوشانی نه آنقدر مهم بود ندونه هم امپراتوری شان آنقدر وسیع بود که ایجاب یك اتحاد را به وي (Wei) کند. ما در موقعیت مصئونی قرار داریم که کانیشکا وخاندان اورا از میانه قرن دوم میلادی به میانه قرن سوم میلادی قرارمی دهیم که به تعقیب آنها کوشانیهای بعدی که باگوپتاهای نخستین معاصربودند رویکار می آیند. طوریکه از کتیبه ستون اله آباد متعلق به سمودراگوپتا از کلمات دیواپوترا - شاهی- شاهانو شاهی Daivaputra shahi Shanushahi که در آن بکاررفته بود است واین امکانات وجود یك دوره تاریك را بین کوشانیها وگوپتاها از بین خواهد برد.

کانیشکا وهند شرقی:

چنین برمیاید که امپراتوری کانیشکا تا به شرق سرنات (۳۹) جائیکه از آن کتیبه هایی بدست آمده که درآن از هدایایی فریر بلا (Friar Bala) گزارش داده شده توسعه یافته بود اشاره ایکه به کشاترا پاواناسپاره Vanaspara و مهاکشاترا پا کهرا پالانا Kharapallana بعمل آمده از آن چنین استنباط میشود که سرنات-

نوت- شماره ۳۹ دراصل متن وجود ندارد.

وارانا سی با یست مرکز ولایتی دول شرقی امپراتوری او بوده باشد و این طبیعی است که این مرکز اداری بایست درمحلی قرار میداشت تا به گنج و کنار امپراتوری او رسیدگی کرده میتوانست امپراتوری کوشانی تحت اثر کانیشکا تا به بهار توسعه یافته بود واین واقعیت از مسکوکات مختلفی که ازین فرمانروا وجانشینان او در ین ناحیه بدست آمده آشکار میگردد. (۹۵) ما قبلا به ترجمه چینائی سری دهار ما پیتا کائیدانا سوترا Sriddharmapitatanidanasuta که درسال ۴۷۲م صورت گرفته اشاره کردیم. (۹۶) که چن تان کیا نی چا (Chen—t'an—Kia—ni-Ch'a) پادشاه پوتالی پوترا را شکست میدهد واز او تقاضای غرامت کلانی را میکند ولی موافقه کرده که در بدل غرامت اسواگوشا و کاسه خیرات بودا وخروسی را بپذیرد واظهار نظر گردید که فتوحات شرق درزندگانی کانیشکا یك نقطهٔ عطف بود که توسط صاحب خود اسوا گوشا در بودیزم فرورفت و آنرا تقویه وگسترش بیشتری بخشید. تسلط کوشانیها بر بهار که از طرف کانیشکا آغاز گردید ازروی مسکوکاتی که بدست آمده تائیدمیگردد. سپونر (Spooner) درضمن کاوشهای خود در پتالی پوترا مسکوکات زیادی را دریافت نمود. (۹۷) که اصل مبداء آنها تا به اسورا Asura در ناحیه رانچی Ranchi گسترش یافته است. دوسکه از یك زمین زراعتی درحالی بدست آمد که زمین قلبه و شخم زده میشد (۹۸) سه عدد سکه کوشانی در بنگال نیز پیدا شده بود (۹۹) درحالیکه سکه های طلایی کانیشکا از تملوك Tamluk ومهاستانا Mahastana که نواحی این در تامرا لیپتی (Tamralipti) وپوندراوار دهانه

(Pundravardhana) قدیم بدست آمد طوریکه از صفحه بودهگایا (Budhgaya) برمیآید تسلط کوشانیها بر بهار تامهدهوویشکا ادامه داشته است. (۱۰۰)

اینکه پیش از تسلط کوشانیها کدام سلطان ویا کدام قوم بر این سرزمین حکم میراند بطلیموس (Ptolemy) به یك قومی اشاره میکند (۱۰۱) که ماروندای (Maroundai) نامیده میشد که بطرف چپ رود گنگا درناحیه جنوبی گاگرا ودرقسمت بالایی دلتازندگی میکردند.

سیلو ین لیوی این مردم را باموروندا ها (Murundas) که آنها یا مردمان سیتی و یا کوشانی بوده اند که چینایی ها به آنهامولون Maolun میگفتند یکی میداند.

بقرار نظریه الن (Allen) (۱۰۳) که میگوید ماشواهد زیادی دردست داریم که نشان میدهند در قرون اولی عهد مسیح سلطنت موروندا خیلی پر قدرت بود وقسمت بزرگ وادی گنگا را احتوا میکرد ودودمان سلطنتی آنخارجی بود موروندا ها شاید خارجی بوده اند که وادی گنگا رااحتو میکرد ولی این مشکل است که حکمروای آنها را بشناسیم در کتیبه زید ا (Zeda) لقب مرو داسا مارجها کاسا (Murodasa Marjhakasa) برای کانیشکا بکار برده شده است.

درین صورت ممکن است گفته شود که کانیشکا این لقب را بعد از شکست دادن مروندا ها وگشودن بهار بکار برده است این فرضیه یقینی ومطلق نخواهد بود ولی فتح بهاریك امروا قعی است، این مشکل

است که وسعت امپراتوری کوشانیها را در شرق وجنوب شرق تعیین و تشخیص نمود. بوس (Bose) دریک مقاله خود تحت عنوان مسکوکات کوشانی ای پوری (Puri) مینویسد (۱۰۴) این مسکوکات از طرف آن قبایلی از شعبات کوشانی مروند انتشار یافته که قبلاً حکمروای بهار بوده اند ولی در نتیجه ای توسعه حکمروایی گوپتا مجبور شدند که بهچوتا ناگپور (Chota Nagpur) ودیگر نواحی جنگلی مانبهوم Mandhum واسورا Asura وغیره جاهائیکه این مسکوکات از آنجا بدست آمده اند پناهنده شوند. یکی وعین چیز پنداشتن مروندا ها با کوشانیها مورد سوال واقع میگردد. ولی اینکه مروندا ها بر اثر توسعه حکمروایی گوپتا به مهاجرت از وطن اصلی خود مجبور ساخته شده باشند شاید راست باشد. واحتمال دارد تاثیر کوشانیها بر مسکوکات محلی درنتیجه نفوذ حکومت کوشانیها در آن نقاط بوده باشد.

کانیشکا و آسیای مرکزی:

ما قبلاً نقشه فتوحات کانیشکا را براساس اسنادیکه سنه گذاری شده و بدست آمده به آگاهی رساندیم ستین کنو اظهار عقیده میکند (۱۰۵) که کانیشکا نخست بسرزمین وادی گنگا رفت وبعد در راه بازگشت بوطن اصلی خود غالباً ختن جاییکه او وجانشین وی بحیث ری بحیث فرمانروا بر تمام امپراتوری بر سمیت شناخته شده بود بطرف غرب خط سیر اولی خود را تعقیب نموده بقرار گزارش هیوان تسانگ (۱۰۶) کانیشکا توسط لشکر بزرگ خود بریک سرزمین وسیعی حتی تا به نواحی شرقی کوههای خونگ لینگ Tsung Ling حکمروایی

میکرد او (هیون تسانگ) از شهزادگان آسیای مرکزی امپراتور کوشانی آنهارا بحیث یرغمل نزد خود نگهداشته بود نیز سخن میگوید درین مورد پروفیسر بیلی (Bailey) روشنی تازه انداخته است ویک کتیبه ختن را بررسی نموده و درباره یک پادشاهی بنام چندرا کانیشکا از سلطنت بهلاکا (Bahlaka) مواد قابل ملاحظه بدست آورده است .

او گزارش میدهد که در آن وقت و در آن سلطنت در تخارستان درخاندان فرمانروایان امپراتوری یک پادشاه دلاوروستوده وهوشیاری از جمبودویپا (Jambudvipa) بنام چندرا کانیشکا پا بعرصه وجود گذاشت (۱۰۷) گرچه مشکل است که براساس شواهد همنام بودن یک نظریه قطعی قایم گردد ولی اینکه امپراتوری کانیشکا تا به بلخ وختن وسعت داشت جایی برای شک و تردید باقی نمیگذارد (۱۰۸) گزارش دریاره یک ما لك الرقاب واخان و کهراسالیرا (Kharasalera) درعهد هوویشکا که ازماتهورا (Mathora) دیدن میکند ووقف و هدایای دایمی را در آنجا تاسیس میکنند دال براینست که کوشانیها در آن ناحیه مسلط بودند راجع به فتوحات هوویشکا معلوماتی در دست نیست گرچه اسناد اواز وردك (۳۰ میل بطرف غرب کابل) یافت شده و راجاترانگینی (Rajatrangini) (۱۰۹) نیز تسلط اورا بر کشمیر ذکر میکند . واین نواحی را شاید که او بحیث وارث پدر تصاحب کرده باشد .

دکتر مجومدار (Dr. Majumder) چنتان کانیشکا (Chentar Kanishka) را با چندارکه در کتیبه ستون مهرولی Mehravli ازان ذکر شده یکی

وعین شخصی میداند (۱۰۱) لیکن زیادوارد نیست، ما براساس شواهد در دست داشته میتوانیم ادعا کنیم که چطور ممکن است که کانیشکا بعد از فتح کشمیر پس به سلطنت اصلی خود دختن عودت نموده باشد و یا آن ناحیه‌حتی ما وراء آنرا طوریکه هیون تسانگ فرض کرده فتح کرده باشد.

کانیشکا و هندغربی :

فتوحات کانیشکا در هند غربی بشمول قسمت های سند، از روی کتیبه سوویهارا در سال ۱۱ این عهد مشهود است.

کوزه های شکسته سفالی که ازمقام توردهر (Tordher) واقع در وادی تل و ناحیه لورلایی در بلوچستان بدست آمده برروی آنها نوشته های از کانیشکا دیده میشود به استناد آن ستین کنو اظهار عقیده میکند که قدرت کوشانیها تحت تسلط کانیشکا ویا یکی از جانشینان او بر این سرزمین گسترش یافته است وخطوط قدیمه کتیبه ها انسان را وا میدارد که یولامیرا Yolamira که دربن سند از آن‌نام برده شده شاید که یك والی و یا رئیس محلی غالباً در تحت فرانروایی کوشانیها بوده است. (۱۱۱).

اگر کانیشکا در قرن دوم میلادی در اوج قدرت خود بود چطور ممکن است که درنواحی سفلی اندوس همزمان با تسلط رودرادامن مسلط بوده باشد بعلاوه چنین یك معضله مشابه راجع به اکارا (Akara) (دومالوای شرقی) نیز عرض وجود میکند که این منطقه از طرف هر دوورود رادامن و حکمروای کوشانی واسیشکا اداره میشد (۱۱۲).

درحالیکه یک عده زیادی از دانشمندان باین عقیده اند که امورا توری کوشانی فرمانروای کشاتراپا هاهند غربی بوده اند. (۱۱۳) هستند عده ای دیگری از دانشمندان که ازان انکار میورزند (۱۱۴) عبارت کتیبه جوناگر (Junagarh) موقعیت رودرا دامن را بحیث یک سلطان مطلق ومستقل بازگو میکند. Svayam— admigata-) (Mahakshatrapanamana-
این مطلب راحتی آن عده از دانشمندانیکه او را با کانیشکا معاصر میدانند پذیرفته اند (۱۱۵) آنها میگویند که وی بکمال غرور ازین حرف میزند که مقام مها کشترا پارا خود بدست آورده است درین جا سوالی عرض وجود میکند که از طرف چه کسی میتواند بکمال اطمینان خاطر توضیح نماید که او برسمیت شناختن خود را از طرف کوشانی های بزرگ غالبا کانیشکا دریافته است. ؟ !

معاصر بودن کانیشکا با رودرا دامن واینکه رودرا دامن از استقلال مطلق برخوردار بوده سوالی را بمیان میاورد که چطور ممکن است قلمرو های هردوی آنها درنقاط غربی وسند باهم دیگر متداخل بوده باشند بقرار نظریه رای چودری H. C. Raychaudhary (۱۱۶) تسلط رودرا دامن برسند هندو ساوویرا (Sauvira) بصورت واضح آشتی ناپذیر است با تسلط همزمان کانیشکا بران منطقه سوی ویهارا این منطقه ضرور باید تحت کنترول رودرادامن بوده باشد اگر تسلط اورا برسند هوومارو (Maru) وتصادم اورا با یاودهیا های وار وتصادم اورا بایا دوهیا های جوهیاوار (Yaudheyas of Johiyawar) در نظر گرفته شود.

در حالیکه رای چودری این واقعیت را بحیث یك شاهد قوی برضد قراردادن کانیشکا در قرن دوم ق م ومعاصر رودرا دامن میاورد این یك واقعیت آشکار است که تسلط کانیشکا بر سودیها راوتا به سند درزمانیکه رودرادامن نبود گسترش یافته بود این مسئله در عین زمان معضله مربوط به تسلط واسیشکا را برسانچی درسال ۲۸ قلمروی رودرادامن را دراکارا Akara (در مالوای شرقی) نیز حل وفصل میکند.

صرف نظر ازین گسترش امپراتوری کوشان درجنوب غربی به استناد بعضی منابع که مورد توجه سلوینی سیوی قرار گرفته، تائیدو توجیه میگردد (۱۰۷) او شواهدی وادر باره توسعه نفوذ کوشانیها در جنوب اقامه میکند و تونگه لی Tung—li تاریخچه بعدی چینائی را که مولف ازان درسال ۹۹۹ م نام برده ولی واقعات قبل از ۱۰۷۰ را ثبت نموده با سرزمین اوراویدین ها Oravidian یکی میداند بقرار نظریه تو ماس (۱۰۸) در زمینه تشخیص و تعیین سرزمین تونگه لی اسناد وشواهدی در دست نیست این منطقه در جنوب هند واقع بودهو تعیین سده اشغال آن توسط کوشانیها نیز بطور یقینی ممکن نیست.

تاجائیکه بروابط کاشانیها باکونامی پوترا و رودرادامن (که بدون شك با کوشانیها معاصر بوده) تعلق میگیرد، اسناد وشواهد کافی در دست نیست ولی گفته میشود کونامی پوترا غرور خود یعنی کشاتراپاها را پامال نمود او که ساکاها یاوانا ها وپهلواهارا به تباهی کشید او که خاندان خاهارا تا Khaharata

را از بنیاد بر کند ، از او که عظمت و دبدبه نژاد ساتاواهانا Satavahana را برای شان برگردانید هیچگاه از کوشانیهاو یا تخارها خبری نداشت بنا بر این ما میتوانیم فرض کنیم که گوتامی پوترا از لحاظ نژادی بین کوشانیها و ساکا ها که او تنها با نها درحال زد و خورد بود تمیز و تفاوتی را قایل نبود در بار رودرادامن میتوان یك توضیح متمایزی را ارائه نمود برای او بحیث یك حکمروای هندو شده خوش آیند نبود که راجع به آنها به اندازه ایکه ترفیع خودرا بمقام مهاکشاترا پالازم میدانست بوضاحت چیزی بگوید .

جانشینان او که سرزمین تسلط شان کوشانیهاو قدرتهای دکن را از همدیگر جدا میساخت وحائل تصادم آنها میگردید شاید که از طرف کوشانیها آنقدر تحت فشار نیامده ، وازمداخلات کوشانیها تجربیاتی نه اندوخته بودند .

بی علاقمند بودن مداوم مردم هند غربی وجنوبی درمورد آنچه که درشمال رخ میداد ممکن است سبب اصلی کمبود ویا نبودن شواهد راجع به کوشانیها بوده باشد (۱۱۹) ما اظهار عقیده میکنیم که کانیشکا شاید معاصر رودرادامن که قلمرو او تا به سندهوسوویرا می رسید نبوده است واین تنها بعد از مرگ او بود که اسورا تور کوشانی ناحیه سوویهار Suivihar را ضمیمه نموده و قلمرو خود را بطرف جنوب گسترش داده است .

بگمان غالب یولامیرا (Yola—Mira) مذکور در کتیبهٔ توردهیرای Tordherai شاید که بحیث ساتراپ تحت اثر اسورا تور

سید ذوالمجید عالمشاهی

کوشانی بوده باشد طوریکه ستین کنو اظهار عقیده کرده است .

بنا بر این سؤال تصادم کانیشکا با رودرادامن برسرسند هووسوویرا درمیان نمی آید . چنین استنباط میشود که انتخاب لقب مهاکشا تراپا نشانه ایست که اوحیثیت یك سلطان مطلق و مستقل داشته که این حیثیت را مردم از هرگروه برای او داده بودند ، واو وعده کرده بود که آنرا حفظ کند .

اعطای این قیمومیت از طرف مردم این احتمال را از بین میبرد که او(رودرادامن) تحت اثر کانیشکا بوده باشد. تعیین و تشخیص حدود قسمت های غربی وجنوب غربی امپراتوری کانیشکامشکل است ولی این بکلی واضح است که او(کانیشکا) یك قسمت قابل ملاحظه ای از قلمرو سلطنت رودرادامن را در شمال غرب بعد از مرگ او تصاحب کرده باشد . این مسئله باچوکات کرونولوجیکی ما نیز تطابق میکند که جلوس کانیشکا را درحدود سال ۱۴۴م قرار میدهد .

کانیشکا وکشاتراپاهای او:

اسناد کتیبه شناسی برطرز اداره امپراتوری وسیع کانیشکا روشنی قابل ملاحظه می اندازد . در باره سیستم اداری و ولایتی ومحلی کوشانیها دریك فصل دیگر بطور مفصل صحبت خواهیم کردو در اینجاما تنها از آن روسای ولایات صحبت می کنیم که دراسناد کوشانیها بحیث کشاتراپاهاو مهاکشاتراپاها شناخته شده اند . کتیبه سرنت (۱۲۰)که از اهداووقف فریر بالا (Friar Bala) گزارش میدهد ازوانا ساپارا (Vanasapara) بحیث کشاتراپا و ازخراپالانا

(Kharapallana) بحیث مهاکشاتراپاذکر میکند که هردو درسر نت بودند . این مشکل است که در یك واحد اداری قدرت هردورا تشخیص و تعریف و توضیح کنیم چون درآنجا راجع به مهاکشاتراپا کدام مأخذ دیگری وجود ندارد ممکن است پنداشته شود که خرپالانا (Kharpallana) متصدی اداره قلمروی شرقی امپراتوری کوشانی کانیشکا غالباً نایب اودرماتهورا بوده است . اوخود شاید به آنجا رفته باشد و یا هدیه دهنده ترجیح داده است که نام او را نیز ذکر کند .

در کتیبه های کوشانی عهد کانیشکا ازنامهای چندین کشاتراپا ها ذکر رفته است .

مثلا کتیبه زیدا (Zeda) (۱۲۱) از لیاکا (Liaka) و کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۱۲۲) از و یسا پاسی (Vesapasi) و کتیبه جعبه ای جواهرات مانیکیالا (۱۲۳) از نام کشا ترا پای کاپیسا نام میبرد . کشاتراپای کاپیسا پسر کشاتراپا گرانا وهـریـاکـا (Granavhryaka) بود چنین برمیاید که تقرراو بر اساس حق مورو ثی بوده است نقاطیکه این کتیبه ها واسناد از آنجا بدست آمده نشان میدهد که کانیشکا والیان خود را در مانیکیالای راولپندی تحت ادارهٔ افغانستان ودر کاپیسا و بگـرام مستقرنموده است و این بدان معنی نیست که این نقاط یگانه واحد های اداری امپراتوری کانیشکا بوده اند وشاید چندین نقاط دیگر بحیث واحد های اداری نیز وجود داشته اند . وغالباً یکی هم در وادی اندوس دیگری در کشمیر بوده که در امپراتوری کوشانی داخل بودند .

کانیشکا و بودیزم :

گرچه کانیشکا شخصی بود که از هرجا عقیده خوبی بنظرش رسید اختیار کرد و این از تصویر خداوندان مختلف برمسکوکات او پیداست ولی او شخصاً یك بودایی بود . او وعهد سلطنت او یك دوره شاندار یست در تاریخ بودیزم پودائیان شما لی خاطر او را مثل آشوکا گرامی میداشتند در بین آنها شایع بود که این سلطان در ابتدا حامی و طرفدار مذهب شان نبود ولی سودارسانای (Sudarsana) روحانی وسیله شد که اورا به بودیزم برگرداند (۱۲۴) تنها یك تعداد بسیار کمی از مسکوکات کانیشکا دارای تصویر بوده اند و اکثریت مسکوکات او تصویر معبودان دیگری دارند .

در باره سنه یقینی گرائیدن او به بودیزم شواهدی در دست نیست. ستوپه بزرگ پشاور که مورد توجه و ستایش خاص هیون تسانگ زایر مشهور چینائی قرار گرفته غالباً بدست کانیشکا بنیان گذاری شده است این ستوپه در مقامی بنام (شاهجی کی ذیری) که نام دو تپه بزرگ است موقعیت دارد . موقعیت آنرا کننگهم و فوشر (Foucher) تشخیص نموده وکاوشهای سپونر در سال ۱۹۰۸ و یا ۱۹۰۹ (۱۲۵) تائید کرده است.از یکی از تاق های این ستوپه کلان یك جعبهٔ زیورات بدست آمد که با سه تصویر بودای نشسته منقش گردیده و بفو اصل تصویر های از نیایش گران بران دیده میشود .

تصویر دسته یی بزرگی از نیایش گران کانیشکا را نشان میدهد که بین آفتاب و مهتاب ایستاده اند در مسکوکات کانیشکا کلمات

ماو (Mao) بمعنی ماه ومیرو (Miiro) بمعنی آفتاب بکار برده شده نام کانیشکا دو مرتبه ذکر شده است . و غالباً نخست با مورخه (۱۲۶) ودوم با نام ویهارای (Vihara) کتیبه‌ازهایه به سرواستیوادین ها (Sarvastivadins) گزارش مید هد این یقینی نیست که کانیشکا به این مدرسهٔ تیراودین ها (Theravadins) تعلق داشته است سلوین سوی به یك روایتی متوجه شده که درآن از ارتباط کانیشکا با ملا های بودایی همزمان خود مطالبی دارد (۱۲۷) تماس او با اسواگوشا یك امر خیلی واضح است و ما قبلا به آن اشاره کرده ایم پاراماراتا Paramartha یکی از اهتمام های برجسته قدیمی مذهبی بودایی وخت خود به یك (کونسل) شورای مذهبی اشاره میکند (۱۲۸) ولی از کانیشکا نام نمی برد (۱۲۹) راجع بذکر نام کانیشکا درسایر متون بودایی قبلا اشاره کرده ایم . مکتوب ماتری چیتا (Matrichita) به کانیکا (Kanika) پادشاه که در متون مذهبی تبتی نگهداری شده (۱۳۰) وسوترا لامکارای (Sutra—Lamkara) اسواگوشا که قطعات اصلی سانسکریت آن توسط مودرز بچاپ رسیده و کلپنامانديتیکای (Kalpanamanditika) کومارالاتا (Kumaralata) ودریشتانتاپانکتی Drishtantapankti اسواگوشا ودوگزارش دیگر که در (Notes Surles) ترجمه شده .

کانیشکا را برای ماسی‌نمایاند (۱۳۱) ما در نظر نداریم که در

اینجا راجع به شورای چهارم مذهبی بودایی که در عهد کانیشکا در کووانای (Kuvana) جلندر و یا در کندالاوانا (Kundalavana) کشمیر دایر گردیده بود و از رول آن در انکشاف و توسعهٔ افکار و ادبیات مذهبی بودایی سخن بگوییم این کار را بعدا خواهیم کرد.

پایان فرمانروایی کانیشکا و جانشینان او

بطور عمومی پنداشته شده است که کانیشکا تا به سال ۲۳ عهد خودش حکومت کرده و بعد از وی پسر بزرگش واسیشکا بر تخت نشسته که برای چهار سال یعنی از ۲۴ تا ۲۸ (۱۳۲) حکم رانده و بعد از او هوویشکا برجایش نشسته. بدبختانه تا کنون هیچ سکهٔ از هوویشکا بدست نیامده ولی موجودیت او بحیث یک فرمانروای کوشانی یک حقیقت مسلم است. کانیشکای متذکره یی کتیبه ای سال ۴۱ آرا (Ara) (۱۳۳) که پدر او واجیشکا (Vajeshka) بود در عهد فرمانروایی هوویشکا قرار میگیرد و این موضوع معضلهٔ کرونولوجی کوشانیها را بیش از پیش پیچیده تر میسازد.

شواهد کافی در دست نیست که بموجب آن پنداشته شود که امپراتوری کانیشکا بین واسیشکا و هوویشکا تقسیم شده طوریکه لودرز می پندارد و قسماً ستین کنو آنرا تائید کرده است.

۲۰ سال پیشتر ما اظهار نظر کرده بودیم (۱۳۴) که چنین معلوم نمیشود که واسیشکا متصلا بعد از کانیشکا روی کار آمده باشد

بلکه او از خاندان کوشانیهای بعدی بشمار میرود و به کانیشکای متذکره کتیبه آرا که پدر اوست تعلق میگیرد و او نیز با یست با واسکوشانا (Vaskushana) متذکره کتیبهٔ سانچی سال ۲۲ یکی پنداشته شود. این غیر ممکن خواهد بود که یك شهزاده جوان در حیات پدر خود حیثیت شاهانه را به خود اتخاذ نماید.

ما گفتیم که کانیشکا غالباً تا به سال ۲۸ عهد خود حکومت کرده (۱۳۵) و بعداً هوویشکا پسرش جانشین او گردیده است.

بعضی از روایات که از طرف سیلوین سوی جمع آوری شده در آنها از حادثاتی سخن گفته میشود مبنی بر اینکه. هوویشکا بدست مردم خود از بین رفته است (۱۳۶) ولی ما ضرورت نداریم که به چنین منابع از لحاظ تاریخی خیلی ارزش بدهیم.

هوویشکا (Huvishka)

دورهٔ هوویشکا غالباً از درخشانترین دوره های تاریخ کوشانیها محسوب میگردد. کتیبه های سال ۲۸–۶۰ که بدست آمده و مسکوکات او که از کاپیسا تا بهار پیدا شده اند دال بر آنست که او یك امپراتوری خیلی وسیع را از پدر به ارث برده بود و یقیناً آنرا به کمال تمامیت و درستی حفظ کرده توانسته بود. مسکوکات مختلف طلایی و مسی او نیز گواه برا ینست که دوران امپراتوری او از صلح و امنیت و شگوفانی اقتصادی برخوردار بوده است. قدیم ترین کتیبه ایکه نام این حکمروا را ثبت کرده است (۱۳۷) همان کتیبه مشهور ماتهورا بوده که تاریخ آن سال ۲۸ روز اول ماه

گور پیا (Gurppiya) ثبت گردیده است.(این نام ماه مقدونی Gorpiaios بوده که با ماه پروش تاپاد ا (Proshtapada) هندی مطابقت میکند) و این یگانه مثال شناخته شده است که در یك کتیبه خروشتی ازنام یك ماه مقدونی ذکر میشود. اهمیت این سند از یك جهت دیگر نیز آشکار است مثلا ذکر شده است که فرمانروای واکانا (Vakana)(واخان) یا بدکشان (Badakshan)(بدخشان) از ما تهوراد یدن کرده است وازین استنباط میشود که قلمرو نفوذ هوویشکا تا به این سرزمین ها نیز گسترش داشته است.

واین موضوع این احتمال را نیز از بین میبرد طوریکه ستین کنو واودرز گفته اند امپراتوری کانیشکا بین واسیشکا وهوویشکا تقسیم گردیده بود (۳۸)ستین کنو میگوید که هوویشکا شاید که تاج واقعی کشمیر بوده باشد.طوریکه نام نخست او در گزارش کلهانا (Kalhana) راجع به حکمروایان کوشانی در کشمیر دیده میشود .

هوویشکا شاید کشمیر را بحیث یك جنرال کانیشکای بزرگ گشوده باشد وبعد از مرگ کانیشکا اوشاید که وایسرای ویانائب السلطنه در ولایت شرقی اقلا در اوایل سال ۳۳ بوده است وازین سبب بود که ملقب به مهاراجا دیواپوترا گردیده بود،نه راجاتی راجا که یك لقب برتروعالیتراست.انتخاب القاب کوچك در اسناد خصوصی به معنی این نیست که دارندهٔ او مقام وحیثیت کوچك دارد اهدا کنندگان تنها نام حکمروا را میشناختند .

در کتیبه سال ۱۱ ز یدای کانیشکا بساد گی مارجها کا کانیشکا (Marjhaka Kanishka) نامیده شده است و این بدین معنی نیست که کانیشکا ازمقام عالیرتبه به رتبه پائینتر تنزل داده شده است در بین اسنادیکه از عهد هوویشکا در ماتهورا برمی‌آمده یکی هم کتیبه سال ۴۰ تمثال چهارگون ناگا (Chharrgaon Naga)(۱۳۹) است که او (هوویشکا) را به القاب مهاراجا راجانی راجا-هو ویشکا ذکر نموده است حال آنکه یك کتیبهٔ دیگر متعلق به سال ۴۴ که از ماتهورا بدست آمده (۱۴۰) تنها لقب مها راجا ویك کتیبهٔ دیگر سال ۴۵ (۱۴۱) لقب دیوا پوترا بر نام او افزوده شده است . دوسال بعد تر دریك سند دیگر از ماتهورا (۱۴۲) چنین خوانده میشود: و وقف روحانی جیوا کا (Jivaka) با شندهٔ اصلی اودیانا (Udiyana) به ویهارای مهاراجا راجانی راجا دیوا پوترا هوویشکا اسنادعهد این فرمانروا بلاوقفه ازسال ۲۸ بعد تا به ۶۰ سنه گذاری‌شده‌اند (۱۴۳) گرچه یك کتیبهٔ دیگر که‌درسال ۶۲ (۱۴۴) سنه گذاری‌شده با ارتباط با کتیبه های دیگر هوویشکا بدست آمده است .

مذهب هوویشکا:

مانند پدرخود کانیشکا ـ هوویشکا نیز برمسکوکات خود تصویر های خداوندان مختلفی را نقش بسته است. وازروی ترسیم و نمایش زیادی ازمعبودان برهمنیزم جدید براساس مسکوکات او واستنباط میشود که اوبه برهمنیزم متمایل بوده است.

علاوه برشیوآلهه نانا (Nana) که بر مسکوکات او کرار آمده

می‌شود تصویر سکاندا (Skanda) کومارا ویساکا (Kumara Visakha) و مهاسینا (Mahasena) (۱۴۳) نیز نقش بسته‌اند. لهذا کارا ظهار عقیده میکند که اینها شاید که چهار معبود جداگانه (۱۴۴) و یا سه خداوند ویا سه پهلوی از یک خداوند از قبیل سکاندا ـ کومارا ـ ویساکها و مهاسینا بوده‌اند. (۱۴۵) از روی عباراتیکه بر مسکوکات مسی هووِیشکا دیده میشود و در موزیم کلکته هند موجود است چنین استنباط شده است که بر بعضی از مسکوکات فرمانروایان کوشانی ذکری از ویشنو رفته است. (۱۴۶) دب (Deb) میگوید (۱۴۷) که هوویشکا صفت (لقب) کارتیکیا (Karttikia) را اتخاذ نموده بود. این طرز تلقی مذهب هوویشکا در مقابل چیزیکه دریکی از اسناد مات (ماتهورا) راجع به دیواکولا (Devakula) ۱۴۸ اشاره شده قابل ملاحظه است.

در ماتهورا مجسمه فرمانروای کوشانی که پدر بزرگ (Pitamah) هوویشکا بوده گذاشته شده است.

ستین کنومینگا رد که در ماتهورا جائیکه این کتیبه ها یافت شده در آنجا یک تالاری بوده که تصویر ها به نمایش گذاشته شده بود ولی این تصویر ها از شاهان ویا کدام دودمان سلطنتی نبوده بلکه یک صندوق دیواکولا هاست که خاطرات فرمانروایانی مختلف کوشانی را یادآوری میکند.

دـر بهندرکار میگوید (۱۴۹) که دیواکولا ها خیلی شبیه به معابد است و بخاطری تعمیر شده‌اند که یاد فرمانروایان گذشته را محفوظ دارند و نگذارند به فراموشی سپرده شوند. واز ین استنباط میشود که

این فرمانروای کوشانی (هوویشکا) به برهمنیزم خیلی خوشبین و علاقمند بوده است.

در یکی و یا دو سکه ایکه مورد توجه کننگهم قرار گرفته (۱۵۰) هوویشکا واقعاً دیده میشود که در پیشگاه الهه (نانا) زانو زده است. و او در مقابل جینیزم (Jainism) و برهمنیزم متحمل و فراخدل بوده مانند پدر خود (کانیشکا) به تمام مذاهب رعایای خود اعتنا و علاقه داشته است.

اکثر کتیبه های عهد او وقف چین وجینزم گردیده است.

یک کتیبه بودائی (۱۵۱) در زیر یک ستون که تاریخ آن سنه ۴۷ نوشته شده از تقدیم هدایای یک روحانی بنام جیواکا (Jivaka) که اصل اودیانا (Udiyana) بوده به پشکا ویهارای مهاراجا-راجاتی راجا-دیواپوترا هوویشکا گزارش میدهد این کتیبه آنانرا بیاد کتیبه جعبه جواهر ویهارای مهاراجا کانیشکا را که از مقام شاه جی کی دیری (پشاور) بدست آمده می اندازد (۱۵۲) در کتیبه سال (۵۱) وردک (۱۵۳) که تاسیس یادگار ساکیا مونی (بودا) را در یک ستوپه در واگرامارگا ویهارا (Vagramarega Vihara) ثبت کرده است، سرچشمه برکت متوجه مهاراجا-راجاتی راجا هوویشکا بوده است.

بنا بر این واقعیت از مسکوکات و کتیبه های عهد او آشکار میگردد که تمایل شخصی او به برهمنیزم مانع فراخدلی و تحمل مذهبی و فراخ نظری او نشده است و به تمام پیروان مذاهب مروج در بین رعایای خود احترام میکرده است.

هوویشکا تا به سال ۶۲ ویا کمی بیشتر چون سال اول جا نشینی اوسنهٔ ۴۷ میباشد حکومت کرده است. (م ۱۵۰) چنین اسنادی در دست نیست که بموجب آنها گفته شود که درعهدزمامداری او بود که امپراتوری کوشانیها به سقوط ویا به تجزیه مواجه شده است و نه هم میتوانیم موجودیت یك فرمانروای دیگر کوشانی را بنام کانیشکا طوریکه درکتیبهٔ سرخ کوتل (افغانستان) سال ۳۱ ذکر شده (۱۵۵) ویا کانیشکا ی دیگری ویا همان کانیشکای کتیبه آراء درسال ۴۱ بپذیریم (۱۵۶) و ما اینها را متعلق به کوشانیها بعدی میشماریم. درمورد درك وشناخت این کانیشکا و یا کانیشکا های دیگر مندرج درآن دو کتیبه متذکره بعداً درفصل دیگر راجع به کوشانیهای بعدی سخن خواهیم گفت. ولی یك چیز یقینی است که در عهدزمامداری پرامن وآرام ومترقی هوویشکا که مدتها پیش ۳۵ سال دوام کرده است اخلال گران ویا نووارادان درحلقه دوردودمان سلطنتی کانیشکا بوجود نیامده اند.

واسودیوا (Vasudava):

واسودیوا آخرین فرمانروای امپراتوری کوشانی خاندان کانیشکا بوده که از سال ۶۷ تا به سال ۹۸ یا ۹۹ سلطنت کرده است. از نام این فرمانروا استنباط میشود که او کاملا هندی شده بود. مسکوکات او که از یك ساحه بی بسیار وسیع بدست آمده مثلا از مقام ساهری بهلول (Sahri Bahlol) (۱۵۷) جمالگیرهی (۱۵۸) و از سرکپ وسایرنقاط تا گسملا (۱۵۹) و نیز از بگرام (۱۶۰) دال

ی آنست که او امپراتوری خیلی بزرگ را از سلطنت خود به ارث برده که از شرق از وارناسی و حتی دورتر از آن ودرغرب تا به افغانستان وحتی ماوراء آن وسعت داشته است.

چنین معلوم میشود که او همان شخصی است که در سال ۲۳۰ سفیری به دربار امپراتور چین گسیل داشت ودرقبال طوریکه در سان ـ کوو ـ چی (San—Kauo—tche) ذکر شده لقب سلطان تا ـ یو چی همراه باوی (Wei) رادریافت نمود. اینکه درسودیوا و پو ـ تیو (Po—tiao) عین شخص بوده (۱۶۱) اکنون بحیث یک واقعیت پذیرفته شده است گرچه طرفداران نظریهٔ کانیشکا وعهد ساکا اورا اسودیوای دوم (۱۶۲) میدانند. آنکه قبلا بین سالهای ۹۸و۶۲ عهد کانیشکا سلطنت کرده است .

گرشمن که در بگرام کاوشهای نموده و مسکوکاتی بدست آورده است درباره آخرین سنهٔ آن مسکوکات که متعلق به واسودیوای اول میباشد میگوید (۱۶۳) که وی همان شخص است که از طرف مؤسس ارمنی از کهورین (Khorene) بنام ویهسادجان Vehsadjan Moses پادشاه کوشانی ذکر شده که اودر وخت جلوس اردشیردر جنگی که درمقابل ساسانیها ازطرف خسرو اول ارمنی واقع شد بطرفداری از خسرو درین جنگ اشتراک کردو بعد ازدوسال عودت نمود .

کتیبه های عصراین زمامدار بین سالهای ۶۷–۸۶ یا ۹۹ عهد کوشانی تاریخ گذاری شده اند گرچه اکثر کتیبه ها وقف جین (Jain) گردیده اند ولی دو کتیبه ین آن توجه خاص را جلب میکند . کتیبه

اول درسال ۷۶ درماه دوم وسوم بارانی (۳۶۱) درعهد مها راجا - دیواپوترا - واسودیو اسنه گذاری شده است نسب بود اراگزارش میدهد

کتیبه یی دوم نیز در کرکتر خود بودائیست(۵۶۱) که جیواکا از اهل او دیانا سنگ زیرستون را به ویهارای مهاراجا- دیواپوترا هو ویشکا در روز ماه چهارم تابستان سال ۷۷ اهدا میکند .

این روحانی (جیو اکا) معلوم میشود که همان جیواکای روحانیست که درسال ۷۳ درعصر هوویشکا در روز چهارم ماه چهارم تابستان تحفه را به ویهارای هو ویشکا تقدیم کرده بود .

ملاقات همان یك روحانی ازویهارا آنهم بعد از هوایشکا مدت سی سال بعدودر همان روزخیلی قابل ملاحظه است .

شاید که این روز بخاطر تاسیس ویهارای تجلیل شده باشدویاروز معین جشن مذهبی بودایی بوده باشد .

این کتیبه نیز گواه برین است که در بین ما تهورا وهندشمالی یك ترافیك مداوم و بلاوقفه درجریان بوده است . یك کتیبه دیگر یست (۶۶۱) ازعهد هوویشکا که از نقطه نظرا داری حائز اهمیت فراوان میباشد . این کتیبه از هدیه یی یك مها وندا نا یاکا-(Mahadandanayaka) درسال ۷۳ گزارش میدهد .

این فرمانروا آخرین کوشانی بریك قلمروی خیلی وسیع که از سلطنت خود به ارث برده بود بکمال قدرت مطلق وصلاحیت حکمروا می کرد بعضی از کتیبه ها القاب مکمل امپراتوری او را ثبت کرده اندچون :

مهاراجا-راجاتی دیوا پوترا (۱۶۷) واسو دیوا-مهاراجا-راجاتی راشاهی واسودیوا (۱۶۸) و همچنان مهاراجا- راجاتی راجا دیوا پوترا شاهی واسودیوا. (۱۶۹)

پایان خاندان کانیشکا:

واسودیوا طوریکه از نامش پیداست یعنی مؤمن و معتقد به ویشنو (Vishnu) شخصی بود کاملا هندو شده. ودر مسکوکات او تنها تصویر های شیوا و تانا (OHPO) نقش بسته است. مجموعه تصویر معبودانیکه قبلا بر روی مسکوکات کوشانیها دیده میشد اکنون در عهد او از بین رفتند. بکمال تعجب باید بگوییم که در ظرف مدت بیش از سی سال حکومت او تنها یك کتیبه بدست آمده که رابطه او را با بر همنیزم وانمود میسازد ولی کتیبه های مربوطه او قاف بوده یز مو جنیزم متعدد اند. و این دلالت بر تحمل مذهبی ووسعت نظر و فراخ دلی این فرما نروای آخرین کوشانی میکند. واقعاتیکه منتج به سقوط حکومت کوشانی واز بین رفتن موقتی این دودمان گردیده باید در نواحی شمال مغرب جستجو گردد. این یك تصادف عجیب است که این خاندان نیز از طرف نواحی شمال غربی امپراتوری خود بدون اینکه در خود هندصدمه یی با یشان برسد سقوط نمودند. در اثر کاوشهای که در بگرام- کاپیسا در شمال کابل (۱۷۰) که مرکز دولت کوشانیها بود بصورت گرفته سه طبقه مسکونی را از زیر توده های خاك بیرون آورده اند.

طبقه دوم بر اثر آتش سوزی و تخریب ترك داده شده است. مسکوکاتی که ازین طبقه بدست آمده شامل مسکوکات کانیشکا وواسودیوا میگردد. وچنین استنباط میشود که این تباهی و تخریب آخرین فرما نروا

صورت گرفته است. ولی بعد از مدت کمی یک شهر جدیدی با طرح مختلف احداث گردیده. ومسکوکاتی که ازآنجا بدست آمده متعلق به دودمان سوم کوشانی یا کوشانیهای بعدی پیدا شد.

درین زمینه نفوذ هنرساسانی نیز محسوس میگردد. گزارش تصادم این کوشانیها وساسانیها در یک کتیبه براس دیوار زردشت یا دزار زردشت در نقش رستم واقع در نزدیکی پرسیپولس درسه زبان ثبت گردیده است(۱۷۱) این کتیبه که متعلق به شاهپور اول -(۲۴۲-۲۷۲م) است غالبا درسالهای بین ۲۶۲و۲۶۳م نوشته شده است واز تباط دارد با پیروزی او بررومن ها. درین کتیبه گزارش است مبنی برالحاق سرزمین کوشانیها بدست شاهپور اول همزمان وهمشان به تخریبی که در بگرام صورت گرفته در دو نقطه باستانی سغدیانه نیز عمل آمده است واین واقعه از طرف باستان شناسان شوروی تائید گردیده نیز درهمان کتیبه گزارش یافته که این نواحی نیز بدست شاهپور اول گشوده شده است.

از روی مسکوکاتیکه از آنجا بدست آمده برمیاید که تخریب درین نقاط در سغدیانه همزمان ودر عهد واسو دیوای اول صورت گرفته است

وبنا براین شاغلی گرشمن اظهار عقیده میکند که این دودمان کوشانی در عهد واسو دیوا بپایان رسیده وشخصی که مسوول پایان دادن آن شمرده میشود شاهپور اول ساسانی است. این مفکوره از طرف بعضی از دانشمندان پذیرش یافته که از انجمله یکی هم ماریک (Maricq) (۱۷۲) است که میگوید چنین برخورد با معضله کرونولوجی کوشانیها سازگاری نمی کند. او عبارتی را از تاریخ طبری نقل میکند که میگوید

اشغال این نقاط در زمان فتح باختر کار اردشیر پدر او بوده که بعد از آن شهزاده کوشانی تفوق و سلطنت او را برسمیت شناخت. به تخریب معبد آتشکده سرخ کوتل که براه کابل و مزارشریف واقع است نیز اشاره شده است. در آنجا سه دوره تشخیص داده شده است یکی تعمیر این معبد و دوم تعلق میگیرد به پاران قدیمی با مقامات آن که براثر آتش‌سوزی باخاك یکسان گردیده وسوم بعدازین تغییرات بزرگ وناگهانی تعمیر مجدد باوسایل ساده‌وابتدائی صورت گرفته است.

از اینجا به تعداد ۹ سکه از کوشانیهای بزرگ وهفت عدد از کانیشکا ودو عدد از هوویشکا که هنوز شناخته نشده اند بدست آمده است.

پروفیسور شلومبرژه (Schlumberger) (۱۷۳) تعمیر معبد سرخ کوتل را به کوشانیهای بزرگ وتخریب آنرا به اردشیر در هنگام فتح باختر نسبت میدهند، که بعد ازین واقعه پادشاه کوشانی تفوق وتسلط اردشیر را برخود می‌پذیرد واین واقعه راطبری نیز گزارش داده است. تخریب این معبد بقرارنظریهٔ شلوم برژه در عهد هوویشکا صورت گرفته است.

مطابق منابع ارمنی موسیس (Moses) از کهورین (Khorene) واقع به واسادجان (Vehsadjan) (واسودیوا) پادشاه کوشانیها که میگویند او برضد اردشیر اول در اتحادیه پیوست و بعد ازدوسال عودت نمودوسان کوچی (San—Koa—Tche) که میگویند پوتیاو (Po—tiao)

سفارتی به امپراتور چین گسیل داشت از روی این اسناد میتوان گفت که واسودیوا مادین و یا تحت اثر اردشیر ساسانی نبوده است.

کتیبهٔ کوشانی در ماتهورا که او را به القاب مهاراجا-راجاتی راجا-دیوا پوترا شاهی که القاب خیلی بلند پایه و عالی شاهانه داشت ذکر میکنددان برا ینست که واسودیوا یك فرمانروای مستقلی بوده است .

بنا بر این ما بر روی اسناد معتبر و یقینی باین عقیده میباشیم که این دودمان کوشانی بدست شاهپور اول پایان یافته و اینکه هجوم شاهپور منتج به تخریب و آتش‌سوزی بگرام-کاپیسی گردیده باگرشمن همنوایی داریم .

خاندان کانیشکا باواسودیوا از بین رفت ولی با آنهم کوشانیها به موجودیت خود در تاریخ ادامه دادند در بگرام وهمچنان درهند مسکوکاتی که از کوشانیهای بعدی بدست آمده گواه برین است که آنها از حکمروایان جدید کوشانی محسوب میشود و از بعضی اسناد حکمروایان کوشانی معلوم میشود که مطابق عنعنه ی قبلی کوشانیها در تاریخ گذاری خود بر روی اسناد اعداد صد راحذف میکرده اند تاریخ این دودمان اخیر کوشانی رامیتوان اکنون به صراحت بطور یقینی تدوین نمود. دورهٔ فرمانروایی ۹۹ سال خاندان کانیشکا که غالباً تنها شامل سه نفر امپراتور میگردد از هرجهت قابل ملاحظه است .

از نقطهٔ نظر ساحه نفوذ خیلی و سیعتر بوده و قلمرو آنها از بلخ تا بهار امتداد داشت فرمانروایان کوشانی گرچه به تدریج بسوی

مذاهب هندی از قبیل بودیزم و برهمنیزم میگرائیدند ولی درمجموع صاحب وسعت نظر وحوصلهٔ فراخ درمسایل مذهبی بودند. آنها تمامیت ارضی هند شمالی را تأمین کردند. حتی بعد از پایان خاندان کانیشکا خاندان سوم کانیشکا پا بعرصهٔ تاریخ هند میگذارد و درمیان دورهٔ امپراتوری کوشانیها وسلطنت گوپتا ها که یك دورهٔ تاریك در تاریخ هند پنداشته میشود حکومت را در دست داشته اند.



یادداشت‌های فصل سوم

۱-چنین پنداشته شده است که لقب دیوا پوترا (پسر خدا) که در هند برای فرمان روایان کوشانی بکار برده شده از لقب قدیمی امپراتوری چین تین-تزو (Tien—tzu) (پسر خدا) کاپی و تقلید شده است.

بقرار نظریه ف-و-توماس (F.W.Thomas) دیوا پوترا یک لقبی نیست که برای کوشانیها اختراع و یا از لقب چینایی تقلید شده است دیواپوترا بمعنی پسر خدا خیلی قبل از کوشانیها در ریگویدا (۳۲۰۴ ×) واز کتیبه بهار هوت Bharhut (Luder's list, Nos. 774, 814) ونیز جتاکاما لا Jatakamala دیده میشود.

این لقب به فرمانروایان یونانی وساکاو پهلوا ها استعمال شده است.

۲-یک ببلیوگرافی جامعی ازطرف پاوزین (Poussain) واچ دیدیر (Deydier) وگرشمن داده شده است. جی-ای‌وان لوهووزن‌دی لیوودر

اثر خود بنام The Scythian period کانیشکار امربوط بعهد ساکا میداند .واین غالباً یگانه تاریخ جامعی است ازین دوره که از طرف پروفیسر باشام بدقت مطالعه شده (Bsoas, 1953, XV pp. 80ff) این پروفیسر کرونو لوجی لوهوویزن را نسبت بدیگران ترجیح داده ولی بکمال تأسف باین نتیجه میرسد که یك کرونو لوجی معتبرو قابل قبول برای همه هیچگاه درپرتو اسناد موجود بدست نخواهد آمد و تنها چیزیکه شك و تردید مارا ازین پرده میتواند همان شواهد جدید کتیبه ها ومواد مهم دیگر است (CP. 95)

3— CF. Rockhill. The Life of the Buddha cp. 95

4—CF. Thomas, A xxxiii, 1903, P 349

5— CF Asvaghosha—Sutral mkara

به توسط هوبر (Huber) بزبان فرانسوی ترجمه شده ودر ۱۹۰۸ درپاریس به طبع رسیده.

6— JASB, Iv, i, 18886, P. 193

7— Cii, P.I xxvi

8—JRAS. 1903, P 334

9— SBAW, 1914, PP 643ff, also JRAS, 1914, P. 29

10— Konow. Op. cit.

11—Ibid

۱۲ـ بیانیهٔ ریاست ، قسمت اول کانگرس تاریخ هندعلیگر (۱۹۴۳) طبع مجدد در هند وآسیای مرکزی صفحه ۱۳۱

13— op cit

14— op cit

15— Cal Review. July 1934, P. 83ff

16— EI viii, pp 196ff. Nos. iiia, iiid

17 "Luder's List" Appendix

El. X. No. 16, 17, 18, 21, 22, 23—JRAS, 1924, p. 397　No, 2

18— Cii Vol,. 11 (i) pp 138ff

19— Ibid. P. 142ff

20—Ibid. PP. 145ff

۲۱-۱۶۸ ر ر درین سرزمین سه پادشاه گذشته بود از قبیل هویشکا (Hushka) جوشکا (Jushka) و کانیشکا که آنها سه شهر بنا نهاده بودند. بقرار نظریه کنو تاریخ گذاری کلها نا درین مورد بطور واضح غلط است او با رای چودری درین مورد موافق است که میگوید : کانیشکا ئیکه در لیست کلهانا در اخیر قرار دارد مؤسس دودمان نبوده بلکه سلطان بعدی است به همان نام (Cii. P. ixxx) شاید که او کانیشکای دوم بوده باشد.

22— Ref No. 5

۲۳ بقرار نظریه توماس که میگوید لیوی شوا هدی را مبنی بر وسعت قلمرو کوشانیها در جنوب هند ارائه نموده است.

در (تاریخچهٔ هان های بعدی چین) که مولف آن در سال ۵۴۴م درگذشته است ولی از وقعات بعدتر از سال ۱۷۰م گزارش نمی دهد. Chavannes: 8oung— Pao II (1907) pp. 149—50 در انجا راجع به سلطنت تونگ - لی Tung—Li چنین خوانده میشود : شا - چی Sha—Chi پایتخت سلطنت تونگ - چی میباشد این سلطنت بیش از پنجهزار در حدود هزار میل در جنوب غرب تین - چو (Tien—Chu) موقعیت دارد. واین یک سلطنت بزرگ است اقلیم و پیداوار آن مانند تین چو میباشد وچندین شهری ازطرازاول دارد که رهبران آن بنام پادشاه ملقب استند یوچهای بزرگ این سلطنت را مورد تاخت و تاز

خود قرار داد و آنرا بغلاسی کشید. مرد وزن در انجا ۸ فوت (چیغاهی) بلندی دارند Thomes NIA. Vii. Nos 5 and 6, P. 86

24— Ibid. 86
25—Ibid.

۲۶ - درین مورد بعدا به تفصیل خواهیم پرداخت. از روی قطعات یک متن سنسکریت که از ترکستان چینی بدست آمده چنین برمیآید که او اصلا به بودیزم متمایل بوده چنانچه توسط پارک پارسوا (Parsva) باینسو دعوت و متمایل گردید. چنین استنباط شده است که اسوا گوشا با کانیشکا درحمله او بر هند شرقی همراه بوده و بعدا او را به بودیزم متمایل ساخت (Konow. op. cit. P. Ixxxix).

۲۷- تاریخ گذاری اسناد کوشانیها درعهد کانیشکا- هوویشکا وواسودیوا بطور جدی در مقابل تاریخ گذاری ساکا قرارداردواز طرف دیگر طوریکه کیلهارن (Kielhorn) اظهارعقیده میکند چنین تاریخ گذاری با تاریخ گذاری یی مشهور بنام عهد ملا واویکرا اما (Malava—Vikrama) شبیه و یکسان است. (IA. xxvi, P. 153)

اسناد ساکا عموما کلمه وارشا (Varsha) را بکار میبرند حال آنکه کانیشکا وجانشینان او کلمات مانند سا (Sa) ساموات (Samvat) ساموات سارا (Samvatsar) را بکار میبرد.

۲۸- اقتباس توسط کنو Cll. P. 77

29—Cii. , P. 77

30— Ibid p. 79

31— Ibid P. 81

32— Ibid P. 104

۳۳- پروفیسور ها لندی اظهار عقیده میکند که سال اول عهد کانیشکا بایست سال ۲۰۰ عهد قدیم (ویا کمی بعدتر از آن) قرار داشته باشد. (Op. cit. p. 63) وعلاوه میکند که کانیشکا یك عهد جدیدی را بر تمام قلمرو خود معرفی نموده و عهد قدیم را پشت سر گذاشته و ترك کرده است ودر قلمرو او در گند ها را تنها یك سیستم کرونولوجیکی معمول ومروج بود.

بعد از سقوط این دودمان عهد قدیم که در آنجا ریشه گرفته بود بار دیگر در شمال غرب احیا ومروج گردید وچنانکه درسال ۳۰۳ می بینیم که تاریخ گذاری عهد قدیم بار دیگر بکار برده میشود واقلا تا به سال ۳۹۹ دوام میکند.

در مترا که قسمت بزرگی ازسلطنت کوشانی در هند محسوب میشد تاریخ گذاری عهد قدیم هیچگاه آنقدر بکار برده نشده است. (Ibid. P. 62)

۳۴- بهندر کار (JBBRAS. xx. 1902, P. 386)

بقرار نظریه کیلهارن (Kielhorn) قدیم ترین سنواتی را که مربوط به این سموات (Samvat) میشناسیم متعلق به راجپوتانه شرقی وبطور عمده ازنواحی که با مالوا مرزهای مشترك دارد ویا شامل مالوا میبا شد میگردد (IA. xx (891 P. 402) قدیم ترین سندیکه از عهد ویکراما (ویکراماکهیاکالا (Vikramakhyakala) ذکر میکند سنگ

نوشته دهولپور (Dholpur) است که سنه آن درسال ٨٩٩ یعنی ٨٤١ میلادی میباشد (ZDMG. XL, P. 42; IA xix 0890) در قرن سوم میلادی نام کریتا (Krita) در یك تعداد کتیبه ها تذکر یافته که از راجپوتانه ای شرقی بدست آمده اند. این سنوات نیز برعهد ویکراما اطلاق میشود.

التیکار (Altekar) (E.I. xxxiii, P. 52) چنین استنباط میشود وعهد مشهور به ویکراما مانند عهد کریتا مدتها بیشتر شناخته شده و مروج بوده است واین ادامهٔ یی بود از سال ٥٧-٥٨ ق.م عهد قدیم (به دیکشیت (Dikshit) مراجعه کنید (AORI. xxxiv, P. 74)

35— Op. cit.
36— Cii. P. 165
37— Ref. No. 16
38— Ref. No. 19
39—Ref. No. 20
40— Cii., P. 150

۴۱- باین معضله درفصل آخرین به تفصیل پرداخته شده است.

۴۲- El . VIII., pp. 42 ff این سلطنت از طرف باشام (BSOAS. 1953, pp. 92—93) ونیز ازطرف لوهـوئیزنـ دیـ لیوو (Op. cit., p 382) مورد بحث ومطالعه قرار گرفته است. در حقیقت طرفداران نظریهٔ عهد ساکا که میکوشند کانیشکا را معاصر رودرادامن نشان دهند بخاطر عدم موجودیت نام کدام فرمانروای ساکا برروی اسناد ووسعت سلطنت ساکا نا به هندوما لوا قسمتی ازقلمرو امپراتوری کوشانیها نیز بوده است کاررا بیش از پیش مشکلتر و پیچیده تر میسازد
(See H. C. Ghosh, IHQ.V. (1928) p.80;)
Raychaudhary, PHAI, (4th ed. P. 390)

ما این مطلب را درضمن بحث وسعت امپراتوری کانیشکا وروابط او با کشاترپا هاسی ساتواهن ها بطورمطالعه قرار خواهیم داد.

43—E. I. Vol. lx, P. 244

۴۴- کتلاک باستان شناسی موزیم سانچی و کلکته ۱۹۲۲ صفحات ۳۱و۳۰.

۴۵- یک لست جامعی از ذخیرهٔ مسکوکات کوشانی وجود ندارد. در رانسی (Ransi) یک ظرف پر از سکه های مسی در سال ۱۸۷۸ از خاک بیرون آورده شد که شامل (۵۰۰) سکه متعلق به وبما کادفیزس و کانیشکا پنداشته شده است (Cunningham ASR xiv, P. 48) و بعضی ازسکه های این دو فرمانروا همراه با یک سکه چهار کنجه تا په شده توسط کارلیل (Carlleyle) از مقام بودا (Buadih) کردا (Kurda) بدست آمده (Ibid. xll. P. 40) ۳۸۲ سکهٔ مسی ازویماکادفیزس و ۳۴ عدد از کانیشکا در راه بین کالکا کاسولی در ولایات پنجاب پتیاله بدست آمده اند (Pro. ASB. 0894, P. 82).

یک ذخیرهٔ مسکوکات شامل ۵۴ عدد که از آنجمله ۴۴ عدد متعلق به ویما کادفیزس و ۶۰ عدد آن متعلق به کانیشکا میباشد در اثر حفریات ازمقام امرکوت در تحصیل سواهی (Swahi) واقع در پشاور بدست آمده است. (ASI. An. Rep. 1922—23, P. 160)

در بین این ذخیره یک سکه از سوتر میگاس نیز دیده میشود. از همان ناحیه بعداً چهار سیر گنجینه از مسکوکات کوشانی بدست آمده که شامل ۱۰۵ سکه میباشد.

از آنجمله ۹۰ از ویما کادفیزس و ۲۰۳ از کانیشکا است. از مقام مانیکیالا مسکوکاتی بدست آمده (Ibid, 1926—27, P. 216) که متعلق به ویما کادفیزس و کانیشکا بوده و با دیناری (Denarii) رومن بی ارتباط نیستند (Cuningham ASR, II. p.162) مسکوکات دیگری متعلق به سایر فرما نروایان خاندان کانیشکا در یکجا و همراه با مسکوکات ویما کادفیزس بدست آمده اند (Smith, JRAS (1913), p. 942)

نقاط دیگری که این مسکوکات از آن بدست آمده اند عبارت اند از کایرا (Kaira) گوپالپور (dn) و اراناسی (بنارس) ولی مهمترین گنجینهٔ این مسکوکات همانست که در ستوپهٔ اهین پوش بدست آمده که از لحاظ کرونولوجی نسبتاً اهمیت و ارزش دارند.

(See also Banarji: Kushana in Eeastern India, JUSI, xlv, pp. 62 ff)

46—Proc. ASB (1897) p. 123

47— JRAS, 1913, P. 937

48— Ibid (guated by

۴۹ - چنین مشاهده شده است که پوشاک سر و طرز آرایش موی سر و نبودن سبیل و بالاتر از همه شکل ریش و چهره ای آنها خیلی شبیه است با کلهٔ امپراتوران روم بین سالهای ۳۰ ق. م تا ۱۰۰ م بر روی مسکوکات شان.

(JRAS, 1908, P. 551, also gouted in IRAS, 1913,P.

۵۰ - هندو - یونانیها - ساکاها - هندو - پارتیها بر روی مسکوکات شان خطوط یونانی و خروشتی را بکار برده اند. و کانیشکا تنها خطوط یونانی را استعمال نموده و او و جانشینان او تنها الفبای یونانی را بکار

برده اند وخروشتی تا پدید گشته است بقرار نظریه کنیدی استعمال زبان
یونانی بحیث یك زبان زنده وعام درشرق فرات بعد ازسال صد (۱۰۰)
پایان یافت .

دوم اینکه کانیشکا وجانشینانش زبان یونانی را میدانستند
این نظریه ازطرف هارن و پرسی گارد نرپذیرفته شده است
(JRAS, 1913, P. 922)

51—**JRAS,** 1913 924 and note.

۵۲ - خلاص این مقاله بزبان فرانسوی درنوشته هنری دیدیر
Contribution a L'etude L'a,t تحت عنوان (Henri Deydier)
du Gandhara No. 415 pp. 250ff دیده میشود .

53—SBPAW. 1912, p. 83

54— **JASB,** lll (1930) N. Sxl vii

55—Deydier-op. cit. p. 251

56— J.A. No. 236, P. 63

57—Smith—Catalogue of Coins in the Indian Muse um, Vol. 1, P. 97

58— Altekar—Catalogue of the Gupta Coins of the Ba Gupta Coinaqe, p. 42

59—**Fleet- Corpus** Inscriptionum Vol. III No 1

۶۰- مارشال ازطبقه بندی بناها یکه درطی کاوشهای خود از تاکسیلا
کشف نموده مطالعهٔ خوبی نموده است او میگوید بناهای ستوپه
چیر (Chir) چهار طبقه دارد که یکی بالای دیگری قرار گرفته است.

درنیمهٔ هریك از این طبقات مصالح ساختمانی مختلفی بکار برده شده است. وهمراه با هریکی ازین طبقات مسکوکات دودمان هاو یا سلاطین مربوط هرطبقه بدست آمده است. که ازین قرار است:

طبقه	مصالح ساختمان	ساختمان	مسکوکات
بالا ترین ۱	Smidiaper	بعدی نیمه‌سنگی	والودیو او کوشانیهای
دوم ۲		ویا پرکلان	کانیشکا هوویشکاو اسودیوا
سوم ۳		ویا پرکوچکتر	کادفیزس اول و دوم
چهارم ۴	rubble and Kanjue		ساکاو پهلوا

61— JARS-1915, P. 195.

۶۲ - درین مورد وادل (Waddel) نظریات مختلف دانشمندان را بررسی نموده است (JRAS. 1913, pp. 945ff).

بقرار نظریهٔ سمت این هنردردوران کانیشکا بهاوج کمال خودرسید. ووگل (Wogel) وسپونر (Spooner) باین عقیده اند که هنرگندهارا قبل از دوران کانیشکا بـه شگـوفانی خود رسیده بـود Asi. An Rep. 1908—9, pp. 4,50)

بقرارنظریهٔ فوشر (Foucher) کانیشکا درمراحل مابینی انکشاف هنر گندهارا قرارداشت (L'art greco—bouddhigue du Gondhara, 1905, pp. 40-

63— Marshal. JRAS. 1909, pp. 105 ff; Konow—CII.ii. p. ·34

تاریخ گذاری این سند مورد سوال قرار گرفته است پرو فیسور باشام (A.L. Basham) درطی یک مکتوب به مؤلف گزارش میدهد که

جعبهٔ زیورات بعد از شستن در بر تش موزیم اثری ازکدام سنه در آن دیده نمیشود و بگمان غالب اوشاید که کانیشکای کبیر نبا شد و آن کانیشکایی با شد که در کتیبهٔ (Ara) از آن ذکررفته .

64— JRAS. 1903ff
65—JRAS. 1903ff. 49ff
66— L'art Greco-Boudhigue P. 40ff
67— JRAS. 1913, pp 946ff

وادل بعضی از حقایق ذیل رادر معرض مطالعه قرارداده است .
نخست شواهدی دردست نیست که بموجب آن گفته شود که هنرگندهارا یاگریکو- بودیك قبل از دوران کانیشکا وجود دا شته است وآنکه میگویند منا ندر ویا محتملا کاندو فرس هنرگریکو- بودیك راانکشاف داده این یك فرضیه است وحقایق از آن پشتیبانی نمیکند .

دوم : طرز هنرگندهارا نسبتاً متأخر است و غیرقابل رقابت است با سنهٔ قبل از عهد مسیح . اینکه فرگسون (Ferqusson) میگوید که هیکل تراشی گندهارا در مجموع خود بیشتر طرح ادبی دا شته تا یونانی نیزازطرف اومورد سوال قرارگرفته است اومیگوید که هیچکدام نیست بلکه طرح ایرا نتیمنی دارد (History of India and Eastrn Architecture p. 182)

سوم : انگیزه یی هنرگندهارا متأخر است و باعهد پیشترازمسیح توافق نمیکند . الهیات آن اکثراًمبنی برخداشناسی است . . . واخیراً هنرگندهارا غالباً تا به قرن سوم ویا چهارم میلادی به اوج کمال خود نرسیده بود .

۶۸ - یك گزارش مختصری از این کاوشها و نتائج حاصله از آنهاو

همچنان اشارهٔ مختصری در مورد سنهٔ کانیشکا از طرف گرشمن در Fouillsde Begram او داده شده است.(J.A. No ccxxxiv, 1943—45. pp. 59 ff)

69— J.A. No 234. P. 70

70 Cahirs P. 710

71— Ibid. P. 708

۷۲ - بقرار نظریه پروفیسور لوهوئیزن دی لیوو که میگوید گرچه سکه های آخری کوشانی که توسط گرشمن از بگرام بدست آمده متعلق به واسودیوای اول است ولی در مورد اینکه اردشیراول تخریب کننده یی شهر بوده باشد، شواهدی در دست نیست.

یك فسخ نظامی دیگری که باین شاه نسبت داده شده یعنی اشغال پشاور مورد شك و تردید کرامرس (Kramers) که او پسکبور (Pskbur) را با پشاور مساوی نمیداند واقع گردیده است (The Scythien Period PP. 319—20)

73— IC vol. Vlll. PP. 191FF;JIH. vol.xx PP. 275 FF

۷۴ - از میان اسناد سنه گزاری شده مربوط کانیشکاد و سند آن قابل ملاحظه است زیرا این دو تنها از نکشاتراها (Nakshatras) ذکر میکنند یکی از ین اسناد کتیبهٔ زیدا Cll P. 142 از سال ۱۱ کانیشکا است ... و دومی کتیبه اوند (Und) (Ibid. p.170) ازسال ۶۱ است ...

75—IC Vol. 1,P.477

76—IC Vol. Vll.PP.49FF

77—JA.lX.Vlll.1895 PP. 444 FF.lX,1897,PP. 526 FF;
IA. XXXii, 1903,PP.381FF XXiii,1904.P. 110FF

78—Cll. ii,P. lxxvi

۷۹- Ibid کنو معتقداست که مهاراجا (Maharaya) را جانی راجاهینا جهای Hinajhe (?) ختن و سند نمبر ۱ ۶ ۶ او وجیدا سیمها (Avijidasimha) ترکستان همان عهدی را بکار برده که اسناد کانیشکا بکار برده اند.

80—I.A.lX. viii. 1896 p.463; Bagchi;K.B.Pathok Commemoration Volume p.94.FF

81—Chavannes-Toun Pao ll.vii.1906 pp.330

82—Sylvain Levi-J..A, xi,ii, 1913 pp 330

83—Beal-Buddhist Records ,l, P.173. See Lohuizen-de— Leeuw, op. cit p.382

84—I.A. lx. viii,1896,PP. 482

85—OP.cit.P.384

86—IHQ.vol. v(1929)P. 71; Maspero,BEFEO, x ,1910 PP.95 FF

87—Toung Pao U.V. P 489

88—Sten Konow Cll. ll.pIx x vii

89— Cahiers d' Histoire Mondiale op. cit. P. 713

90— Lohuizen-op. cit. P.318

91—J.A. 234 (1943-5) pp. 59, also ref. 89 p. 163

92— **Pro. Ind. History Cony.**Hyderabad

93— op. cit.

94—E.L. Vol. vlll, pp. 179ff;l. A. vl. p. 217, vol. xxxll, p.39

۹۵- مسکوکات کانیشکا در بهیتا (Bhita) (ASI. Ar. Rep. 1911-12 pp. 34—63) و پوتالی پوترا پیدا شده بود واز هوویشکا از بهیتا (Ibid. 1912—13, pp. 79,84)

(op. cit) و از (والو دیوا) نیز از بهیتا (op. cit. p. 65) سه سکهٔ کوشانی از نیگال شمال بدست آمد، از (JASB. 1932, P. 127 یك گنجینهٔ از مسکوکات کوشانی از عهدویما کادفیزس تا (والودیوا) از بوکسار (Buxar) پیدا شده است.

بقرار نظریه التیکار (Altekar) این مجموعه شامل است از ۲۳ سکه از ویما کادفیزس ۱۵۹ از کانیشکا و ۱۷۲ از هوویشکا و ۳۸ عدد آن هنوز تشخیص و شناخته نشده است.

(JNSI. xll. pp. 121. ff)

یك سکه از هوویشکا توسط کننگهم از مقام بود اگایا (Bodh—Gaya) نزدیك واجراسانا (Vajrasana) بدست آمده است. مسکوکات کوشان از مقام ویسالی (Vaisali) واز کوما را ها را (Kumarahara) واقع در پتنه در کاوشهای سال ۱۹۵۶ نیز یافت شده اند یك مقدار زیادی از ظروف سفالین که تصویرهای کوشانی و لباسهای آنها در آن نقش بسته نیز از مقام (کوما را هارا) بدست آمده (Bihar throug Ages, P. 205 ; see also JNSI, Xlll(1)pp. 62—65)

۹۶ - توماس متون ادبی واسناد راجع به ترکستان چینی 1.pt لندن ۱۹۳۵ ۱۱۹ م بقرار نظریه ستین کنوکا نیشکا وپادشاه گوزان (Gu—Zan) وویجایا کرتی (Vijaykirti) زمامدار سرزمین لی (Li) ودیگران لشکری با واستند و بر هند تاختند وشهری را بنام سوکد (pəʞoS) غالبا ساکیتا (Saketa) را اشغال کردند.

97—JBORS.L, P. 232

98— Ibid, V, P. 78

99—JASB, xxxviii P. 127

100— Op. cit.
101— Majumdar-Sartri: An- cient India by ptolemy, p. 212
102— Melanges charls do Harlez, Leyden, 1896 pp. ffCf. Sten Konow Cll, P. xxi
103— Gupta Coins —Intro-duction P. xxxix
104— IG. lll, P 727 ff TN Ramchandran—Find of Pusi Kushana Coins from Sitabbinji (Kumarahar) CJNSI, xii, i (1951); cf. A. Banerji: "Kushanas in Eastern India
105— CJNSI. xiii, pp. 107 -9 IHQ, xiv p. 149
106— Beal: Buddhist records of the western world Vol. 1, P. 50
107—JRAS. 1942, P. 19

۱۰۸ - حکومت کوشانی در آسیای مرکزی بشمول بلخ و ختن مبنی براسناد یست که ازمتهورا (Mathura) و در کاوشهای تازه یی هیئت باستان شناسی شوروی تولستوف (Tolstov) بدست آمده اند او راجع به وسعت امپراتوری کوشانیهای بزرگ و الحاق خوارزم به آن اشاره کرده است از قرن ۳ م سکه ها بطرف راست خود تصویر نیم تنه پادشاهان را پیدا میکند که روی آن ها دراز و بربری بوده و پوشاک سرآنها به سبک ارد شیراول شاهپور اول بهرام دوم وهورمزد (Hormizd) دوم شبیه است .

تولستوف اظهار عقیده میکند که این وضع نشان از پایان کوشانیها است .

(Quated by Ghirshman, Ca niers. P. 701)

اوعلاوه میکند ، قدیمترین سکه ها یکه بدست آمده ، متعلق به واسودیوا است. سه سال بعد ترخبر رسید که هیئت باستان شناسی ، در ازبکستان جنوبی نزدیک مرزهای افغانستان در اثر کاوشهای

خود چیزی را از زیر زمین بدر آوردند ، که گفته میشود یک قصر کوشانی بوده باشد ، و این بدین معنی است که کوشانیها از بحیره ی آرال تا به هند همالی سیطره ی نفوذ خود را پهن کرده بودند .
(INS. Sept. 18. 1961)

در کتیبه برهمی سال ۲۸ متهورا و چندین اسناد دیگر از کلمه بکاناپاتی (Bakanapat) ذکر رفته که این سر زمین قسمتی از امورا توری کوشانی را احتوا میکرد ...

109— Op. cit.
110—JASB, lx (1943) pp. 79 ff
111— Cll. Vol. 11 (1) p. 175CF. Ojha—History of tana, P. lll
112—Ref. Junayarh Inscrip-tion of Rudradaman E. 111—P. 309)
113—D.R. Bhandarkar IA 1918 P. 153

فکر میکنند که کوسانامولا (Kusanamula) در کتیبه جوناگر اشاره به فرمانروای کوشانی کرده است .

بقرار نظریه ستین کنو (C ll.p.lxviii) یاایان ین- کوچن در تین چو (Tien—chu) بدون شک عبارت وند از کشاتراپا های غربی .

۱۱۴- JRAS,1925,p.9 قرار نظریه او هوئیزنـوی - ایوه این غیر قابل پذیرش است که کشاتراپا های غربی که آنها عهد ساکا را بکار میبردند، و تحت اثر کانیشکا وجا نیشنان او بوده اند عهد دیگری بجز از فرمانروایی خود را بکار برده باشند .

اینکه کنو آنها را مادونان یما کادفیزس دانسته اند

(IHQ.IV.PP. 760-4) از طرف توماس ر دگرد یده است
(Sandanes Nahapana etc. op.cit. NIA)

115—JBORS xv p.52
116-PHAI (5th ed.p. 621)

۱۱۷ - لیوی در عبارتی را از تاریخچه های یوری که مؤلف آن در ۵۴۳ م پدرود حیات گفته است ووقعات بعد از ۲۷۰ م را ثبت نکرده نقل میکند که میگوید گزارشی از یك سلطنت تونگ - لی Tung—Li پایتخت آن (Sha-Chi) میباشد که بیش از سه هزار لی (Li) (درحدود هزار میل) در جنوب شرق تین چو (Tien—Chu) (هند) واقع است.

یوچیهای بزرگ آن سلطنت را مورد حمله یی خود قرار دادند و به غلامی کشیدند.

یك اشاره یی دیگري هم هست راجع به این سلطنت واشغال آن توسط یوچیها همراه با (تین - چو) هردو با همدیگر متمایز اند. لهذا (تونگ لی) با یست جای دیگری با شد.

118—Op. cit. 92
119—Ibid p. 95
120—Op. cit. Cll
121—Op. cit.
122—Op. cit.
123— Op. cit
124—Kern—Manulof Budd hesm, p. 121

۱۲۵ راجع به یك گزارش جامع از کاوشهای درین نقطه مراجعه کنید به :

Asiar, 1908—9,pp 38ff; 1909—10 pp. 135ff. Marshall
JRAS, 1909, pp 1055 ff

راجع به موقعیت ستوپه وشناخت آن مراجعه کنید به :

ASIFC, 1907—8 pp. 17ff; 1908—9 pp. 14 ff, see also P. 440
Fouer— L' art Greco—Buddhique du Gandhara, 11

۱۲۶ - این نکته قابل شك است . در یك مکتوبی که به من نوشته شده است پروفیسور (A.L. Basham) از لندن که او اخیراً تحلیل کرده است راجع به جعبه از هرگونه اشاره خود داری کرده است جعبه اخیرا برای صفا کاری به برتیش موزیم فرستاده شده است.

127—JA, 1896, 11 P. 444

۱۲۸ در باره بی کونسل کانیشکا مراجعه کنید به :

Hiuon—Tsang—Memoires,1, 127; Beal, 1, P. 117, Isi;
Watters, 1, 274—276; Takausa, JRAS, 1905, P. 415
JPTS, 1905, P 123 Toung—Pao, 1904
129— Fordetails see, JTA, 1897, 11, P. 528
130— Thomas IA, 1903, P. 345; 1904, P. 31, 1905, P. 146; Levi JA 1896, 11 P. 449—455; 1897, 1, P. 1

بقرار نظریهٔ شاکلیتن بیلی (Shakleton Baily) این کانیشکای دوم بود که ماتری چیتا (Matrichita) به کونسل های او خطاب میکند.

Poussain—op. cit, P. 325

۱۳۲ کتیبه سال ۲م (Ref. Mathura Yupa)

متعلق به مهاراجا - راجاتی راجا - دیواپوترا - واسیشکا

Vogel—Cat, Math, Mus No. Q13; Sahni, D.R., JRAS, 1910 P. 1311 ff. note by Fl-ect, Ibid, P. 1315, 9; Luders List, No. 149, 19

۱۳۳ - این کتیبه از طرف بانرجی چاپ شده است (IA. xxxvii, 1908, pp. 58ff) ولودرز آنرا ترجمه کرده است.

134—I.C. Vol. Vlll

در مقاله ضمن راجع به کوشانیهای بعدی یا کوشاناپوتراها .

135—Luder's List, No 33

تنها حروف شکاسیا Shkasya با قیما نده است به قرار نظریه گرویس (Growse) این کتیبه غالباً به کانیشکا اشاره میکند (IA. Vi P. 217 No 1) لهجه این کتیبه مختلط است و چون سنه سال (۴۳) سنسکریت متعلق به اویشکا که از کیس پور (متهورا) بدست آمده خالص نیست. (I.A. 1903, P. 388) •

136—E.L. Vol. xxl P. 5 5

اصطلاح بکا ناپاتی (Bakanapati) در چند ین سند دیگر نیز ذکر شده است . کتیبه مشهور مات (Mat) که درسنگ زیر یک مجسمه نقر شده (JRAS. 1924. P.401, N.31) که از یک ماموراسمی ذکر میکند (نام سوکرا (Saukra) آغاز میگردد) که اولقب باکاناپاتی داشت و پسر یک مهاداندا وایاکا (Mahedandawayaka) بود . این ماموردیواکولای پدر کلان هوویشکا را ترمیم کرده بود .

137— SBAW. 1912, P. 82; cll, 11, P. Lxxxi

138— Vogel. Cat. Mat. Mus. No C. 13,

139— El. L. P. 387, No, 9, Luders List No 42

140— Luders List, No. 43

141— I.A. xxxlll, 1904, P. 101

142— E. L 1 P.204, No xx

143— Carmichael Lectures, 1921, pp. 22—3

145— Banarji J., Devolopment of p. 146 Hindu Iconography

146— The Age of Imperial Unity (Bhavan's History of India) Vol. 11, p. 439

147— IHQ. xii. pp. 153—56

۱۴۸- اصطلاح دیوا کولا (Devakula) از طرف جایاسوال (Jayaswall) به یک نما یش گاه شاهی تعبیر گردیده که در آن پورتریت ها و مجسمه ها نگهداری میشود. . . ساهنی با جایاسوال موافق است JRAS, 1924 P. 403 این تعمیر بایست از همان نوع بوده باشد.

بقرار نظریه ساهنی این نا ممکن است که بگویم دیوا کولا ی این کتیبه همانست که در کتیبه و یما تاکشا (Vama—taksha) مانند سالون مجسمه ها پراتیما گریها (Pratima—griha) ذکر شده است ممکن بود تصور شود که دیوا کولا در (مات) نزد یک متهورا پراتیما گریها ی فامیلی حکمروایان کوشانی بوده باشد. (Ibid) یک کتیبه از نصب یک مجسمه بوا هستوا در دیو اچایا (Devachaya) ذکر میکند (JRAS. 1924. P. 400, No 1)

149— Progress Report Arc-heological Survey Western Circle. (PRASWC) 1906-7. P. 31

150— Numismatic Chronicle, pp117—18

151— I.A. xxxill 1904, P. 151 Cunningham, Asr, lll, p. 33

برای تشخیص اودیانا Udiyana به دیدیر (Deydier) مراجعه کنید

Contribution a L'etude de L'art du Gandhara, pp. 144.ff

در این اثر نظریات تمام دانشمندان با متون قدیمه ادبی جلب توجه میکند . این نام قدیم سنسکریت برای سوات است .

س . لیوی معتقد است که این کلمه نمایندگی ازسرزمین قدیم ختن میکند که چینایی ها آنرا بحیث (Yu, t'—ien) نقل کرده اند JA. 1915. P. 110

پایتخت قدیم آن ازطرف ستین کنو با منگلور (Manglaor) یکی پنداشته شده است .

152—Cll. 11. p. 137. 103
153—Ibid. pp. 70ff
154—Pro Ind Hirt. Cong. Hyderabad p. 163
155— J.A. 264. pp. 345ff
156—Cll. C 1. pp. 162. ff
157— ASIAR. 1911—12, pp.95ff
158— Cll, 1, cil P. 170
159— ASIAR, 1912—13, pp 10—12, 1935—36,pp. 33—35 1915—16, pp. 1—38
160— Chirshman— La chro nologic des Kouchans-op. cit P. 698
161— Chavnnes—Toung Pa o, ll, ii P. 489
162— Lohuizen de Liew— The Scythian Period P. 319
163— Op. cit p. 701
164— Ref. No 154
165— E.l. lx. pp. 243 ff. Luders List No.62
166— E. I. lx pp. ff. Luders List No 60
167— Ibid
168— ASR, lll, P. 35, No 18
169— JASB, vol. V, P. 6 No. 7

۱۷۰- برای مزید معلومات مراجعه کنید به بگرام گرشمن (Lecairo 1946) و نیز به مقاله یی او درباره (Le Problom de-la Chronol-ogie des Kouchans)

۱۷۱- جهت مزید معلومات درمورد کتیبه مراجعه کنید به سپرنگلین (Sprengling)

Third Century Iran, Sapor and Kartir, Chicago,1953

۱۷۲- نظریات در مقاله یی گرشمن (Le Probleme etc.) اقتباس گردیده (op. cit.P.699)

173—JA. GCXVIi (1952)P.43



فصل چهارم

کوشانیهای بعدی

کوشانیهای بعدی در تاریخ قدیم هند برگ ریزه های بی ارزش از یک درخت پراگنده در اینجا وآنجا نیستند بلکه خود یک واحد مکملی بشمار میروند. در فصل گذشته توضیح شد که (واسودیوا) در سال (۹۹) عهد کانیشکا از سلطنت باز ایستاد و در شمال غرب قدرت او طوریکه از کاوشها در مکرام پید است رو به زوال گرائیده بود مگر قسمت شرقی امپراتوری کوشانی از عدم استقرار سیاسی محفوظ ومصؤن مانده بود. از روی یک عده کتیبه ها که از متهورا وسانچی بدست آمده اند بر میاید که براین سرزمین ها حکومت کوشانیها دوام داشته است.

چنین یک کتیبه (۱) فرمانروا را بحیث کوشانا پوترا ذکر میکند که شاید او یکی از اخلاف ودودمان قبلی بوده باشد نه پسر فرمانروای نخستین کوشانی طوریکه جایاسوال (۲) فکر میکند.

کوشانا یک نام فامیلی بوده نه از فرد یک کتیبه مانیکالا (۳) درین مورد خیلی صریح وواضح است که اشاره میکند به لالا (Lala) بحیث (Gushanavasamvardhaka) که یک شاخه یی از

فامیل کوشانی است.

مثالهای زیادی در تاریخ هند موجود است مبنی براینکه دودمان دومی بنا سی از دودمان اولی نام گذاری شده اند بطور مثال شالوکیا ها (Chalukyas) جانشین شولوکیا ها و کادامبا ها (Kadambas) جانشین کادامبا ها گردیده اند وبنا براین این یک امر غیر معمول نیست که تصور شود کوشانا پوترای کتیبه مات از اخلاف خاندان قبلی بوده و بکار بردن القاب دیها راجا ـ راجا ئی راجا دیوا پو ترا رابطه و تسلسل و ادامه نژادی را میرساندند.

تاریخ این خاندان سوم کوشانی را میتوان از روی اسناد سکه شناسی و کتیبه شناسی و ملاحظات کرونولوجیکی و شناخت خطوط قدیمه و زبانهای آنها و بالاخره از روی شواهد باستان شناسی ترتیب داد.

شاهی واماتاکشا Shahi Vamatalcsha

کتیبه یی سنه (۴) که بر مجسمه بزرگ شاهی واماتاکشا قرار دارد وازمقام تاریخی مات درمتهورا بدست آمده راجع به تعمیر معبد (دیوا کولا) یک باغ آرامه (arama) ویک چاه (Undapana) توسط یک باکاناپاتی که نام او وبا هجای هوما (Huma) آغاز میگردد گذارش داده است. این رسم ماتوس است. وبا لقب او یکجا خوانده میشود. چنین برمیآید که وقف دهندگان افراد خارجی بوده باشند هوویشکا (۵).

اصطلاح باکاناپاتی دردو کتیبه دیگر نیزبکار برده شده است

که یکی آن تعلق میگیرد به ناحیه مات در متهورا (۶) این کتیبه از یك جهت دیگر نیزحایز اهمیت فراوان است .

این کتیبه از تعمیر معبد (دیواکولا) سخن میگوید و کتیبه یی دیگر راجع به ترمیم آن گزارش میدهد. ازین برمیآید که این کتیبه نسبت به کتیبه عهد هوویشکا قدیمتر است . ولی بجز درمورد دیواکولا درمتن خود با همدیگر فرق دارند.وراجع به احداث باغ وحفرچاه آب درکتیبه یی دیگر ذکری دیده نمیشود . علاوتا کتیبه یی مات متعلق بهعهد هوویشکا راجع به پدر باکاناپاتی سخن میگوید که نام او با هجای (سیلاب) ماشا (Masha) آغاز میگردد. ولی یکاناپتی‌ئی کوشانا پوتر او اماتاکشا ناپدر اورا ذکر نمی‌کند این هردو طوری مینماید که با یکدیگر او تباط ندارند و دیواکولا که ازطرف وامانا کشا بکاناپتی اعمار گردیده شاید که یك ساختمان مستقل وجداگانه بوده باشد متأسفانه این ممکن نیست که تعداد دیواکولاها درمات تعیین گردد. از نقطه نظر تاریخ سیاسی وماتاکشا یك فرمانروای کوشانی بوده است . این حکمروا را بعضی از دانشمندان (۷) با ویما تاکشا (Vimataksha) یا ویما کادفیزس یکی میدانندو کوشانا را میگویند. که نام فرمانروای نخستین کجولا کادفیزس بوده است.ولی با نهم ما اورا یکی از اعضای دودمان کوشانی میدانیم که او بعد از مرگ واسودیوا تاج وتخت را در متهورا غصب کرد وشاید که او ونخستین فرمانروای دودمان سوم کوشانی بوده باشد .چون او مسکوکات

را انتشار نداده است گمان میرود که دوره پیفرمانروای او خیلی کوتاه بوده باشد.

کانیشکای دوم

نام سلطان کانیشکا دریک کتیبه ای که از مقام دالپاتی ـ کی خرکی موهله (Dalpati—Ki—Khirki Moha-Ila) کشف شده و توسط (D. R. Sahin) در اپیگرافیا اندیا (Epigraphia India) (۸) بطبع رسیده دیده میشود. سنه گذاری این کتیبه مورد مشاجره و مباحثات طولانی بین دانشمندان واقع گردیده است

بقرار نظریه ساهنی این کتیبه درسال ۱۴ سنه گذاری شده است.

این مساله ازجهت دیگرنیز حایز اهمیت است. این نخستین سند کوشانی است که نام ماه شمسی هندورا درعوض فصل طوریکه درسایر اسناد دیده میشود بکار میبرد

دوم اینکه از بودا برای نخستین بار بحیث دیوا (Deva) ذکر رفته چون: (Buddhasya Svamatsya de-vasya) سوم خطوط قدیمه سند خیلی نزدیک است به رسم الخط های شرقی گوپتا (۹) محلی که این سند از آنجا بدست آمده نیز قابل ملاحظه است.

این کتیبه از یک ناحیه بلند والپاتی کی خرکی موهله کشف شده نه از کانکالی تیلاجا یکه کتیبه های کانیشکاوجانشینان او بدست آمده است. این کتیبه از نصب مجسمه بودا توسط سانگیلا (Sanghila) در روز دهم ماه پوشا (Pausha) سال ۱۴ مهاراجا ـ دیوا پوـ تراـ کانیشکا گذارش میدهد دو نفر کتیبه شناس ماهرخطوط قدیمه

کتیبه را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و کوشیدند که صنوات مختلف را ارائه نمایند.

توماس (F.W.Thomas) اظهار نظر میکند (۱۵) در شکل درسال و در روز که در کتیبه نشا نداده شده هردو عدد ده (۱۰) خوانده میشود یك تباین را نشان میدهند نه چیزیکه دابارام ساهنی ازان استنباط کرده است و تمام مثال را (۱۰۳) خوانده است یك کانیشکا که درسال (۱۰۳) یا حتی درسال (۲۰۳) حکومت کرده است ، چیزعجیبی نیست.

توماس یك قدم فراتر میگذارد ومیگوید که حتی کانیشکای سال (۲۰۳) اگراز ختم قرن سوم میلادی بعدتر نباشد وجود او ناممکن و نا محتمل نیست.

بهرصورت دیواپوترا شاهانو شاهی ها (Devaputra Shahanushahis) گرچه قبل از حدود سال (۲۳۰) م باشند آنها باختر را به ساسانیها دادند ودر گندهار اوشاید در پنجاب ومتهورا بزندگی خوددوام دادند که باسمودرا گوپتا samudragupta درتماس گردیدند.

ازطرف دیگر پر و فیسر وی . وی . مراشی Mirashi (۱۱) بشمول نخستین کلمه را (۵۰) میخواند وسنه گذاری کتیبه راسال (۵۳) می داند او این کانیشکا را با کانیشکا ی کتیبه آرا (Ara) یکی می پندارد و تداخل عهد زمامداری بین هوویشکا و کانیشکا ی دوم را تشریح میکند و میگوید بعدازمر گ واسیشکا درامورا توری کوشانی یك جنگ داخلی بوقوع پیوسته بود.

در ابتدا کانیشکای دوم فاتح بود و تاسال (۳۱) بحیث امپراتور

حکومت کرد. و بین سالهای (۱۰۵-۱۰۳) توسط هوویشکا به عقب نشینی مجبور گردید. ودراخیر بحیث ما دون و زیردست او قرار گرفت. و کمی بعد هردوی شان توسط شخصی دیگری شکست خوردند ومجبور ساخته شدند که برای خود لقب پائنتر تنهاراجا را انتخاب نمایند. چنین معلوم میشود که پروفیسر خیلی بر نبودن القاب تاکید میورزد و بر روی شواهد عادی اتکا میکند.

کانیشکا ی اول در کتیبه سور بهار Suivihor (۱۲) متعلق به سال ۱۱(۹۱ میلی جنوب غرب بهاولپور) به القاب مهاراجاراجا تی راجا دیوا پوترا یادشده درحالیکه در کتیبه زیدا (۱۳) متعلق به همان سال فقط بـه القاب ساده مـورودا - مـارجها کـا کا نیشکـا Muroda Marjhaka kamishka نامیده شده است. که ترجمه آن چنین است.

فرمانروامارجها کا کانیشکا Marjhaka Kanishka آیا ازین استنباط میشود که اومقام امپراتوری رادرهمان سال از دست داده باشد... ؟

قسمت دیگری ازمبحث پروفیسر V.V. Mirashi (مـیراشی) راجع به جنگ داخلی، بعد ازمرگ واسیشکا -میگردد کهما آنرا بعد آ در مبحث شناخت کانیشکا ی کتیبه آرامورد، مطالعه قرارخواهیم داد.

کانیشکا ی سوم :

کانیشکای کتیبه ارا (۲۱) Ara که تاریخ آن سال (۴۱) میباشد برای آن مؤرخانیکه درمنجلاب کرونولوجی کانیشکا اینسو وآنسو دست وپا میزنند شخصی است معمائی. مشکل است که درسال (۴۱)

چنین القاب شاهداری را برای یك فرمانروای کوشانی قبول کرد در صورتیکه هوویشکا ازسال ۲۸ تا ۶۲ بلاوقفه سلطنت میکرده است .

کتیبه گزارشی میدهد که درعهد مها راجا - راجا تی راجا - د یوا - پو ترا کیسارا (Kaisara) کانیشکا پسر وا جیشکا Vajheshka در سال ۴۱ بروز ۲۵ ماه جایشتا (Jyaishtha) یك جا بواسطه داشاو ها را (Dashhavhara) زو اسه پشا وار یا ن (Poshapuria (Poshawarian) حفر گرد یده بود . اینکه نام پدر او Putrona Vajheshka باو اسیشکا یکی دا نسته شده کاملا بجا است . ولی اگرما واسیشکا را بعد از کانیشکای اول پیش ازخود هوویشکا قرار دهیم . پس این کانیشکا درین میان بطور نا گهانی وارد شده است .

بعضی از دانشمندان این کانیشکا را با کانیشکای اول یکی دانسته اند . (۲۲) ومیگویند که او پیش از ۴۱ سال حکومت کرده است وپسران او واسیشکا وهوویشکا با القاب مهارا جا محض معاونان پدر خود بوده اند و قدرت واقعی بدست کانیشکا متمرکزشده بود . شاید که او درین وقت از هند به دور بوده است .

یك چاره دیگری (ویا امکانیت دیگر) از طرف لودرز وستین کنو (۲۳) تجویز شده است ، وآن عبارت است از تقسیم امپراتوری کانیشکا بین واسیشکا وهوویشکا که هوویشکا بعداً جانشین کانیشکای که در کتیبه آرا از آن ذکر رفته وپسر واسیشکا میباشد ، بر تمام قلمرو امپراتوری کوشانی که شامل اطراف شرقی وغربی میشد گردیده است .

متأسفانه که این هردو نظریه قابل قبول نیست گرچه این نا ممکن نیست ولی غیر محتمل است که کانیشکا برای چنین یك مدت درازی

حکومت کرده باشند وامورا توری خود را به دو پسر خود که نامهای ایشان در اسناد وقف کنندگان و هدیه دهندگان بهمتر از هرکس دیگر جلوه میکند واگذار کرده باشد. حال آنکه درین سند مجردو دور افتاده نوبا وگان پشاوریان فکر میشود که عبارت از امورا تور کهن سال بوده باشد.

ازطرف دیگر اگر تقسیم امورا توری درمیان بوده باشد، وهوویشکا قسمت های شرقی ووا سیشکا قسمت های غربی را جائیکه اسناد پسر او کانیشکای دوم از آنجا بدست آمده تصاحب کرده باشد پس درین مورد که اسناد واسیشکا با القاب مهاراجا-راجاتی راجا-دیواپوترا وشاهی از قلمروی هوویشکا درمتهورا وسانچی بدست آمده چه باید گفت ؟

درحالیکه یك زمامدار از بدخشان نیز در شمال غرب (Bakanapati) حاکمیت و تفوق هوویشکا را برخود برسمیت شناخته است (م ۲) یگانه چاره ایکه برای حل معضله کانیشکای کتیبه آرا (Ara) میتوانیم داشته باشیم اینست که وی را در خاندان کوشانیان بعدی بحیث پسر واجیشکا (Vasishka) واسیشکا (Vajheshka) قرار دهیم .

این هردو فرمانرواسکه ها را بضرب رسانده اندولی اگر ما آنها را در گروپ قبلی قرار دهیم احتمال موجودیت آنها از روی شواهد سکه شناسی از بین میرود .

چنین معلوم میشود که این کانیشکا کتیبه آرا عبارت ازهمان کانیشکایی باشد که دریك کتیبه که از خرابه های معبد کوشاني

سرخ کوتل در افغانستان بدست آمده واز او ذکر رفته وسنه آن سال ۳۱ میباشد (۳۲) این کتیبه تخاری است که اساساً از خط شکسته یونانی که در ایران و پارینه معمول بوده منشأ گرفته است.

نخستین سطر آن از محل یك عمارت کانیشکا فاتح ذکر میکند. وطوریکه ماریك (Marisq) میگوید خوانی شبیه است به دیواکولا.

سنه این کتیبه سال ۳۱ ماه نیسان (Nisan) یك ماه با بلی ها میباشد یك ترجمه مکمل مربوط این سنه هنوز صورت نگرفته است.و ما بخاطر تاریخ سیاسی وکرونولوجی تنها بسنه آن دلچسپی داریم. یك چیز یقینی آشکار است وآن یکی بودن این کانیشکا با کانیشکای متذکره کتیبه آرا احتمال قوی میرود که واسیشکا یا واجیشکا تا به سنه ۳۰ حکومت کرده وبعد از او کانیشکای سوم جانشین او گردیده که تا به سال ۴۵ بحکومت خود دوام داده است.

تفصیل تاریخ سیاسی کوشانیهای بعدی چندان روشن نیست ولی بعضی شواهدسکه شناسی و باستا شناسی میتوانند درین راه با ما کمی کمك برسانند.

شواهد سکه شناسی:

شواهدسکه شناسی تنها دو نفر از فرمانروایان کوشانی بعدی یعنی کانیشکا وواسو (Vasu) را بما معرفی میکنند.التیکار (Altekar) کوشیده است که از روی مسکوکات سلاطینی که بر پنجاب و سند وافغانستان حکومت کرده‌اند وهمچنان معاصرین آنها که در ایران وباختر بودند یك تاریخی بنویسد (۴۵) بقرار طرح او بعد از واسودیوا کانیشکای سوم بر تخت نشست ووی ۲۰ سال سلطنت کرد و بعد از او

واسودیوی دوم زمام امور را در دست گرفت (از حدود ۲۱۰ تا حدود ۲۳۰م) که درعهد این فرمانروا قدرت و موقعیت کوشانیها رو بزوال گرائیده و در حالت روز شماری بود .

ما به چنین نظریات و تعیین سنوات وسلسله مراتب دودمانی خود ساخته چندان دلچسپی نداریم .

این مشکل است که کانیشکو (Kaneshko) یك فرد خاندان کوشانی بعدی را که مسکوکات او بدست آمده کانیشکای دوم متذکره در کتیبه متهورا سال ۱۴ ویا کانیشکای سوم کتیبه سرخ کوتل سال ۳۱ کتیبه آرای سال ۴۱ بدانیم .

البته ممکن است واسو (Vasu) را عبارت از واسکوشانا (Voskushana) یا واسیشکا دانست .

مسکوکات کانیشکا که از مقام پنجاب وافغانستان بدست آمده نام واسو دیوا بر آنها نقش بسته واین نام بر مسکوکات فرمانروای بعدی کوشانی واسو (Vaso) نیز دیده میشود.

طوریکه در کتلاك وایت هید دیده میشود (۲۶) خطوط برهمی باخطوط فاسد شده یونانی برمسکوکات هردو تحریر یافته است . بر عقب دوسکه واسو آلهه اردا کشو (Ardoksho) دیده میشود که بر تخت نشسته وتو اروشاخ مثمر را به پیش در دست گرفته است (۲۷)

درین حالت میتوانیم بگوئیم که این سکه ها متعلق به همان کانیشکای سوم اند . الیتکار علاوه میکند(۲۸) حروف برهمی سی وی

(Bhri),JVi,Si) که برمسکوکات کانیشکا دیده میشود علاماتی است از حرف اول نام‌والیانی که بر نواحی مختلف امپراتوری وسیع او حکومت میکرده اند . وگذشته از آن‌حروف‌دیگری نیزچون -Ga—Na—Pa (Tha—Khu—Chu—Vai وغیره نیز دیده میشوند .

نقش بستن این حروف برروی مسکوکات آن دوفرمانروای کوشانی بعدی معمائیست لاینحل. فعلا جز این نمیتوانیم بگوئیم که‌مسکوکات واسودو کانیشکوغالباً نمایندگی ازو اسیشکاو کانیشکای کتیبه آرا میکند.



شواهد باستانشناسی

شواهد باستانشناسی درمورد موقعیت کوشانیهای بعدی از طرف گرشمن در چندین نقطه از قبیل بگرام ، سرخ کوتل ، قلعهٔ مسور کی قبادیان ، ایرتام - ترمز تالی برزو نزد یک سمرقند به نحو مرغوبی بررسی شده است . (۲۹)

این همه شش نقطه از نظر محتوای سکه شناسی و باستانشناسی یک تشابه و یک وحدتی رانشان میدهد بعضی از اینها اگر شهر بوده و یا معبد ازطرف کوشانیهای بزرگ بناً یافته که اکنون به ویرانه ای مبدل و یقیناً زیرخاکستر آتش پنهان گشته اند، بعد از یک وقفهٔ زندگانی در یک شهر جدیدی برروی ویرانه های شهر قدیم (به استثنای ایرتام (Airtam) جائیکه برای همیشه ترک داده شد) آغاز گردیده است . واین درعهددودمان سوم کوشانیها ویا کوشانیهای بعدی اتفاق افتاده است .

یک مطالعه و تحقیق مقایسوی نیز از طرف دانشمند مذکور صورت گرفته است . بعضی ظروف گلی اینکه از قبادیان (S) یافت شده خیلی

شبیه است به آن ظروفیکه از بگرام سوم و تالی برزو (Tali—Barzou) نزد یك سمرقند کشف گردیده است .

سه عدد سکه از آخرین طبقه بدست آمده که یکی آن شامل تصویر وسو دیو ای سوم است (بقرار نظریه گرشمن واسودیوای دوم و بقرار نظریه بکهوفر (Bachhofer) که میگوید ما بطور واقعی راجع به یك واسودیوای سوم معلومات داریم) و یك سکه مسی که باسکه بگرام سوم شبیه و متعلق به دودمان سوم کوشانی است و آخرین آن شاید که یکی ازسکه های متعلق به ویما کادفیزس بوده باشد .

گسستگی ایکه بین طبقات چهارم و پنجم بوقوع پیوسته است قباد یان طوریکه دیاکانوف (Diokonov) اظهار نظرمیکند ناشی از پیروزی شاهپور اول درجنگ علیه واسودیوای اول میباشد .

پس درینصورت تاریخ قباد یان پنجم تصادف میکند به نصف دوم قرن سوم میلادی و نصف اول قرن چهارم میلادی وچنین انگاشته میشود که با وجود گسیختگی موقتی قدرت کوشانی در شمال غرب که نتیجه پیروزی شاهپور اول بود کوشانیهای بعدی توانستند تسلط خود را بر قرار کنند ودوام دهند .

از اسناد وشواهد یکه بر اثر کاوشهای باستان شناسان از نقاط مختلف بدست آمده و توسط گرشمن در آخرین مقاله اش مطالعه ومقایسه شده اند بر میاید که آتش سوزی و تخریب توسط کوشانیهای بعدی صورت گرفته است .

نفوذ ساسانیان شاید که محسوس بوده باشد ولی کوشانیهای

یعنی نفوذ و تسلط سیاسی شانرا قدم به قدم بر اسلاف خود یعنی از کوشانیهای بزرگ تعقیب کرده ودوام داده اند. (۲۹) کانیشکای سوم را بحیث آخرین فرمانروا نشان داده اند ولی تعیین آخرین تاریخ سقوط این دودمان یک امر مشکل است احتمال دارد که در هندشمالی یودهیها (Yaudheyas) کوتیندا ها (Kunindas) ملاوا ها (Malavas) ناگاها (Nagas) ومگها (Maghas) قدرت کوشانیها را خاتمه داده باشند. (۳۰) پروسه انحلال امپراتوری کوشانی آنی نبوده بلکه تدریجی بوده است.

گرچه کوشانیها در هند شمالی بحیث یک قدرت سیاسی از بین رفته بودند ولی همزمان باسمودرا گوپتا بعضی از دیوا پوترا شاها نو شاهی یعنی یک فرمانروای مستقل ویا نیمه مستقل وجود داشت که بر کابل و قسمتی از پنجاب وغیره نقاط درغرب حکمروایی میکرد (۳۱).

بدین ترتیب آخرین مرحله ای تاریخ قدرت سیاسی کوشانیها به پایان میرسد ولی با نهم شهزادگان کوشانی حتی تا دیر زمان در اینجا ودر آنجا به موجودیت خود و به تبارز خود ادامه دادند. در آخرین سالهای قرن چهارم میلادی و یا نخستین سالهای قرن پنج میلادی بود که کوشانیها بیک نام جدید یعنی بنام کوشانیان کیدار(ی) شهرت یافتند آنها برگندهارا و کشمیر جاهاییکه به تعداد زیاد مسکوکات معمولی وطلایی شان بدست آمده حکمروایی میکرده اند. (۳۲) نامهاییکه بروی این مسکوکات نقش بسته اکثراً هندی اند از قبیل کرتی ویریا Kritivirya

سروایا سابهاسوان میلاد یتیا پرا کاسا وکوسالا . این نامها را نمیتوان از روی کرونولوجی تنظیم کرد ونیز ممکن نیست بطور یقین مدت و زمان حکمروایی آنها را با لترتیب توضیح نمود .

مسکوکات آنها یك تلقید نا پخته از مسکوکات سلطان قرباسی دهنده اردوك شوی (Ardoksho) برتخت نشسته از نوع کوشانیهای بعدی است و شبیه مسکوکات کندا ها رایا کدا کهارا قومیکه انگاشته میشود که بر قسمتی از قلمروی کوشانیان کیداری بعد از زوال قدرت سیاسی آنها حکمروائی داشته اند میباشد .

چنین برمیاید که هردوشاید براثر حملات شدید هونها در قرن پنج میلادی از بین رفته باشند .

با ین ترتیب حتی آخرین بقایای کوشانیها ناپدیدگردید.



یادداشتها

1— ASI. An Rep. 1911—12 pp. 120ff
2— JBORS Vi (1920) pp. 12 ff
3— Op. cit.

۴— ... تا جائیکه در این سند بنام حکمروا و یما تا کشیما (Vema Takshama) را ابا طمیگیردوی با ویماکا دفیزس یکی نیست . چون لقب شاهی هیچگاه توسط او بکار برده نشده بلکه تنها بواسطه کانیشکا وجانشینان از بکار برده شده است .

گرچه ما راجع به تعیین سنه این سند با دکشیت موافق نیستیم اینکه جایاسوال آنرا و یما کادفیزس میداند نیز قابل پذیرش نمی دانیم .

5— El. xxl pp. 55 ff
6— JRAS. 1924, pp. 402

۷ ـ نظر جایاسوال در (JBORS) ذکرشده و توسط (جی. ان بانرجی) پذیرفته شده است .

۸ ـ اینکه نکته توسط تقریباً تمام دانشمندان به تفصیل مورد مداقه قرارگرفته است (ساهی) نخستین کسی است که به بعضی از

خصوصیات این رسم الخط متوجه شده است. او مینویسد. بخاطر باید داشت که حرف (m) با کمی برآمدگی بطرف چپ حرف بعوض قاعده سه کنج، در همه جاازعهد گوپتا حکایت میکند. (آن. جی مجومدار) درضمن تبصره براین سند اظهار عقیده میکند که از نقطه نظر پلیوگرافی «خطوط قدیمه خوانی» مشکل است که این کتیبه را به کانیشکای اول نسبت دهیم و باید بگوئیم که آن کتیبه طوریکه از اشکال الفبای گوپتا پیداست متعلق به کوشانیهای قبلی میباشد. (EL. xxlv, p, 148, n4) توماس راجع به این کتیبه در مقالهٔ خود بنام «کانیشکای سال ۳۱ به تفصیل پرداخته است...»

9—Op. cit. p. 303

۱۰ ـ EL. xxvi, pp. 293 ff این عبارت از طرف (چهابرا) (Chhabra) پذیرفته شده است (ABORI, xxxlll (1952) pp. 270. ff) دکشیت فکر میکند که این عبارت خصوصاً برای ترتیب کرونولوجی کوشانیان بعدی قابل ملاحظه است ABORI, xxxvii, P. 98

قبلا او این کتیبه را به قرن چهارم، بلکه به قرن سه سامو ات ویکراما نیت داده بود سنه واقعی نگارش این کتیبه را ۳۱۳ ویکراما ساموات میدانست (IBID. p 97).

11— Cll. P. 141

12— Ibid. P. 145

۱۳ ـ مارشال و فوشه سانچی جلد اول صفحه ۳۶ نمبر (۸۲۹).

بقرار نظریه توماس کلمهٔ (Me) درین کتیبه شیوهٔ کتیبه کانیشکا است که درسال (۲۲) نگاشته شده است ...

این کتیبه یك مرحله انتقالی را ازدوره کوشانیها بدوره گوپتاها نشان میدهد .

۱۳- Op. cit. pp. 278—386 جی - آن بانرجی میگوید ازآنجا که این شهزاده هیچ کدام از القاب کوشانی از قبیل دیواپوترا را برای خود بکار نمی برد و تنها کلمه را جان را بکار برده است چنین استنباط میشود که وی یك شهزاده محلی ازدودمان کوشانی بوده باشد.

سال۲۲ با دوره کانیشکای اول تصادف میکند واگر نام واسکوشان یك شکل دیگری ازواسیسا کا (Vasisaka) که جانشین کانیشکای اول بود پنداشته شود پس احتمال میرود که کانیشکا باواسیشکادر قسمت آخر زمان فرمانروائی خود درجنوب غرب متورا توری اشریکچا وهمزمان بوده باشد .

(Comprehesive History of qndia pp. 242—3)

۱۵ - کتلاك موزیم سانچی صفحه ۳ . نمبر ۱۸۲ - است لودر نمبر ۱۶۱ .

۱۶ موزیم متهورا ، کتلاك ووگل .

نمبرق۱۳ . . . لست لودر نمبر ۱۳۹ الف .

۱۷- زبان این کتیبه ها زیاد تررنگ سنسکریت راگرفته است و با لهجه گاتا (Gatha) عهد قدیم کوشانیها فرق دارد .

شواهد خطوط قدیمه خوانی نیز بعضی از اشکال پیش رفته را پیاد میدهد . . .

۱۸- چون تاریخ کتیبه بعدا از نام فرمانروا که بنام را جان است ذکرشده . درین میان بعضی القاب دیگر ویا نامهای فامیلی لادرك معلوم میشوند .

۱۹ - متهورا، ازگروزی Pt. 11. p. 173. IA vl. p. 217. No. 1 (Growse)

xxxlll. pp. 38ff; No, 8; Luders Lust No 33 JRAS.

1905. P. 338. Vogel. cat. Mat, Mus, No, 449).

۲۰ (Cll. pp. 162 ff) کتیبه از طرف با نرجی نیز چاپ شده است

Luder's (SBAW, 1912. pp. 824

Translated, IA. xl, 19 13

وفلیت آنرا تحلیل و تفسیر نموده است بقرار نظر به ستین کنو کرکستر این کتیبه بی خروشتی نمایانگر عهد کوشانیهای بعدی است بطور مثال (Kha) تقریباً با جها (JHA) وا جهشکا که از شکر دره (درافغانستان) بدست آمده یکی است.. (op. cit. p. 162)

۲۱- با نروی (op. cit.) ونست سمت میگوید که عهداو خیلی زیاد دوام نموده است و کننگهم عهداورا مدت چهل سال میداند.

22— Cll. p. 163

23— A. Maricy... JA. 346, pp. 345 ff

۲۴- «تاریخ جدید مردم هند» NHIP, 12

۲۵ - کتلاک مسکوکات درموزیم پنجاب نمبر ۲۳۶ و ۲۳۷.

26— Ibid. No. 231-234—235

۲۷ - (NHIP. p. 15) بقرار نظریه و نست سمت حروف هندی که در پهلوی نیز دیده میشود اکثرا حروف چند مثلا بی اند مانند نام چیناپی بها Bha گا Ga (Vi) وغیره. چنین برمیآید که آنها متعلق به سران مختلف قبایل آسیای مرکزی بوده باشد که آنها تسلط کوشانیها یا دودمان شاهی کابل را برخود پذیرفته بودند (EHIP. 291).

۲۸ این مطالعه مبنی است بر مقاله گرشمن بنام «معضلهٔ کرونولوجی کوشانیها» درین مقاله وی شواهدی که در نتیجه کاوشهای هیئت باستان شناسی فرانسوی و روسی در افغانستان و در آسیای مرکزی بدست آمده آنها را با یکدیگر مقابله و مطالعه نموده است. ماخذیکه برای مقاله داده شده از مقاله او در اینجا نقل شده است (See. pp. 708 ff)

۲۹ — حواله ها راجع به ناگا ها و یوریها حیث جانشینان کوشانیها مبتنی بر شواهد بومی است.

ناگا های قبلی بر بدماواتی و متهورا مسلط بودند. اولاً در دست کوشانیها بود آنها ده راس اسپ را قربانی کرده بودند. بقرار پورانا ها وقتیکه گوپتا ها به قدرت رسیدند هفت تن از پادشاهان در متهورا و نه تن در پدماواتی حکومت کرده بودند.

(Pargiter— Dynasty of the Kali Age. P. 49 ct Raychau d hari PHAI—pp. 480 ff

آنها ضرور خود را نسبت به کوشانیهای هند بزرگتر و بهتر قلمداد کرده بودند. یودیها (Yaudheyas) نواحی ساحل دریای ستلج را تا به سرحدات ولایت بهاولپور (Johiyaber) در دست داشتند. انواع مختلف مسکوکات یودیها شباهت تامی را با مسکوکات کوشانی میرسانند و اینها غالبا که از طرف یودیها بعد از آنکه قدرت کوشانیها را تضعیف نمودند بضرب رسیده باشد. بقرار نظریه التیکار (Altekar) نقوش یودهیا گاناسیا (Yaudheyaganasya) بر روی مسکوکات آنها و یودهیانانم (Yaudheyananm) جایا ترادهرنام (Jayamantradharanam)

بر روی مهر گلین که از مقام سونت (Sunt) نزدیک اوده پیدا شده بدست آمده نشان میدهد که پیروزی بزرگیست بر کوشانیها
(Proceeding — All India) Oriental Congress xll. Banarses 1945)

۳- توسعه امپراطوری ساسانیها درشرق کوشانیها را تماما ازبین نبرد ولی کوشانیها تسلط آنها را برخود قبول کردند.

از کتیبه پایکولی (Paikuli) برمیاید که چندین پادشاه اشاره میکند که اگر آنها تیولداران کوشانیها نبودند اقلا متحدین زیردست آنها بودند. این ها شامل پادشاهان سوراشتراها اونتی ها مالا ها وابهیرا ها میشدند (JRAS, 1933, p. 219) هرمزد دوم امپراطور ساسانی (سه یا ده ه۰ از میلاد) دختر یکی از سلاطین کوشانی را در عقد نکاح خود در آورد. بر روی بعضی از مسکوکات آتشدان و بنام کوشان ملکا (Kushan Malka) و (کوشان ملکان) نامیده شده است بر مسکوکات او نیز چهره شیوا با گاو شر مثلا قربانگاه هندی دیده میشود.

Whitchead cat p. 213, No. 240.

۳- JRAS, 1913, p. 1064 کتلاک مسکوکات موزیم کلکته جلد ۱ صفحات ۸۹-۹۶ بانرجی JASB. 1908. P ۹۱ و نیز به تاریخ جامع هند مراجعه شود. (Com p. H. I, p. 252—3)



اختصارات

ABIHB— Annual Bibliogr- aphy of Indian History and Indology Bombay.

بیبلیوگرافی سالیانه تاریخ هند و هندشناسی، بمبئی.

ABIHK— Annual Bibliog- raphy of Indian History ad Archaeology Leyden.

بیبلیوگرافی سالیانه تاریخ هند و باستان شناسی، لیدن.

ABORI— Annual of the Bhandarkar Oriental Resea- rch Institute Poona.

تاریخچه انستیتوت تحقیقات شرقی بهندرکار- پونه.

ASR— Archaeological Su-rvey of Cunninghum Calcutta, etc.

راپورهای تحقیقات باستانشناسی کننگهم، و کلکته وغیره.

ASI. AN. REP. —Archaeo- logical Survey of India Ann- ual Reports Delhi

راپورهای تحقیقات باستانشناسی هند، دهلی سرحدات ه

ASI. CIR.— Archaeological Survey of India Repor- ts, Frontier Circle.

راپورهای تحقیقات باستانشناسی هند در دائره سرحدات.

BMO— Brtish Museum Quarterly, London.

نشریه سه ماهه بر تیش موزیم، لندن .

BSOAS— Bulletin of the School of Oriental and African Studies, London.

مجله مطالعات مدرسه شرقی و افریقائی، لندن.

CII— Corpus Inscription Indicarum.

مجموعه نوشته های هندی.

EI— Epigraphia Indica, Calcutta etc.

IA —Indian Antiquary, Bombay.

آثار عتیقه هندی، بمبئی.

IHQ— Indian Historical Quarterly, Calcutta.

مجله سه ماهه تاریخی هند، کلکته.

JA— Journal Asiatique, Paris.

جریده آسیائی، پاریس.

JAOS — Journal of the American Oriental Society, New Haven.

مجله انجمن شرقی امریکایی نیوهاون

JASB— Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta.

مجله انجمن آسیائی بنگال، کلکته.

JBORS— Journal of the Bihar and Orissa Research Society, Patna.

مجله انجمن تحقیقی بهار و اوریسا پتنه.

JGIS— Journal of the Greater Indian Society, Calcutta.

مجله انجمن بزرگتر هند، کلکته.

JIH— Journal of India History, Madras, Trivandrum.

مجله تاریخ، هند مدراس، تریوا ندروم.

JISOA— Journal of the India Society of Oriental Art, Calcutta.
مجله هنر شرقی انجمن هندی، کلکته

JNSI— Journal of the Numismatic Society of India, Bombay, Varanasi.
مجله انجمن سکه شناسی هند بمبئی، واراناسی.

JORI— Journal of Orien tal Research Institute, Madras,
مجله انستیتوت تحقیقات شرقی، مدراس .

JRAS—Journal of the Royal Asiatic Society, London.
مجله انجمن سلطنتی آسیائی، لندن .

JRASB Journal of the Ro yal Asiatic Society, Bomb ay.
مجله انجمن سلطنتی، بمبئی .

JUPS Journal of the U.P. Historical Society, Lucknow.
مجله انجمن تاریخی اوتار پردیش لکنهو .

NIA New Indian Antiquary Bomleay
آثار عتیقه جدید هندی، بمبئی .

QJMS— Quarterly Journ- al of the Mythie Society, Bangalore.
مجله سه ماهه انجمن افسانه های کهن بنگلور.





NISTRY OF INFORMA TION AND CULTURE

INTERNATIONAL SEMINAR OF KUNSHAN

STUDIES KABUL. 1978

دولتی مطبعه

India Under Kushanids

POLITICAL HISTORY OF KUSHANI

BY — B. N. PURI

TRANSLATED BY:

POHANWAL ZAMIR SAFI



PUBLISHED BY:

BAIHAQI BOOK PUBLISHING

INSTITUTE

NOVEMBER, 1978